

IRAN NAMEH

**A Persian Quarterly
of Iranian Studies**

Editor-in-Chief, Mohamad Tavakoli

Published regularly since 1982

ISSN 0892-4147 (print)

ISSN 2159-421X (online)

فصلنامه ایران شناسی

ایران نامه

سردبیر، محمد توکلی

“مجله‌ای چنین سنگین و معتبر و آموزنده و ارزنده”

امیر پیشداد

“a serious and objective scholarly journal”

Encyclopædia Iranica

SUBSCRIPTION RATES

VOLUME 27, No.1-4 (2012)

Student \$80 . Individual \$100 . Institution \$140

Subscription Details

Institution:

First Name:

Last Name:

Email:

Website:

Mailing address:

It's easy easy to subscribe!

Please visit:

www.irannameh.org

Join Iran Nameh on facebook

<http://www.facebook.com/irannameh>

Foundation for Iranian Studies

Department of Near and Middle Eastern

Civilizations

University of Toronto

4 Bancroft Avenue

Toronto, ON M5S 1C1, Canada

با اشتراک و هدیه دادن ایران نامه ما را در انتشار این فصلنامه “آموزنده و ارزنده” ایران شناسی یاری رسانید.

Subscribe to Iran Nameh and recommend Iran Nameh to your librarian!

فهرست

ایران نامه

سال ۲۷، شماره ۲ و ۳، ۱۳۹۱/۲۰۱۲

فرگرد پژوهش

- ۴ مهندسانه اندیشی و ولایت مداری مجتهدسانه
محمد توکلی طرقي
- ۳۹ مصاف با دولت ایدئولوژیک:
گزارشی درباره علوم انسانی در ایران بعد از انقلاب
فاطمه صادقی
- ۵۸ ایران شناسی در جهان عرب
جایگاه رمان معاصر فارسی در جهان عرب
علی زائری
- ۶۸ نقشه نگاری و نقشه های قدیمی ایران
سیروس علائی
- ۸۰ تاریخ گذاری مطلق و نسبی تپه رحمت آباد، پاسارگاد
محمدحسین عزیزی خرنقی، یوشیرو نیشیاکی، مرتضی خانی پور
- ۱۰۴ مقبره وصاف الحضرة، ادیب و مورخ دوره مغول
عزت السادات مطهری، سید علیرضا گلشنی

روشنفکران و دمکراسی

- ۱۰۸ روشنفکران و دمکراسی در ایران، واکنش به انقلاب ۱۳۵۷
فرهاد خسرو خاور، سعید پیوندی، محسن متقی
- ۱۲۴ روشنفکری چپ ایران و موضوع دموکراسی
سعید پیوندی
- ۱۵۰ از روشنفکران بلندپرواز تا روشنفکران واسط
فرهاد خسرو خاور

- ۱۶۸ دین، دموکراسی و روشنفکران مسلمان
محسن مثنی
- ۱۸۸ روشنفکری لیبرال در ایران بعد از انقلاب
رامین جهانگللو
- ۱۹۶ زنان روشنفکر در تجربه سال‌های پس از ۱۳۵۷
پروین بختیارنژاد

سیمین دانشور، ۱۳۰۰-۱۳۹۱

- ۲۱۰ به یاد سیمین دانشور
سیمین بهبهانی
- ۲۲۰ سیمین دانشور در کشاکش دیروز و امروز:
سفری دراز از ستایش به سنجش
حورا یآوری
- ۲۳۰ داستان‌های سیمین دانشور: تمثیل‌هایی از تعهد، تقابل، و تعامل
کامران تلطف
- ۲۴۸ در انتظار سحر
سهیلا صارمی

اسناد و متون

- ۲۵۸ حالنامه عارفی مشهور به گوی و چوگان
بهرام گرامی، زهرا مجیدی (یوسفی)

نقد کتاب

- ۲۷۸ ایران ساسانی: ظهور و سقوط یک امپراتوری نوشته‌ی تورج دریایی
شروین فریدنژاد

Mohamad Tavakoli-Targhi, "The Emergence of Clerico-Engineering as a Form of Governance in Iran," *Iran Nameh*, 27:2-3 (2012), 4-37.

فرگرد پژوهش

مهندسانه اندیشی و ولایت مداری مجتهدسانه

محمد توکلی طرقي

استاد تاريخ، دانشگاه تورنتو

Mohamad Tavakoli-Targhi
m.tavakoli@utoronto.ca



محمد توکلی طرقي استاد تاريخ و تمدن های خاور نزدیک و میانه در دانشگاه تورنتو است. از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۲ او سردبیر مجله تخصصی مطالعات تطبیقی جنوب آسیا، آفریقا و خاورمیانه بود. از سال ۲۰۱۱ نیز سردبیری ایران نامه را بر عهده گرفته است. کتاب های توکلی بدین قرارند: تجدد بومی و بازاندیشی تاریخ (۱۳۸۱) و ایران آرای (۲۰۰۱).

ISSN 0892-4147 print/ISSN 2159-421X online/2012/27.2-3/ 4-37

”نظام اسلامی یعنی طرح مهندسی و شکل کلی اسلامی را در جایی پیاده کردن.“^۲
سید علی خامنه‌ای

”ما در دوران نوسازی علمی و صنعتی ایران و به قول آقایان، دوران مدرنیزاسیون—که بنده از این گونه تعبیرات خوشم نمی‌آید—شدیدم مثل یک کارگر ساده ساختمانی در اختیار یک معمار و یک مهندس. یک کارگر ساده ساختمانی چه کار می‌تواند بکند؟ بله، در ساختن خانه نقش دارد، اما صرفاً نقش جسمانی و غیرفکری؛ گل بده، آجر بده، گچ بده، یا اینها را روی هم بچین. دوره انحطاط ما از این جهت است.“^۳
سید علی خامنه‌ای

۱. پیش گفتار

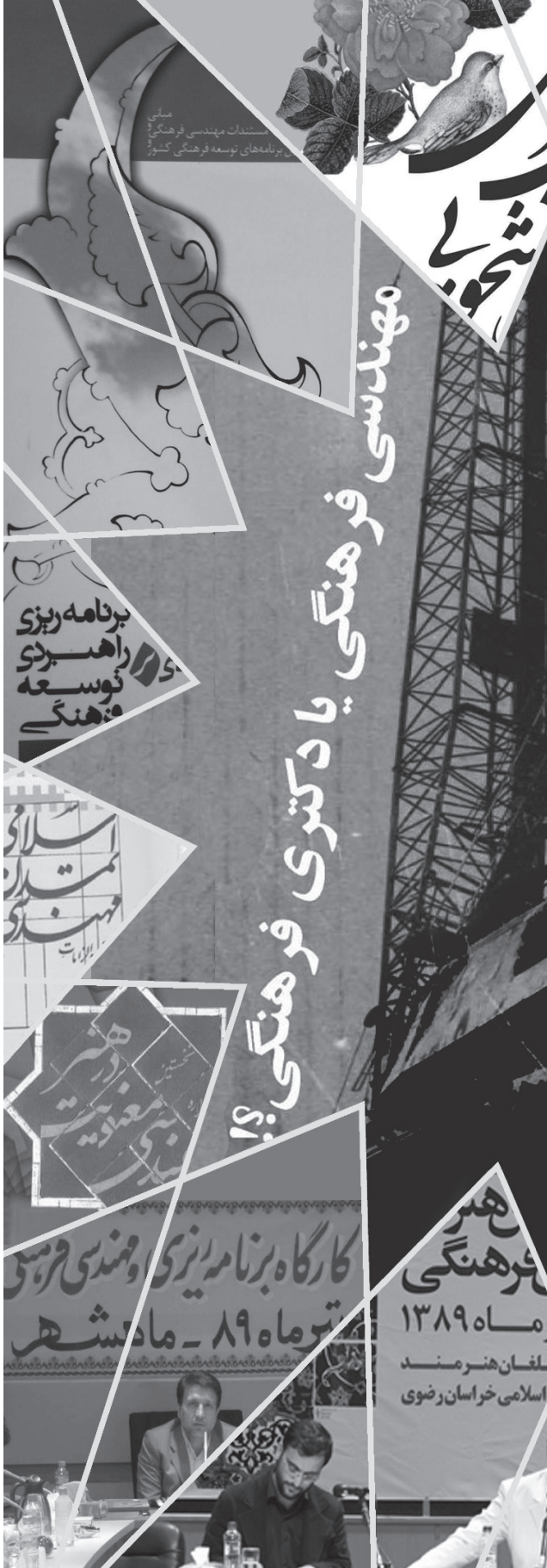
در سه دهه پس از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷/۱۳۵۹ خیال و خرد هندسی و مهندسی به تدریج بر نگرش و بینش سیاسی و فرهنگی در ایران چیره شد. با چیرگی دانش مهندسی، مفاهیمی چون طرح، نقشه، ترسیم، هندسه، مکان، جا، فضا، حریم، بنا، ساختمان، اصلاح، تعمیر، ترمیم، رصد، نرم‌افزار، سخت‌افزار، زیرسازی، بازسازی، نوسازی، بهسازی و بهینه‌سازی شیرازه اندیشه معاصر را فراهم آوردند. مفاهیم نوظهوری چون ”جهاد سازندگی“، ”سردار سازندگی“، ”نقشه و هندسه الهی“، ”هندسه کلام“، ”هندسه

این مقاله بخشی از کتاب روشنفکری همگانی: تجدد، طبیبانه‌نگری و مهندسانه‌اندیشی است که در ۲۰۱۳ به چاپ می‌رسد. پیش‌نویس این مقاله را نخستین بار به مناسبت سخنرانی نوروزی بنیاد مطالعات ایران در سال ۲۰۱۰ در دانشگاه جورج واشنگتن و سپس به مناسبت‌های گوناگون در دانشگاه کلمبیا، دانشگاه تگزاس (آستین)، دانشگاه شیکاگو، دانشگاه بریتیش کلمبیا (UBC)، و دانشگاه تورنتو عرضه کردم. برای مشاهده سخنرانی UBC در فوریه ۲۰۱۱ بنگرید:

<<http://webcasts.ikebarberlearningcentre.ubc.ca/node/623>>

در تهیه این نسخه از پیشنهادات و انتقادات همکارانم از جمله احمد اشرف، همایون کاتوزیان، منصور بنگداریان، داریوش آشوری، فرزین وحدت، شهرزاد مجاب، امیر حسن پور، ویکتوریا طهماسبی، سروش دباغ، حسن یوسفی اشکوری، حسین کمالی، یاسر میردامادی، مینا یزدانی، شاهین رودباری، فاطمه مسجدی، رضا علیجانی، سعید حریری، امیرحسین تیموری، سعید پیوندی، علی قاسمی، هرمز حکمت، شهلا حائری، سایه میثقی، وحید طلوعی، تورج اتابکی، محمدرضا باطنی و ناهید توسلی بهره جستم. از انتقادات تمامی این دوستان و همکاران سپاس گزارم. آعلی خامنه‌ای، ”بیانات در دیدار کارگزاران نظام“، ۹ دی ۱۳۷۹،

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3039>



معرفت، "هندسه تاریخ"، "اصلاحات معمارانه"، "مهندسی فرهنگی"، "زیرسازی فرهنگی"، "رصد فرهنگی"، "جنبش نرم افزاری"، "مهندسی ذهن"، "مهندسی معنویت"، "مهندسی هنری"، "بازمهندسی دینی"، "مهندسی انتخابات"، "مهندسی راهپیمایی"، "هندسه مهدوی"، "هندسه عشق"، "مهندسی عشق"، "مهندسی شادی" و بسیاری از مفاهیم ترکیبی اینچنین نشان دهنده گونه‌های متفاوت مهندسانه‌اندیشی اند.^۸ این مفاهیم هم نحو و بافت اندیشیدن را دگرگون کرده‌اند و هم به پیدایش الهیات مهندسانه‌ای انجامیده‌اند که از چگونگی "بنای جهان و مهندسی عظیم عالم وجود" و "هندسه عظیم و پیچیده" آن یاد می‌کند.^۹ در این نگرش، خدا "مهندس بی نظیر و غیر قابل توصیف" و جمهوری اسلامی دارای "هندسه و ترسیمی الهی" پنداشته می‌شود که به همت "معمار انقلاب اسلامی"، روح الله خمینی (۱۲۸۱-۱۳۶۸/۱۹۰۲-۱۹۸۹)، "بنا" شد. در این روایت، قانون اساسی "نقشه معماری" "قانون، نرم افزار اداره کشور"، و ولایت فقیه "جایگاه مهندسی نظام" شناخته می‌شود.^{۱۰} از چنین جایگاهی رهبر جمهوری اسلامی فرمان "مهندسی فرهنگی" و "جنبش نرم افزاری" را صادر و از چگونگی "توسازی نظام" یاد کرد.^{۱۱} با چیرگی منطق مهندسی و معماری، مفاهیم این علوم "قرآورده ساز" با شتاب فزاینده‌ای به گفتمان و رقابت سیاسی و انتخاباتی راه یافتند.^{۱۲} "دوباره می سازمت وطن" را که سیمین بهبهانی در اسفند ۱۳۶۰ به مناسبت جنگ سروده بود، شعار انتخاباتی و سرود هیجان انگیزی شد.^{۱۳}



«دوباره می سازمت وطن»، آگهی انتخابات ریاست جمهوری مصطفی معین، ۱۳۸۵

در پی اعلان نتایج انتخابات خرداد ۱۳۸۸ حجت الاسلام مهدی کروبی، یکی از سه کاندیدای ریاست جمهوری، از "انتخابات مهندسی شده" و "در" رأی مردم "مهندسی" کردن سخن گفت.^{۱۴} میرحسین موسوی، کاندیدای دیگر ریاست جمهوری، نیز از "راهپیمایی‌های مهندسی شده" یاد کرد.^{۱۵} کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی نیز گزارش داد: "جهت گیری بسیاری از رسانه‌ها... در جریان انتخابات و وقایع بعد از آن و تاثیر آنها به عنوان عوامل موثر بر اعتراض

آعلی خامنه‌ای، "بیانات در دیدار مهندسان و محققان فنی و صنعتی کشور"، ۵ اسفند ۱۳۸۲،

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3271>

بُریخی از این مفاهیم ترکیبی از جمله "هندسه الهی" و "هندسه کلام" کاربردی دیرینه‌تر داشته‌اند.

"بیانات مقام معظم رهبری در دیدار گروه کثیری از جوانان استان

اردبیل"، ۵ مرداد ۱۳۷۹،

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3018>

آحسن روحانی، "مهندسی فرهنگی: از نظریه تا عمل"، گفتنام، شماره ۴۷ (تابستان ۱۳۸۷)، ۷-۴۰، نقل بر ۲۵.

آعلی خامنه‌ای، "بیانات در دیدار نمایندگان مجلس"، ۸ خرداد ۱۳۸۴،

آعلی خامنه‌ای، "بیانات در مراسم پانزدهمین سالگرد ارتحال امام خمینی (ره)"، ۱۴ خرداد ۱۳۸۳،

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3233>

بُرای کاربرد "توسازی نظام" بنگرید: "دیدار دانشجویان کرمانشاه با رهبر انقلاب"، ۲۴ مهر ۱۳۹۰،

<http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=17589>

۱۰ اکبر گنجی، اصلاحگری معمارانه: آسیب شناسی گذار به دولت دموکراتیک و توسعه گرا (تهران: انتشارات طرح نو، ۱۳۷۹)، به ویژه بنگرید به ۲۱۱-۲۲۵.

۱۱ ابیات آغازین این شعر بدین قرارند: "دوباره می سازمت وطن! اگرچه با خشت جان خویش. ستون به سقف تو می زنم، اگرچه با استخوان خویش." بنگرید: سیمین بهبهانی، "دوباره می سازمت وطن"، در مجموعه اشعار (تهران: انتشارات نگاه، ۱۳۸۴)، ۷۱۱-۷۱۲.

۱۲ "کروبی در مصاحبه با روزنامه ایتالیایی: این روزها می گذرد ولی آتارش خواهد ماند"، ۷ اسفند ۱۳۸۸،

<http://www.kalame.com/1388/12/07/klm-12511/>

۱۳ "گفت‌وگوی سایت کلمه با میر حسین موسوی"، ۸ اسفند ۱۳۸۸، <http://www.rahesabz.net/story/11097>

۱۴ "چکیده گزارش حوادث پس از انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری ۲۲ خرداد ۱۳۸۸"،

rajanews.com/userfiles/flash/PDF/asi90fetne.doc

۱۵ عباس سلیمی نمین، "حوادث پس از انتخابات ناشی از تقابل دو مهندسی قدرت است"، ۱۲ آبان ۱۳۸۸،

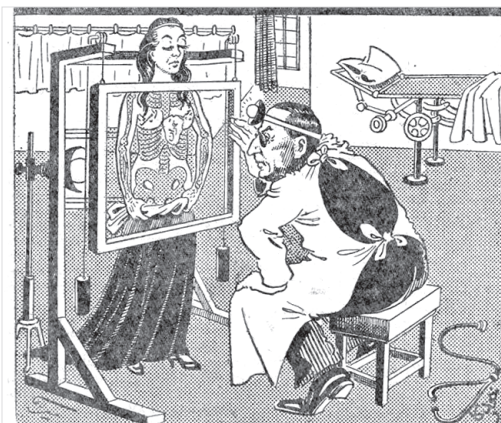
http://www.irhistory.com/index.php?action=show_news&news_id=381

۱۶ در فصل ۴، "در وظایف حکومت نسبت به حفظ الصحه عمومی"، در قانون تشکیل ایالات و ولایات و دستورالعمل حکام که در ۴ شهر ذیقعه ۱۳۲۵ به امضای محمدعلی شاه قاجار رسید، آمده است: "ماده ۴۹ - وظایف حکام در این باب آن است که مراقبت لازمه را در اجرای نظامنامه طبی و حفظ الصحه داشته باشند و ساعی باشند که به اقدامات صحیه سریعه در امراض مسریه و امراض سریع الانتشار جلوگیری شود لذا همین که خبر

حدوث چنین مرضی از دوایر جزو حکومت و یا از محل موثقی رسید حاکم باید رسیدگی و معلوم نماید که چه نوع اقدامات برای جلوگیری از انتشار مرض به عمل آمده و علاچی که شده است کافی است یا نه بعد پس از مشاوره با طبیب حافظالصحه ولایتی اگر لازم شود حاکم مأمور مخصوصی با چند نفر طبیب و معاون طبی و ادویه و آلات و اسباب طبی روانه محل آلوده به مرض و جاهای لازمه می نماید و هر گاه صلاح بداند چند نفر اجزای لازم را هم با مأمور مخصوص روانه می کند بعد از این اقدامات در صورت لزوم خود حاکم به محل ناخوشی رفته شخصاً تحقیقات لازمه را می نماید و هر گونه اقدام مجدانه که مقتضی باشد به عمل می آورد و به توسط مأموری مخصوص حکام ولایات هم جوار را مطلع می دارد..." در ماده ۵۰ آمده است: "حکام حق نظارت مخصوصی نسبت به مرخصخانه‌های

و آشوب، ذیل عملکرد بی‌بی‌سی، مهندسی شده بود.^{۱۴} در بررسی رویارویی نیروها در هفته‌های پس از آن انتخابات عباس سلیمی نمین، رئیس دفتر مطالعات و تدوین تاریخ ایران، از «تقابل دو مهندسی توقف قدرت و چرخش قدرت» یاد کرد.^{۱۵} مفاهیمی چون «مهندسی رهبری»، «هندسه قدرت»، «مهندسی تفاهم»، و «مهندسی سیاسی افکار عمومی» از جمله فراورده‌های این تقابل بود. این گسترش مفاهیم مهندسی جلوه‌ای از چیرگی خرد ایزاری در شبکه قدرت و دانش در جمهوری اسلامی است.

پیش از چیرگی نگرش مهندسی و هندسی، شیرازه و سامانه اندیشه اجتماعی و سیاسی جدید را مفاهیم بهداشتی و «طب پاستوری»، که با نام لوئی پاستور (Louis Pasteur, 1822-1895) پیوند دارد، فراهم آورده بود. طب پاستوری یا میکروبیولوژی (microbiological) برای پاسخگویی به بحرانی بهداشتی در آستانه انقلاب مشروطیت اشاعه یافت،^{۱۶} و برای «تشخیص» و «مداوای» انواع «بیماری‌های وطن»، «بیماری‌های ملی»، «بیماری‌های جامعه»، «آفات اجتماعی»، «عارضه‌های اجتماعی»، و «امراض اخلاقی» به کار گرفته شد. مفاهیمی چون «انقلاب»، «ابتلاء»، «بحران»، «تشخیص»، «تحلیل»، «تجزیه»، «تشریح»، «انحطاط»، و «جریان» نیز از طریق دانش پزشکی به خیال و خرد مشروطیت و گفتمان سیاسی راه یافت. بدین شرح، برداشت مشروطه‌خواهان و نسل‌های پسین انقلاب مشروطیت از گذشته و حال و آینده «مادر وطن» و «هیأت اجتماعی» بر معرفتی پزشکی استوار شد. از همین نگرش طبیبانه به تاریخ و فرهنگ، جلال آل‌احمد «غرب‌زدگی» را عارضه‌ای «همچون وب‌زدگی» پنداشت و بر آن شد که «مشخصات این درد را بجویم و علت و علت هایش را. و اگر دست داد راه علاجش را.»^{۱۷} محمد مجتهدی شبستری نیز، همچون بسیاری از علمای دینی و سخنوران مذهبی «موازین اسلامی» را «موثرترین وسیله علاج همه دردها» پنداشت.^{۱۸} در چنین تشخیصی که در دهه ۱۳۲۰ رواج یافته بود،^{۱۹} دین درمان «امراض خانمان برانداز اخلاقی و روحی» برشمرده شد.^{۲۰} در آستانه انقلاب نیز غلامحسین سعدی (۱۳۱۴-۱۳۶۴) به شرح شبه‌هنرمندانی «که مثل شبه‌وبا به صورت اندمیک درآمد» و «به‌شکل سرطانی در تمام جریانات فرهنگی و هنری ریشه دوانده» نام برد.^{۲۱} این نگرش طبیبانه در بسیاری از گفته‌های آیت‌الله روح‌الله خمینی آشکار بود. مثلاً در دیداری در ۱۸ آبان ۱۳۵۸ با اعضای انجمن تبلیغات فرهنگ اسلامی و جمعیت شیر و خورشید، مشکلات کشور را چنین شرح داد: «این بیمار محتاج به معالجه است.



– با این قلب خراب و «چپ» و «راست»
ناسازگار چه باید کرد؟

با این قلب خراب... امید (۲۸ اسفند ۱۳۲۴)، ۱.

شهری و بلوکی و دهات و همچنان مرضخانه‌های محبس‌ها و غیره دارند و خواه هنگام محال گردشی خواه در غیر این موقع رسیدگی به مرضخانه‌ها را غالباً به طبیب حافظ‌الصحه ولایتی یا به معاونین او می‌سپارد.^{۱۷} جلال آل‌احمد، غرب‌زدگی (چاپ ۲؛ تهران: رواق، ۱۳۵۷)، ۲۱.
^{۱۸} محمد مجتهدی شبستری، «استقلال فکری»، درس‌هایی از مکتب اسلام، سال ۵، شماره ۶ (بهمن ۱۳۴۲)، ۲۶-۳۲؛ نقل بر ۲۸. در مقدمه این مقاله شبستری گزارش داد: «ملل مسلمان درک نموده‌اند که غرب‌زدگی چون بیماری خطرناکی سراسر شئون فردی و اجتماعی مادی و معنوی آنها را فراگرفته است. اما مسلماً مهمتر از احساس درد پیدا نمودن علاج قطعی آنست...» (۲۶)
^{۱۹} برای نمونه بنگرید: قاسم غنی، «بحث علمی: آفات اجتماعی»، یادگار، شماره ۱۰ (خرداد ۱۳۲۴)، ۴-۱۸. نصرت‌الله نوریانی، «بیماری جامعه»، آیین اسلام، شماره ۶۳ (۱۸ خرداد ۱۳۲۴)، ۱؛ نصرت‌الله نوریانی، «جامعه بیمار چگونه طبابت می‌شود»، آیین اسلام، شماره ۶۴ (۲۵ خرداد ۱۳۲۴)، ۱؛ حسین کرباسی، «دین یا طریق درمان پریشانی جهانیان»، آیین اسلام، شماره ۹۷ (۱۲ بهمن ۱۳۲۴)، ۱۲؛ عبدالمجید رشیدیور، «ترقیات مادی و انحطاط اخلاقی»، مکتب اسلام، سال ۲، شماره ۹ (مهر ۱۳۳۹)، ۱۹-۲۳؛ سید رضا صدر، «پرسشی از مغزهای متفکر»، مکتب تشیع، شماره ۶ (خرداد ۱۳۴۰)، ۸۱-۹۴؛ محمد باقر انصاری، «مذهب بیماری است یا درمان؟ مسجد اعظم، شماره ۱۹ (آبان ۱۳۴۵)، ۳۰-۳۴؛ احمد اردوبادی، «بیماری قرن ما بی مذهبی است»، معارف جعفری، شماره ۱۱ (اسفند ۱۳۴۹)، ۱۶۲-۱۶۷.
«نقل از» متن پاسخ آیت‌الله گلپایگانی به نامه آیت‌الله العظمی میلانی درباره فاجعه مدرسه فیضیه، «اسناد انقلاب اسلامی: اعلامیه‌ها، اطلاعیه‌ها، پیام‌ها، تلگراف‌ها و نامه‌های آیات عظام و مراجع تقلید (تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۴)، جلد ۱، ۱۱۱-۱۱۷؛ نقل بر ۱۵.
«غلامحسین سعدی، «شبه‌هنرمند»، در ده شب: شب‌های شاعران و نویسندگان در انجمن فرهنگی ایران-آلمان (تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۷)، ۲۰۱-۲۰۵؛ نقل بر ۲۰۱.
^{۲۲} روح‌الله خمینی، «قانون اساسی و ولایت فقیه - توجه به مسائل اساسی کشور»، ۱۸ آبان ۱۳۵۸، صحیفه امام خمینی، جلد ۱۱،

<http://www.jamarian.ir/fa/BooksahifeBody.aspx?id=2072>

لکن باید اول، حیاتش را حفظ کرد، بعد بیماری‌اش را [علاج] کرد. مملکت ما یک مملکتی است که پنجاه سال کوشش شده است در این که بیمار و بیمارترش کنند. لکن یک مسائل رؤوسی است که اگر به او رسیدگی نشود، این مریض می‌میرد. یک مسائل دست دوم است که بعد از اینکه حفظ حیات او شد، آن وقت کوشش کنیم برای رفع بیماری‌ها، رفع نابسامانی‌ها.^{۲۲} “پاک‌سازی‌ها” و “سالم‌سازی‌های” آغازین انقلاب نیز بر چنین تشخیص‌های طبیبانه و جراحانه‌ای استوار بود.^{۲۳}

دوره جراحانه تصفیه و پاک‌سازی ماه‌های آغازین انقلاب با شتاب به “مرحله سازندگی” و “طرح پیشنهادات سازنده” در جهت ساختن یک بنای تازه^{۲۴} انجامید. بدین سان خیال و خرد ایزاری و مهندسانه، که در دهه‌های پیش از انقلاب در شهرسازی، عمران روستایی و گفتمان دولتی تجلی یافته بود، با شوق انقلابی برای ساختن “نظام اسلامی” و “نظام توحیدی” در آمیخت. با حضور گسترده مهندسان در خیل انقلابیان، دولتمردان، ارتشیان، سپاهیان و جهادگران، خرد ایزاری از شهرسازی و بازسازی روستاها، “سنگ‌سازی” و “مهندسی رزمی” در جبهه، و بازسازی و نوسازی مناطق جنگی به سیاست‌گذاری، کارزار فرهنگی، نقشه‌های مهندسی فرهنگ سیاسی و دینی، و “زمینه‌سازی ظهور مهدی” راه یافت. چیرگی خرد ایزاری و مهندسانه پیامد تنازع علوم در دوره انقلاب فرهنگی نیز بود. در دوره نخستین انقلاب فرهنگی (۱۳۵۹-۱۳۶۱)، خرد چندگانه (polyrational) علوم انسانی و اجتماعی آماج حمله مدام کسانی قرار گرفت که “نظام توحیدی” و “نظام اسلامی” را همچون سیستم‌های مهندسی دارای عقلانیت و خردی یگانه می‌پنداشتند. در این تنازع، حوزوایانی که در پی کسب قدرت سیاسی بودند، خصلت چندنگرشی (multiperspectival) علوم انسانی و اجتماعی را مخالف و محارب با یکتاپرستی و یقین دینی یافتند و با پیوند حوزه و دانشکده‌های فنی و مهندسی شیرازه “نظام توحیدی” را فراافکندند. در این هم‌دستی سیاسی، یقین‌مندی و یگانه‌نگری فنی و مهندسی با توحید و وحدانیت خدا یکسان شمرده شد. اگرچه مجتهدان و دولت‌مهندسان در سه دهه پس از انقلاب همچنان از اصالت و معنویت یادکردند، خرد ایزاری که در ساختن “هندسه و نظام” جمهوری اسلامی به کار گرفته شد، فرهنگ ایران و اسلام را بر منطقی بوروکراتیک و فنی و دولت‌سالار استوار ساخت.

بدین‌سان در دهه‌های پس از انقلاب اسلامی بافتی مهندسانه جایگزین بافت بهداشتی و معالجاتی تفکر و اندیشه شد که در آستانه انقلاب مشروطیت شکل گرفته بود. اگر مرحله نخست تجدید ایرانی را که امور حفظ‌الصحه و سلامت “اهالی” محل توجه سیاست‌های دولتی قرار داشت تجدید

بهداشتی بنامیم، مرحله دوم را که در آن به شهرسازی و عمران روستایی توجه شد می‌شود تجدید مهندسانه نامید. تجدید بهداشتی به گسترش دانش و حرفه پزشکی انجامید و پزشکان از موقعیت برتر اجتماعی و مزایای حکومتی برخوردار شدند. تجدید مهندسانه، که با گسترش دانش و حرفه مهندسی همراه بود، برآمدن مهندسان و شرکت‌های مهندسی در امور حکومتی را در پی داشت. در تجدید بهداشتی، وطن و ملت و کشور و جامعه و فرهنگ و تمدن همچون موجود جاندار فرض می‌شد و متجددان بهداشتی امراض و عفونت و آسیب را “تشخیص” داده، برای مداوایش نسخه می‌پیچیدند. در تجدید مهندسانه، اینها همه همچون مواد خام و مصالحی ساختمانی پنداشته شدند و سازندگان متجدد برای زیرسازی، تعمیر، ترمیم، بازسازی، و نوسازی آنها طرح و بودجه می‌دادند. دولت بهداشتی به حکمرانی و سیاست بدن شهروندان توجه داشت و دولت مهندسانه به حکمرانی و قانون‌مندی مکان، فضا، بنا، و سیاست مدنی می‌پرداخت. شهروندان در یکی بیمار و در دیگری عمده و کارگر فرض می‌شدند. اگرچه تجدید بهداشتی و مهندسانه بر دو نوع متفاوت حکمرانی بدنی و مدنی استوار و به دو دوره تاریخی متمایز تقسیم پذیرند، یکی بدون دیگری ممکن نمی‌شد. به همین سبب نیز خرد و خیال طبی و مهندسی گاهی مکمل یکدیگرند و در مواردی نیز هم‌زمان به کار برده می‌شوند.

دوره و گفتمان طبیبانه‌اندیشی را پیشتر در “تجدد روزمره و آمپول تدین” بررسی کردیم.^{۲۵} آنچه در پی می‌آید کوششی آغازین برای بررسی گفتمان و دوره مهندسانه‌اندیشی در گستره سیاست، فرهنگ، و دین است. تمایز این دوره و گفتمان برای شناخت دقیق‌تر بافت و خرد چندگانه تاریخ اندیشه و

^{۲۳} در ماه‌های نخست انقلاب، “پاک‌سازی اجتماع” نوعی جراحی قلمداد می‌شد. مثلاً علی اکبر حسینی در شرح تصمیمات دادگاه‌های انقلاب نوشت: “آری همانطوری که هیچ‌کس به جراح ماهر، برای بریدن شکم و روده بیمار و یا قطع دست و پای و استخوان فاسدش، ایراد نمی‌گیرد و آن را خشونت‌بار و برخلاف انسانیت و عاطفه نمی‌داند، چون سلامت پیکر و بدن بدون آن تهدید می‌شود و پای حیات انسان در میان است، پس به اجرای اصل حکم عادلانه قصاص و حدود، هم نباید ایراد گرفت چون این همه بمنزله جراحی و بریدن و برداشتن عضو فاسد یک اجتماع است و برای هدفی بس مهم، یعنی تأمین عدالت اجتماعی و امنیت عمومی و معیارهای مجازات اسلامی.” مکتب اسلام، سال ۱۹، شماره ۴ (تیر ۱۳۵۸)، ۷۵-۸۱ نقل بر ۸۰ برای نمونه دیگری از به کارگیری استعاره جراحی برای پاک‌سازی‌های دوره انقلاب بنگرید: احمد بهشتی، “پژوهشی درباره مستضعفین (۸) نظر اسلام درباره استضعاف و استکبار”، مکتب اسلام، سال ۲۰، شماره ۹ (آذر ۱۳۵۹)، ۱۶-۲۰، به ویژه ۱۸.

^{۲۴} “منطق با مردم، موازی با دولت”، جنبش، شماره ۳۰ (۲۰ اسفند ۱۳۵۷)، ۸ و ۶؛ نقل بر ۸.

^{۲۵} محمد توکلی طرقي، “تجدد روزمره و آمپول تدین”، ایران نامه، سال ۲۴، شماره ۴ (زمستان ۱۳۸۷)، ۴۲۱-۴۵۸.

مأجبتیاز فدیروز و سربسیر
نصرت اندوزیانی

آئین اسلام

بهای اشتراك

سالانه ۲۰۰۰ ریال
در کشور
• ششماهه ۱۰۰۰
• سه ماهه ۵۰۰
در خارج: سالانه ۴۰۰۰ ریال

مجله اداره:

خیابان فردوسی - کوچه سام

تلفن: ۸۹۱۹

شماره مسلسل ۶۴

بهای تك شماره ۵ ریال

فولاً روزهای جمعه منتشر میشود

اِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ

سال دوم - شماره ۱۲ - ۲۵ خرداد

۱۳۲۴

برابر ۴ رجب ۱۳۶۴

جامعه بیمار چگونه طبابت میشود

قسم دیگر معالجه «پیشینی بیماری است» که آنرا در طب (Prophylaxie) گویند. این نوع معالجه جلوگیری از بروز بیماری است.

در این صورت باید طبیب مصلح در تقویت مزاج بکوشد و پایش بینی های لازمه بدن را مستعد برای دفاع از هجوم هرگونه بیماری نماید.

پس اگر جامعه ای مانند جامعه امروزی ما از هر دو جهت مریض و بیمار باشد لازم است که معالجه الاهم فالاهم را نمود و هر چه زودتر بر اعیت و طریقه بالاییاری را از بین برد تا خدا نکرده بیمار گم و گفای جامعه ما منجر نشود. کوچکترین مسامحه در این باره از بزرگترین جنایتهاست. اینک با آقایان معالجین و مسئولین جامعه خاطر نشان مینمائیم که توده ما از هر دو جهت سخت بیمار میباشد.

در مدت بیست سال حکومت دیکتاتوری همه شاهد غلبه عنصر دولتی بر عنصر روحانی بودیم و امروز هم اثر آن را که ضعف جامعه و انحطاط اخلاقی و هرج و مرج در تمام شئونات اجتماعی مامیباشد مشا هده میکنیم.

این اختلاف و دودسته گی جامعه ما را به نیستی و زوال و نسل ایرانی را به غلامی و انهدام می کشاند.

بر دانایان و مصلحین قوم است که با ایجاد تشکیلات روحانی و وزرات دینی این دوئیت را مبدل به یگانگی و اتحاد نموده جامعه بیمار را از هلاک و مرگ حتمی نجات داده به سعادت و فیروزی برسانند در غیر اینصورت حیوة خود آقایان هم مهدد بفاست. «نوریانی»

بعلاوه بکه برای خوانندگان گرامی در شماره قبل بیماری توده را شرح و نشان دادن راه علاج آنرا وعده دادیم، لازم دیدیم که آنچه بنظر ما میرسد در این مقاله برشته نگارش آورده و نظر مصلحین را باین موضوع مهم جلب نمائیم. اینک نظریات خود را مینگاریم: راه علاج بیماری و طبابت مرض دو گونه بیش نیست یکی از راه تقویت مزاج در صورتیکه مرض از ضعف آن تولید شده باشد که باصطلاح (Traitement Curatif) گویند. در این صورت بر طبیب حائقی است که با داروهای مقوی میکروب بیماری را در بدن مریض نا توان نموده و بدین وسیله ریشه مرض را قلع و بدن را قوی نماید. پس اگر جامعه ای از حیة ضعف مزاج بیمار شود باید مصلحین بسکوشند و ریشه آن ضعف را از بدن بر طرف نمایند و گاهی ضعف مزاج جامعه هم از افراط یا تفریط خود عناصر آن تولید می شود یعنی عنصری قوت پیدا کرد عنصر دیگر را ناتوان و ضعیف نماید و در اثر این گونه رفتار مزاج جامعه ضعیف و بالاخره بیمار میشود مثلاً اگر عنصر حکومت و دولت تنها خود را تقویت نموده و بکوشد عناصر دیگر را ضعیف و نا توان کند البته مزاج چنین جامعه از حد اعتدال خارج و طبعاً بیمار خواهد شد و هم چنین اگر عنصر روحانی در فکر تضعیف دولت باشد نیز تولید ضعف در مزاج جامعه خواهد کرد در این صورت راه علاج منحصر بایجاد توازن قوا خواهد بود که باید جانب افراط را از جنبه افراط پائین آورد و جانب تفریط را باندازه لازم بالا برد تا توازن بعمل آید و مزاج از خطر افراط و تفریط مصون گردد.

روشنفکری اجتناب ناپذیر است. منظور از "روشنفکری" در اینجا تنها گروه خاص و نخبه‌ای نیست که رسالت رهبری فکری جامعه را داشته، بلکه تعمیم و همه‌فهم شدن اندیشه‌های تخصصی است. با به کارگیری انواع متفاوت خرد پزشکی، اندیشه طبیبانه به تشخیص بیماری و مداوای مریض می‌پردازد. در مقابل، با وقوف به تفاوت‌های درونی رشته‌های مهندسی، اندیشه مهندسانه به طرح و ساختن فرآورده و اجرای پروژه می‌پردازد.^{۲۶} اندیشه پزشکی ارگانیک و مداوایی و اندیشه مهندسی فرآورده‌ساز و اجرایی است.

۲. مهندسی و مهندسانه‌اندیشی

از نیمه نخستین سده ۱۹ میلادی، طبابت و مهندسی نقش فزاینده‌ای در حکمرانی و کشورداری یافتند. اشاعه بیماری‌های واگیری چون وبا، که سبب‌اش عفونت هوا پنداشته می‌شد، توجه دولت را به حفظ الصحة عمومی و منافع عامه جلب کرد.^{۲۷} در روندی که به مرزبندی کشور و پیدایش "دولت فضول" انجامید،^{۲۸} اطباء به تأمین بهداشت عمومی و معماران و مهندسان به دفع عفونت از طریق سنگفرش کردن معابر و پر کردن گودال‌ها و خندق‌ها و پوشاندن نه‌رها و جویبارهای شهری پرداختند. ترکیب "مجلس ولایتی" که در کنار دیگران قرار بود شامل "مهندس ولایتی و طبیب و مساح و معمار ولایتی" باشد، نشانی از اهمیت طبابت و مهندسی در حکمرانی مشروطیت بود.^{۲۹} با پیوستگی سیاست بدن و مدن، بهداشت شخص و پاکیزگی شهر وظیفه متقابل "اهالی" (شهروند) و "بلدیه" (شهرداری) در حکمرانی مشروطه بود. کوشش‌های "حفظ‌الصحة" دولت برای پیشگیری از بیماری‌های واگیر به پیدایش نهادهای بهداشتی و حرفه‌ای شدن طبابت انجامید.^{۳۰} توجه نامتعارف دولت به پوشش مردان و زنان در دهه‌های آغازین دولت پهلوی نیز از پیامدهای تجدد بهداشتی بود. با تعمیم و همه‌گیر شدن آموزه‌های بهداشتی که با رواج هنجارهای پاستوری و میکروب‌شناسانه‌ای که نظافت و کثافت را جایگزین طهارت و نجاست کرد،^{۳۱} شهروندان توجه روزافزونی به آداب بهداشتی یافتند. استحمام، مسواک، بوزدایی، اصلاح سر، و پاکیزه‌پوشی از جمله پیامدهای روزمره و شهروندانه شدن آداب تجدد بهداشتی بود. با شهروندی شدن این آداب،

دولت رفته‌رفته از فضولی در امور بهداشت خانگی معاف شد و بیشتر به مهندسی بهداشتی همچون لوله‌کشی، تهیه آب تصفیه‌شده ("آب لوله") و برق و گاز، گردآوری زباله، تصفیه فاضلاب شهری، خیابان‌کشی و آسفالت کوچه و خیابان، تهیه مسکن و شهرسازی، و دیگر امور زیست‌بومی پرداخت. موفقیت این تسهیلات و نهادهای کاهش مرگ‌ومیر، شرایطی بهداشتی را فراهم آورد که منجر به افزایش جمعیت و رویکرد به تجدد مهندسانه و حکمرانی مکانی شد. در حکمرانی مکانی، دولت از طریق اعمال ضوابط شهرسازی و ساختمان‌سازی فضای زندگی، کار، و تفریح شهروندان را شکل داد و با وضع مقررات عبور و مرور رفتار شهروندان را هدایت کرد. بدین‌سان، امر و نهی حکومتی به شکل روزافزونی در مهندسی مکان و چگونگی استفاده از فضا متجلی شد. اگر چه این روند دهه‌های پیش از انقلاب اسلامی آغاز شده بود، حکمرانی مکانی از جلوه‌های کم‌شناخته جمهوری اسلامی است.

قوانین متعددی که در زمینه عمران شهر و روستا در دهه‌های پیش از انقلاب به تصویب مجلس شورای ملی رسید نشان‌دهنده چرخش توجه دولتی از بهداشت و بهداری به بهسازی و نوسازی است. این چرخش در مقایسه "قانون بلدیه" ۲۰ ربیع الثانی ۱۳۲۵/۲ جون ۱۹۰۷/۱۲ خرداد ۱۲۸۶ با قوانین شهرداری در نیمه دوم قرن بیستم آشکار است. با هدف اصلی "حفظ منافع شهرها و ایفای حوایج اهالی شهرنشین"، قانون بلدیه اموری را برشمرد که بیشتر جنبه بهداشتی داشت: "مراقبت در عدم قحطی آذوقه شهر به وسائل ممکنه"، "ساختن و پاک نگاهداشتن کوچه‌ها و میدان‌ها و خیابان‌ها از پیاده‌رو و کالسک‌رو و باغ‌های عمومی و مجاری میاه و زیرآب‌ها و پل‌ها و معابر و غیره و همچنان روشن کردن شهر و تقسیم آب‌های شهری و مراقبت در تنقیه قنوات و پاکیزگی حمام‌ها"، "مراقبت در رفع تکدی و تأسیس دارالمساکین و دارالعجزه و مریض‌خانه‌ها و امثال آن"، "معاونت در اقدامات حفظ‌الصحة و حفظ دواب و حشم و تأسیس دواخانه‌ها و امثال آن"، و "مواظبت در این که معابر شهری موافق نقشه معینی باشد و اقدامات مقتضیه بر ضد حریق

^{۲۶} در این نوشته به بررسی بیان مهندسی نمی‌پردازم. برای پژوهش در این مورد بنگیرد:

Louis Bucciarelli, "The epistemic implications of engineering rhetoric," *Synthese*, 168.3 (June 2009), 333-356; John Robinson, "Engineering thinking and rhetoric," *Journal of Engineering Education*, 87.3 (July 1998): 227-229.

^{۲۷} به مثل در همان عبدالباقی میرزا نایب‌الحکومه "در انتظام امر ولایت و تحصیل موجبات رفاه و آسایش رعیت کمال اهتمام دارد و به سبب اینکه ناخوشی ویا بیشتر از کثافت شهر حاصل می‌شود این روزها قدغن کرده است که سلاح خانه از بیرون شهر برند که آنچه گوسفند کشته می‌شود در خارج شهر کشته بشود و همچنین در رفع کثافت از کوچه‌ها و محلات و جاروب

کردن و آب پاشیدن و پاکیزه نگاهداشتن کوچه‌ها و خانه‌ها قدغن اکید کرده است که آنچه اسباب ظهور ناخوشی باشد رفع نموده کوچه‌ها و محلات و معابر را پاک و منقح نمایند که استعداد ناخوشی ویا در همان انشاءالله به هم نرسد." "همدان"، وقایع اتفاقیه ۱۲۷ (۲۹ رمضان ۱۳۶۶ [۶ جولای ۱۸۵۳]، ۴. ^{۲۸} برخی از همکارانم شاکیانده که چرا معادل انگلیسی "دولت فضول" را نیاوردام. اگر چه می‌توان معادلی برای این مفهوم در زبان‌های اروپایی یافت، واقعیت آن‌ست که این مفهومی عاریتی نیست. دولت فضول، همچون مفاهیم دیگری در که این نوشته به کار گرفته‌ام، حاصل توجه به روند تاریخی در ایران بوده است.

^{۲۹} ماده ۱۲۰ "قانون تشکیل ایالات و ولایات و دستورالعمل حکام" ۵ ذیقعدة ۱۳۲۵ آمده بود: اداره ولایتی مرکب است از یک مجلس مشاوره و یک

و سایر بلیات سماوی و ارضی به عمل آید.^{۳۴} نظام‌نامهٔ بلدیهٔ خرداد ۱۳۰۹/ جون ۱۹۳۰ نیز "وظایف ادارهٔ بلدیه" را از جمله "مراقبت در امور صحتی"، "مراقبت کامل در نظافت و روشنائی و آراستگی شهر"، و "توسعهٔ معابر عمومی و ساختمان پل‌ها" برشمرد.^{۳۵} اگرچه "لایحهٔ قانون شهرداری" ۱۱ آبان ۱۳۳۱ و "قانون شهرداری" ۱۱ تیر ۱۳۳۴ "امور بهداشتی" را همچنان از وظایف عمدهٔ شهرداری و انجمن شهر برشمردند، توجه خاصی به "تغییر نقشهٔ شهر" و "ایجاد و توسعهٔ معابر و خیابان‌ها و میدان‌ها و باغ‌های عمومی و اراضی مورد احتیاج برای لوله‌کشی و فاضلاب" و "اسایش عمومی و عمران و زیبائی شهر" داشتند.^{۳۶} این توجه در ماده ۶۲-۶۴ "قانون شهرداری" به تشکیل "سازمان فنی و تخصصی ... به منظور بازرسی شهرداری‌ها و تهیهٔ برنامهٔ اصلاحات شهری و ساختمانی" و استخدام "تعداد کافی مهندسين تحصیل کرده که دارای مدارک علمی باشند" انجامید.^{۳۷} در ۲۸ اسفند ۱۳۴۲ "وزارت آبادانی و مسکن" برای پاسخ‌گویی به مشکل مسکن و "ایجاد تمرکز و هماهنگی در تهیه و اجرای برنامه‌ها و طرح‌های ساختمانی و تهیهٔ مسکن و همچنین جهت تهیه و اجرای طرح‌های شهرسازی و ده‌سازی" تشکیل شد.^{۳۸} با تشکیل این وزارت‌خانه توجه عمرانی دولت در ماده‌های "قانون اصلاح" ۲۷ بهمن ۱۳۴۵ آشکارتر شد. در مادهٔ ۹۷ "به منظور رعایت اصول شهرسازی و بررسی و تصویب نقشه‌های مربوط به امر شهرسازی، تشکیل "شورای عالی شهرسازی" در نظر گرفته شد. در مادهٔ ۹۸، شهرداری‌ها مکلف شدند که "نقشهٔ جامع شهرسازی را که شامل منطقه‌بندی، نحوهٔ استفاده از زمین تعیین مناطق صنعتی، بازرگانی، اداری، کشاورزی، مسکونی تاسیسات عمومی و سایر نیازمندی‌های عمومی شهر باشد تهیه ... و سپس به موقع اجرا بگذارد."^{۳۹} در ماده ۹۵ همین قانون شهرداری‌ها مکلف به "تعیین حدود حریم و تهیهٔ نقشهٔ جامع شهرسازی با توجه به توسعه احتمالی شهر" و "تهیهٔ مقرراتی که برای کلیهٔ اقدامات عمرانی از قبیل قطعه‌بندی و تفکیک اراضی، خیابان‌کشی، ایجاد باغ و ساختمان، ایجاد کارگاه و کارخانه و همچنین تهیهٔ مقررات مربوط به حفظ بهداشت عمومی مخصوص به حریم شهر با توجه به نقشهٔ عمرانی شهر،

دفترخانه مجلس مشاوره در تحت ریاست حاکم مرکب است از معاون و دو مستشار و مهندس ولایتی و طبیب و مساح و معمار ولایتی و یک نفر معین‌الاداره تمام این اشخاص موسوم‌اند به اعضاء مجلس مشاوره ولایتی.^{۴۰} برای حرفه‌ای شدن طبابت بنگرید:

Cyrus Schayegh, *Who is knowledgeable is strong : science, class, and the formation of modern Iranian society, 1900-1950* (Berkeley: University of California Press, 2009).

^{۳۴} توکلی طرقي، "تجدد روزمره و آمپول تدین"، ۴۳۰-۴۴۰.

^{۳۵} قانون بلدیه، مصوب مجلس شورای ملی، ۲۰ ربیع الثانی ۱۳۲۵/ ۱۲ خرداد ۱۲۸۶/ ۲ جون ۱۹۰۷.

^{۳۶} نظام‌نامهٔ بلدیه، ماده ۲۹، مصوب کمیسیون داخلهٔ مجلس شورای

حریم و نقشهٔ جامع شهرسازی" شدند. بدین‌سان دولت به طرح و تصویب قوانینی پرداخت که شیرازهٔ حکمرانی مکانی را فراهم ساخت. اوج‌گیری نارضایتی عمومی رابطهٔ مستقیمی با دخالت روزافزون دولت در امور ساختمانی و تحدید محدوده‌های شهری و قوانین عبورومرور داشت. بررسی نارضایتی‌هایی از این دست برای فراهم آوردن شناختی فرامکتبی از انقلاب ۱۳۵۷ اجتناب‌ناپذیر است.

برنامهٔ عمرانی چهارم، که از فروردین ۱۳۴۷ آغاز شد، توجه خاصی به "افزایش فعالیت‌های آبادانی و بهسازی بخصوص در روستا" داشت. "قانون نوسازی و عمران شهری" در ۷ آذر ۱۳۴۷ برای پیشبرد اهداف عمرانی دولت به تصویب مجلس شورای ملی رسید. این قانون "وظایف اساسی" شهرداری‌ها را "نوسازی و عمران و اصلاحات اساسی و تأمین نیازمندی‌های شهری و اصلاح و توسعهٔ معابر و ایجاد پارک‌ها و پارکینگ‌ها (توقف‌گاه‌ها) و میدان‌ها و حفظ و نگهداری پارک‌ها و باغ‌های عمومی و تأمین سایر تاسیسات مورد نیاز عمومی و نوسازی محلات و مراقبت در رشد متناسب و موزون شهرها" قلمداد و آنها را "مکلف به تهیهٔ برنامه‌های اساسی و نقشه‌های جامع" کرد. این قانون شهرداری‌ها را موظف کرد که براساس نقشهٔ جامع شهر محدوده و حریم شهر را تعیین کنند. چگونگی تأثیر نقشهٔ جامع شهر بر قیمت زمین‌های داخل محدودهٔ شهری جنبهٔ مهمی از این تغییرات است که بررسی در حوصلهٔ این نوشته نیست.

برنامهٔ عمرانی پنجم کشور، که در دی‌ماه ۱۳۵۱ منتشر شد، "مسألهٔ عمران مناطق" را "بر اساس یک نقشهٔ جامع سرزمین" بنا نهاد. این طرح "نحوهٔ توسعهٔ دهات، شهرها و کیفیت توزیع جمعیت و فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی بر پهنهٔ سرزمین و بر گرد قطب‌های توسعه" را پیش‌بینی کرد و بر آن بود که به "حل مسائل خاص شهری" پردازد.^{۴۱} پس از تصویب برنامه پنجم، "شورای عالی شهرسازی و معماری ایران" در اسفند ۱۳۵۱ برای "هماهنگ کردن برنامه‌ها، "معیارها و ضوابط و آیین‌نامه‌های شهرسازی" و "طرح‌های جامع شهری" و تدوین "سیاست‌های کلی شهرسازی"

ملی، مورخ ۹ خرداد ۱۳۰۹/ ۳۰ می ۱۹۳۰.

^{۳۷} نقل قول‌ها بترتیب در "لایحهٔ قانون شهرداری" (۱۱ آبان ۱۳۳۱) و "قانون شهرداری" (۱۱ تیر ۱۳۳۴).

^{۳۸} قانون شهرداری (۱۱ تیر ۱۳۳۴).

^{۳۹} به نقل از ماده ۱ "قانون راجع به تأسیس وزارت آبادانی و مسکن". این قانون که مشتمل بر ۱۰ ماده و ۷ تبصره بود در جلسه روز ۲۲ اسفند ۱۳۴۲ شمسی به تصویب مجلس شورای ملی رسید.

^{۴۰} قانون اصلاح پارهای از مواد و الحاق مواد جدید به قانون شهرداری

مصوب سال ۱۳۳۴، ۲۷ بهمن ۱۳۴۵، مجلس شورای ملی.

^{۴۱} برنامهٔ پنجم عمرانی کشور، ۱۳۵۲-۱۳۵۶ (تهران: سازمان برنامه، دی ۱۳۵۱)، ۵۰-۵۱.



آبادانی و مسکن

دواصل دیگر از اصول انقلاب، به‌ترویج و آبادانی و به‌نوسازی کشور اختصاص یافته است. این دو اصل، اصول هشتم و یازدهم انقلاب است که اولی در سال ۲۵۲۳ و دومی در سال ۲۵۳۶ اعلام شد.

اجرای اصل اول از این دو اصل را سومین سپاه انقلاب ایران یعنی سپاه ترویج و آبادانی عهده‌دار است. این سپاه مرکب از کارشناسان علمی و فنی جوان کشور، اعم از مهندسان رشته‌های کشاورزی، ساختمانی، راهسازی، برق و مکانیک و سایر تحصیل‌کردگان رشته‌های فنی و مهندسی است که قسمتی از دوره خدمت وظیفه خود را در روستاهای کشور می‌گذرانند و مأموریت آنها کوشش در بالا بردن سطح زندگی روستاییان، آشنا کردن آنان با اصول تازه کشاورزی، کمک به‌آزید تولیدات دامی و زراعی، توسعه و بهبود و ترویج صنایع روستایی، و راهنمایی روستاییان در امور مربوط به‌آبادانی و نوسازی روستاهاست. در همه این موارد برنامه‌های آموزش نظری با آموزش عملی همراه است.

هر «سپاهی ترویج و آبادانی» موظف است شناسنامه‌ای برای منطقه عمل خویش، شامل اطلاعات دقیق طبیعی و انسانی آن منطقه و بررسی وسایل و امکانات و مشکلات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و کشاورزی آن و راه‌حلهای این



مسائل را تهیه کند و سپس برنامه‌ی کار خود را براساس آن تنظیم و اجرا نماید. این شناسنامه‌ها اساس برنامه‌ریزی لازم برای تهیه فهرست نیازمندی‌های هر دهکده است. وظایف عملی اعضای این سپاه تربیت کشاورزان و کودکان آنها در امور کشاورزی، کشت سبزیها و میوه‌ها، استفاده از کودهای شیمیایی، جلوگیری از آفات، راهنمایی در امر پرورش دام، کمک به‌کشاورزان و روستاییان در کار معالجه دام، ضدعفونی کردن، واکسیناسیون، تلقیح مصنوعی و مرغذاری، ساختن کتدوها و اصطبلها، باغداری، صنایع دستی، و در عین حال ایجاد نهادهای صحیح در طرز تفکر روستاییان در مورد مسائل کشاورزی و آبیاری و زراعت مکانیزه و امور تعاونی، پرورش شخصیت و استعدادهاى آنان، ایجاد باشگاههای جوانان روستایی است. در این راه سپاهیان ترویج و آبادانی از وسایل سمعی و بصری، فیلم‌های سینمایی، نشریات مختلف کشاورزی، احداث مزارع نمونه و آزمایشی و نظایر آن کمک می‌گیرند. این سپاهیان وظیفه دارند برنامه‌های آموزشی و اجرایی را براساس نیازهای واقعی مردم روستاها و شرایط اقلیمی و امکانات کشاورزی، با مشورت و صلاحدید صاحب‌نظران محلی و تسایید کارشناسان ترویج در رشته‌های گوناگون کشاورزی و دامپروری تهیه کنند تا اجرای آنها با واقع‌بینی و توجه به‌شرایط و مقدرات و نیازهای هر محل همراه باشد.

ترازنامه فعالیتهای این سپاهیان نشان می‌دهد که این کوششها

محمد رضا پهلوی، بسوی تمدن بزرگ (تهران مرکز پژوهش و نشر فرهنگی سیاسی دوران پهلوی، ۱۳۵۵)، ۱۶۰-۱۶۱.

تألیس شد. این شورا موظف شد مقولاتی از این دست را بررسی کند: «پیشنهادهای و لوایح شهرسازی و مقررات مربوط به طرح‌های جامع شهری که شامل منطقه‌بندی، نحوه استفاده از زمین، تعیین مناطق صنعتی، بازرگانی، اداری، مسکونی، تأسیسات عمومی، فضای سبز و سایر نیازمندی‌های عمومی شهر.» «طرح جامع سرزمین»، «طرح جامع شهر»، «طرح

تفصیلی»، و «طرح هادی» از مفاهیم اساسی این برنامه بودند که در «قانون تغییر نام وزارت آبادانی و مسکن به وزارت مسکن و شهرسازی و تعیین وظایف آن» شرح داده شدند که در ۳ تیر ۱۳۵۴ به تصویب مجلس شورای ملی رسید. این مفاهیم اساسی در سال‌های پس از انقلاب در برنامه‌ریزی‌های کلان جمهوری اسلامی نیز به کار گرفته

^{۳۹}قانون تغییر نام وزارت آبادانی و مسکن به وزارت مسکن و شهرسازی و تعیین وظایف آن، «مشمول بر ۸ ماده و ۵ تبصره پس از تصویب مجلس سنا در جلسه فوق‌العاده روز دوشنبه ۱۳۵۳.۴.۳، در جلسه روز یکشنبه ۱۶ تیر ماه ۱۳۵۳ به تصویب مجلس شورای ملی رسید.

^{۴۰}در بخش «حفظ و توسعه فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی، هنری و اخلاقی را پاس داشت و از طریق آموزش و پرورش، کاربرد وسایل ارتباط جمعی و غیر آن سنت‌های معتبر و ارزش‌های اصیل جامعه را حفظ و احیاء کرد و اشاعه داد... باید تفریحات فرهنگی را بر اساس یک سیاست صحیح ملی که به ساختن یک انسان متعادل معطوف باشد تشویق و ترویج کرد. حفظ نهادهای معتبر اجتماعی چون خانواده و حمایت آن در برابر لطمات زندگی جدید از وظایف برنامه ریزان و مصلحان اجتماعی طی دهه‌های آینده خواهد بود. ضمناً ایران می‌تواند از طریق فرهنگ و فی‌المثل از راه رواج سیاحت‌های فرهنگی و ارائه کالاهای فرهنگی (از کالاهای سنتی گرفته تا کالاهای بهترشده نوین) منابع اقتصادی مهمی برای خویش تحصیل کند.» برنامه پنجم عمرانی کشور، ۱۳۵۲-۱۳۵۶ (تهران: سازمان برنامه، دی ۱۳۵۱)، به ترتیب بر ۵۳ و ۴۹.

^{۴۱}قسمت‌هایی از دفاعیات مجاهدین خلق ایران (ب.م): سازمان مجاهدین خلق ایران، خرداد ۱۳۵۱، ۲۱-۲۲.

^{۴۲}محمد رضا شاه پهلوی، انقلاب سفید: متن خلاصه شده (تهران: وزارت آموزش و پرورش، بی تاریخ)، ۳۲.

^{۴۳}«نوسازی کشور: انقلاب چهره شهرها و روستاها را زیبا کرد»، اطلاعات، شماره ۱۳۹۶۶ (۱۲ آذر ۱۳۵۱). تجدید چاپ شده در مجموعه فرهنگ

انقلاب، بی‌شماره.

^{۴۴}«پیام شاهنشاه به مناسبت گشایش اولین برنامه رادیویی جوانان، ۵ مهر ۱۳۳۷.» به نقل از گزیده‌ای از نوشته‌ها و سخنان شاهنشاه آریامهر (تهران: کتابخانه پهلوی، ۱۳۴۷)، ۲۱۷.

^{۴۵}برگزیده ای از نوشته‌ها و سخنان شاهنشاه آریامهر از آغاز سال ۱۳۴۷ تا پایان سال ۱۳۵۱ (تهران: چاپ کیهان، [۱۳۵۲]، ۷.

^{۴۶}برگزیده ای از نوشته‌ها و سخنان شاهنشاه آریامهر، ۹۵: از پیام شاهنشاه بمناسبت آغاز سال تحصیلی ۱۳۵۱-۱۳۵۲، اول مهر ۱۳۵۱.

^{۴۷}برگزیده‌ای از نوشته‌ها و سخنان شاهنشاه آریامهر، ۱۰۳: از نطق شاهنشاه در ۵۷ اجلاسیه کنفرانس بین‌المللی کار در ژنو، ۲۴ خرداد ۱۳۵۱.

^{۴۸}برگزیده‌ای از نوشته‌ها و سخنان شاهنشاه آریامهر، ۳۱.

شدند و به چگونگی "توزیع جمعیت" و "تخاذ و اعمال سیاست‌ها و تنظیم برنامه‌های جامع و هماهنگ برای تعیین مراکز جمعیت و ایجاد تعادل بین جمعیت و وسعت شهرها در سطح کشور" توجه داشتند.^{۳۶} مجموعه این طرح‌های کلان مهندسی حاکمیت دولت را از طریق اعمال ضوابط "نحوه استفاده از زمین‌های شهری" و "وضع دقیق و تفصیلی شبکه عبور و مرور و میزان و تراکم جمعیت و تراکم ساختمانی" بر مکان و فضای زندگی شهری و روستایی اعمال می‌کردند. در روند حاکمیت مکانی، حضور دولت و قوانین حکومتی از طریق برنامه‌ریزی‌های مهندسانه در شیراز شهر و روستا و فضای زندگی روزمره تضمین شد. حاکمیت مکانی، آنچنان که در برنامه پنجم در نظر گرفته شده بودند، در پی آن بود که "شالوده ساختمان یک جامعه نوین با تمدنی بزرگ و شکوفان" را بریزد و به "ساختن یک انسان متعادل" به پردازد.^{۳۷} برخلاف این هدف دولتی، تغییرات پرشتاب در زندگی شهری و روستایی و ازهم گسیختگی ارزش‌ها و بافت اجتماعی به پیدایش شهروند ناراضی و انقلابی انجامید. همچنان که مسعود رجوی در ۲۷ بهمن ۱۳۵۰ در دادگاه به دفاع از انقلابی‌گری گفت، "وضع طوری است که راه دیگری وجود ندارد و حرف یک نفر و ده نفر نیست. صدها مهندس که مارک جهالت به آنها نمی‌چسبد در این راه‌اند."^{۳۸}

با گسترش برنامه‌های عمرانی در دهه ۱۳۴۰/۱۳۶۰، مفاهیم معماری و مهندسی عمران به شیراز گفت‌وگوهای سیاسی جدیدی را فراهم آوردند. آغاز این دگرگونی در نوشته‌ها و سخنرانی‌های محمدرضا شاه (۱۲۹۸-۱۳۵۹) آشکار بود. ایشان هدف انقلاب سفید را "بنای ایرانی نو و مرفعی بر پایه اصولی بسیار مستحکم و نیرومند" معرفی کرد.^{۳۹} "توسازی کشور" اصل یازدهم اصول دوازده گانه "انقلاب شاه و مردم بود" که به قول روزنامه اطلاعات "چهره شهر و روستا را

زیبا کرد."^{۴۰} شاه در اجتماع جوانان پیشاهنگ در منظره در ۱۸ مرداد ۱۳۳۵ "ترتیب صحیح" جوانان را "اولین قدم در راه بنای ایران نوین و مرفعی" دانست. در پیامی به مناسبت گشایش اولین برنامه رادیوی جوانان در ۵ مهر ۱۳۳۷، جوانان را مخاطب قرار داد و گفت: "شما معماران بنای سعادت فردائید."^{۴۱} در پیامی دیگر در ۱۸ آبان ۱۳۴۷ "تاریخ گذشته" را "شالوده حال و آینده" دانسته، گفت: "هیچ ملتی نمی‌تواند بدون توجه به گذشته خویش را به صورت واقع‌بینانه‌ای طراحی کند..."^{۴۲} ایشان همچنین به مناسبت آغاز سال تحصیلی در ۱ مهر ۱۳۵۱ "خدمت‌گزاران امور فرهنگی" را "معماران واقعی اجتماع مرفعی آینده ایران" قلمداد کرد.^{۴۳} در نقطه‌ای در حضور ریچارد نیکسون (۱۹۱۳-۱۹۹۴)، رئیس‌جمهور آمریکا، در کاخ نیاوران در ۹ خرداد ۱۳۵۱ از "تجدید ساختمان ملی و تحکیم صلح جهان و همزیستی" سخن گفت. مفاهیمی چون "بنای ایران نوین"، "معماران سعادت"، "معماران واقعی"، "تجدید ساختمان ملی"، "توسازی جامعه"، "پی‌ریزی جامعه‌های مرفعی و مرفه و برخورداری از رشد مستمر مادی و معنوی و از عدالت اجتماعی"،^{۴۴} "ساختن جامعه مرفعی و سعادت‌مند آینده ایران"،^{۴۵} "تجدید بنای اجتماعی ایران"،^{۴۶} و "ساختن ایران آینده"^{۴۷} همه نشان از به کارگیری روزافزون مفاهیم مهندسی و معماری در نگرش شاه برای ساختن "تمدن بزرگ" دادند. در کنار "توسازی"، "سازندگی" از مفاهیم مهمی بود که "جناح سازنده" حزب رستاخیز ملت ایران به کار می‌برد. با شعار "اندیشه و کار سازنده در راه ایران امروز و آینده"، این جناح از "توسازی تشکیلات مملکتی" در دوره رضا شاه یاد کرد، دهه پس از انقلاب سفید را "دهه سازندگی" برشمرد، و "توسازی زندگی سیاسی" را ضروری دانست.^{۴۸} "روینا"، "زیربنا"، "ساخت"، و "ساختار" نیز از جمله مفاهیم معمارانه‌ای می‌باشند که در دهه‌های پیش از انقلاب در گفت‌وگوهای سیاسی متفاوت به کار گرفته شدند.^{۴۹} اگرچه انقلاب اسلامی به گسستی

^{۳۹} برگزیده‌ای از نوشته‌ها و سخنان شاهنشاه آریامهر، ۹۴؛ از پیام شاهنشاه به مناسبت آغاز سال تحصیلی ۱۳۴۹-۱۳۵۰، اول مهر ۱۳۴۹.

^{۴۰} محمدرضا شاه پهلوی، انقلاب سفید، به نقل از برگزیده‌ای از نوشته‌ها و سخنان شاهنشاه آریامهر، ۲۱۴.

^{۴۱} "پیام شاهنشاه به مناسبت آغاز برنامه انتشاراتی کشور"، ۲۹ آذر ۱۳۳۸، به نقل از برگزیده‌ای از نوشته‌ها و سخنان شاهنشاه آریامهر، ۱۸.

^{۴۲} افق‌های آینده ایران: بررسی‌های سیاسی، اقتصادی و بین‌المللی جناح سازنده از کتاب "بسی تو تمدن بزرگ" (تهران: انتشارات جناح سازنده، فروردین ۱۳۵۳)، ۳.

^{۴۳} منوچهر قاطع در تعریف "زیربنا و روینا" در سال ۱۳۴۵ نوشت: "تحولات سال‌های اخیر کشور و اقداماتی که در زمینه توسازی وطن ما به وقوع پیوسته به نحوی اجتناب‌ناپذیر جامعه پیش‌تاز و کلیه عناصر مرفعی را با این حقیقت که توفیق در امر روسازی مستلزم زیرسازی مطمئن و دقیق مواجه ساخته است. در این مسأله که زیربنا و روینا مجموعاً نشان دهنده حد پیشرفت و تکامل می‌باشند و فی الواقع لازم و ملزوم یکدیگرند تردیدی نیست. تشریح عملی مفهوم این دو اصطلاح مقصود را روشن‌تر خواهد کرد. در مباحث فلسفی و علوم اجتماعی وقتی اصطلاح زیربنا و روینا به

کار برده می‌شود معنای مورد نظر در کادر مسائل اقتصادی جامعه محدود می‌گردد. یعنی زیربنا به نظام اقتصادی حاکم در مرحله معنی از تکامل و به مجموعه روابط اقتصادی جامعه اطلاق می‌شود و متضمن نیروهای مولده و روابط تولیدی که جهات دوگانه تولید بشمار می‌روند می‌باشد. و اما روینا یا بنای فوقانی که گاهی تحت عنوان بنای ایدئولوژیک اجتماع نیز استعمال می‌شود به مجموعه نظریات و بینش‌های سیاسی-قضائی-مذهبی-فلسفی و هنری جامعه و سیستم مؤسسات و ادارات و تشکیلات مربوطه اطلاق می‌گردد." بنگرید: منوچهر قاطع، "زیربنا و روینا"، مسائل ایران، شماره ۳۸ (مهر ۱۳۴۵)، ۲-۲۰. نقل بر ۲. بسیاری از ردیات اسلامی بر ماتریالیسم بر مفاهیم مارکسیستی چون روینا و زیربنا استوارند. برای نمونه بنگرید: سید هادی سعیدی، اسلام و سوسیالیسم (تهران، ۱۳۲۶)؛ محمد قطب، انسان بین مادیگری و اسلام، ترجمه سید خلیل خلیلیان (تهران: شرکت انتشار، ۱۳۴۱)؛ عبدالحسین کافی، شناخت علمی: ماتریالیسم، مارکسیسم و اسلام (قم: مرکز بررسی‌های اسلامی، ۱۳۵۰)؛ مهدی سبحان [بازرگان]، علمی بودن مارکسیسم (تهران: انتشارات بعثت، ۱۳۵۶/۲۵۳۶)؛ عبدالحکیم سروش، نقدی و درآمدی بر تضاد دیالکتیکی به ضمیمه نقدی بر روش شناخت (تهران: انتشارات حکمت، خرداد ۱۳۵۷).

هویتی و مکتبی انجامید، اشاعه خرد و گفتمان عمرانی در دهه‌های پس از انقلاب نشانه تداوم و گسترش حکمرانی مکانی و مهندسانه است. نقش مهندسان و شرکت‌های مهندسی و پیمانکار در سازماندهی نارضایتی‌های پیش از انقلاب و بهره‌برداری‌های پس از انقلاب از جمله ابعاد ناشناخته انقلاب و بافت قدرت و کلام در جمهوری اسلامی است.

۳. نظام اسلامی و اسلام هندسی

مهندسانه‌شدن فکر اسلامی پیوستگی ویژه‌ای با مفاهیم "نظام اسلامی" و "نظام توحیدی" داشت که از فرآورده‌های جنگ سرد در ایران بود. چالش با کمونیسم و سرمایه‌داری زمینه مناسبی برای برشمردن "مزایای عالی نظام اسلامی" فراهم آورد.^{۵۴} احمد راد در آذر ۱۳۳۸ ضمن کوشش برای معرفی اسلام چون گزینه‌ای برتر در بین "اشتراکیت" و سرمایه‌داری، مدعی شد که "اسلام نخستین نظام سیاسی و اجتماعی جهانی است که وحدت بشریت را مقرر داشته و بین بشر برادری را برقرار نموده و اساس وحدت بشری را بر محبت و اخوت و تعاون مستقر ساخته است."^{۵۵} راد به همین روش انتزاعی که "اصول آن از اقوال علماء دین و دانشمندان فن اخذ شده" بود، افزود: "نظام سیاسی و اجتماعی و اصول اقتصادی و اخلاقی اسلام نظامی است منحصر بفرد. نه قبل از آن چنین نظامی بوده و نه بعد از آن خواهد آمد. این نظام، نظام اسلامی است و بس. نه جمهوری است، نه دموکراسی، و نه سلطنتی، و نه دیکتاتوری، و همچنین نه اشتراکیت، نه سرمایه‌داری. قوانین و اصول اسلام به هیچ یک از اصولی که بشر ساخته و پرداخته ارتباط ندارد. قوانینی است که خالق وضع و به وسیله رسول خدا ابلاغ فرموده است."^{۵۶} سید ابوالفضل موسوی زنجانی نیز همچون احمد راد با گزینش و آمیختن آرای مکاتب متفاوت، در خرداد ۱۳۴۲ مدعی شد که "نظام اسلامی هم از نظر فلسفه، و هم از نظر هدف، نظام مستقلی است. ... بنابراین هیچ کدام از عناوین مذکوره را که هریک از آنها فلسفه مخصوص بخود دارد، نمی‌توانیم و نباید در آنجا به کار برده، و مثلاً بگوئیم که نظام اسلام دموکراسی است، و یا سوسیالیستی، و سرمایه‌داری است، و یا اشتراکی. آنچه مسلم است، و ما فعلاً در مقام توضیح آن نیستیم، محسنات همه آنها در اسلام موجود است و نقائص هیچ کدام در آن یافت نمی‌شود،"^{۵۷} محمد مجتهدی شبستری همانند دیگران، در تکرار همین نکته در آذر ۱۳۴۴ گفت: "باید توجه داشت نظام اقتصادی اسلام نظام خاصی است که هم از افراط‌ها و ستمگری‌های ناشی از سیستم سرمایه‌داری غربی برکنار است، و هم از تندروی‌ها و انحرافات سیستم کمونیسم."^{۵۸} محمد محمدی گیلانی در اسفند ۱۳۴۴ گزیده‌ای از سفره افکار و اندیشه‌های

اجتماعی متفاوت را "نظام اسلامی" معرفی کرد و بیان داشت که "نظام اسلامی فعلاً به صورت یک عقیده و فريضه‌ای بیش نیست که اجرای آن عهده دل فرزندان با شهامت و مبارز اسلام است..."^{۵۹} بنیادگذاران و پیروان سوسیالیست‌های خدا پرست،^{۶۰} سازمان مجاهدین خلق ایران^{۶۱} و کسانی چون عطاءالله شهاب‌پور، مهدی بازرگان (۱۲۸۶-۱۳۷۳)، علی شریعتی (۱۳۲۲-۱۳۵۶) از این تبار بودند که با آمیختن انتزاعی آرمان‌های اجتماعی و سیاسی متفاوت، "نظام" فکری آراستند که در حین بدعت و تقلد، ادعای فطرت و اصالت اسلامی نیز داشت. مثلاً شریعتی از "زیربنای توحید" یاد کرد و توحید را "زیربنای مکتب اسلام" شناخت.^{۶۲} با الهام از نوشته‌های گاستون باشلارد (Gaston Bachelard, 1884-1962)، شریعتی "طرح هندسی مکتب" (۱۳۵۰) را عرضه کرد و به بازاندیشی "اسلام به عنوان یک اعتقاد دینی" پرداخت.^{۶۳} برای همه‌فهم کردن اهمیت "شکل هندسی هیأت فکری و

^{۵۴} "پرتوی از نوار آسمانی"، مکتب تشیع، شماره ۱ (شهریور ۱۳۳۸)، ۱۷-۳۷؛ نقل بر ۳۰.

^{۵۵} احمد راد، "رابطه عقل و دین"، مکتب تشیع، شماره ۲ (آذر ۱۳۳۸)،

۱۲۷-۱۳۵؛ نقل بر ۱۳۴.

^{۵۶} راد، "رابطه عقل و دین"، ۱۳۵.

^{۵۷} سید ابوالفضل موسوی زنجانی، "نظام اجتماعی اسلام"، مکتب تشیع،

شماره ۱۰، (خرداد ۱۳۴۲)، ۱۶۱-۲۰۰؛ نقل بر ۱۷۱.

^{۵۸} محمد مجتهد شبستری، "نظری به فلسفه تحریم ربا"، مکتب اسلام، سال ۷،

شماره ۲ (آذر ۵۷)، ۳۸-۴۱.

^{۵۹} محمد محمدی گیلانی، "عقده جهان نو"، معارف جعفری: نشریه دینی و

علمی حوزه علمیه قم، سالنامه ۶ (اسفند ۱۳۴۴)، ۱۶۰-۲۷۰؛ نقل بر ۱۶۶.

^{۶۰} برای مهمترین اثر خاخرستان سوسیالیست بنگرید: مردم ایران: ارگان جمعیت

آزادی مردم ایران، شماره ۱۴۱ شهریور ۱۳۳۱ (شماره ۵۷ مرداد ۱۳۳۲). از

شماره ۱۹ (۲۰ فروردین ۱۳۳۲) عنوان روزنامه بدین سان ثبت شد: مردم ایران:

ارگان جمعیت آزادی مردم ایران (سوسیالیست‌های خداپرست). هیئت اجراییه

جمعیت بدین قرار بودند: محمد نخشب، حسین راضی، مهندس علی اکبر

نوشین، معین‌الدین مرجانی، مهندس محمد پاکزاد، علی شریعتمداری، و دکتر

حاتری روحانی. اعضای علی‌البدل شامل حسین شیروانی، احمد سمیعی، و

مهندس اصغر آروین بود. (شماره ۱۸ [۱۷ فروردین ۱۳۳۲]، ۳). محمد نخشب

از چهره‌های برجسته این جمعیت بود. برای نمونه آثارش بنگرید: مجموعه آثار

دکتر محمد نخشب (تهران: انتشارات چاپخش، ۱۳۸۱).

^{۶۱} از جمله آثار بنیان‌گذاران سازمان مجاهدین خلق عبارتند: شناخت: متدولوژی

(مهر ۱۳۵۱). برای نقادی بر نگرش مجاهدین بنگرید: بیژن جزنی، مارکسیم

اسلامی یا اسلام مارکسیستی (ب.ج.: راه فدایی، [۱۳۸۲])؛ برای بازنگری

مارکسیستی به اعتقادات بنیادین مجاهدین بنگرید: بنیانه اعلام مواضع

ایدئولوژیک سازمان مجاهدین خلق ایران (ب.م.: سازمان مجاهدین خلق ایران،

آذر ۱۳۵۵). همچنین بنگرید به "نامه رفیق مجاهد مجتبی طالقانی به پدرش،

مبارز راستین آیت‌الله سید محمود طالقانی"، اردیبهشت ۱۳۵۵، ۱۳۱-۱۴۵.

^{۶۲} علی شریعتی [علی امیدوار]، زیربنای توحید (قم: انتشارات نصر، [۱۳۵۷]). در

این نوشته شریعتی "توحید" را از جمله "عنوان زیربنای جامعه‌شناسی" تفسیر

کرد و در شرح "زیربنای اجتماعی" گفت: "بنام استروکتور یعنی ساختمان اساسی

و پایه زیرین بنائی که تمام اتماد جامعه بر رویش استوار است و یکی هم نهادها

و سومی هم روابط فرعی و علائم اجتماعی که مجموعاً روبرونا یا substructure

نام دارد. پس تمام این ستون‌ها و همه این روابط یعنی "روبنای اجتماعی"،

شکلشان و نوعشان بستگی به شکل و نوع زیربنای جامعه دارد." (۳۲ و ۳۳).

اعتقادی و تصویر ذهنی“ اسلام، ایشان بین دانستن و شناختن هدفمند تفاوتی معمارانه قائل شد: اطلاعات زیاد و معلومات متفرق داشتن، اما زیربنای جهان‌بینی نداشتن، مثل این‌ست که همه مصالح ساختمانی را داشتن، اما طرحی و هدفی برای این که چه می‌خواهیم بسازیم نداشتن. کسی که طرح بنایی در ذهن و هدفی برای ساختن ندارد، اگر انبوه متراکم این همه مصالح ساختمانی را نداشته باشد راحت‌تر است.^{۶۴}

با بازپردازی معمارانه مفاهیم شیعی و عرضه نمودارهای هندسی از ارتباط انسان، جامعه، ایدئولوژی و جهان‌بینی، شریعتی اسلام را “به عنوان یک مکتب فکری و به عنوان یک ایدئولوژی” بازشناساند.^{۶۵} با همین روش در سال ۱۳۵۱ “طرح کلی‌یی از اسکلت اصلی ساختمان [ی]” را فراریخت که “شیعه یک حزب تمام” شد. شریعتی در اسلام شناسی خاطر نشان ساخت: “مطلبی که اینک به آن

۳ گسست معرفتی (coupure épistémologique/epistemic break) یکی از مهمترین مفاهیمی بود که گستون بشلار معرفی کرد. این مفهوم نقشی اساسی در اندیشه تامس کوهن، لویی آلتوسر و میشل فوکو داشت. “چرخش هنجاری” کوهن و “سامان‌گفتنی” فوکو هر دو بر شناخت تاریخی از گسست معرفتی استوارند. آلتوسر نیز با به کار گرفتن این چرخش نشان داد که مارکس جوان و مارکس متاخر متفاوتی معرفتی دارند. آشنایی شریعتی با مقوله ای اینگونه که در نوشته‌هایش مشاهده می‌شود درباره “زوم نو کردن مذهب” نوشت که اسلام “بعنوان دینی در ظرف سنتی جامعه‌ها و در کالبد تمدن‌ها و فرهنگ‌هاست که جسمیت عینی خارجی پیدا می‌کند و باین صورت است که در مسیر تحولات تاریخ، فرسایش می‌یابد، و احتیاج به نو شدن، تغییر فرم، لباس، روابط و زبان دارد... بعد از مدتی باید ظرف‌هایی را که زائیده شرایط اجتماعی و تاریخی است و تغییر می‌یابند، عوض کرد، که اگر ظرف این حقیقت مقدس را عوض نکنیم، مظلومش از بین می‌رود.” برخلاف مارکس و آلتوسر و فوکو که به تغییر همگام ظرف و مظلوم نیز توجه داشتند، شریعتی که مورد حمله پی در پی شریعتمداران در اوایل سال‌های ۱۳۵۰ بود، تاکید داشت که “مقصود از نو شدن، حقیقت ثابتی که خود اسلام است، نیست. وقتی افرادی می‌گویند، باید در افکار مذهبی مان تجدید نظر شود، و بینش مذهبی نو گردد، و دین را باید بزبان این عصر و متناسب و شایسته این نسل، تبلیغ کرد، مسلماً بمعنی تغییر دین نیست.” (علی شریعتی، اسلام‌شناسی [تهران]: بی نام، ۲/۴/۵۱، ۴۴۰-۴۴۱).

۴ شریعتی، اسلام‌شناسی، ۱۹.

۵ شریعتی، اسلام‌شناسی، ۴-۳.

۶ علی شریعتی، شیعه یک حزب تمام، دفتر اول، بخش اول، سخنرانی در تالار حسینیه ارشاد به تاریخ دوم آبان‌ماه ۱۳۵۱
<http://www.shariatihome.com/Collection.aspx>

۷ شریعتی، اسلام‌شناسی، ۲-۳.

۸ شریعتی، اسلام‌شناسی، ۴ و ۱۸.

۹ سعید حجاریان، “زنده باد اصلاحات!” آیین، شماره ۴ (مهر ۱۳۸۵)، ۱۱-۱۷، نقل بر ۱۲.

۱۰ ابوالحسن بنی صدر، روش شناخت بر پایه توحید (بی‌مکان: بی‌ناشر، ۱۳۵۴)، ۱.

۱۱ علی تهرانی، طرح کلی نظام اسلامی، با پیشگفتاری از حمید عنایت (تهران: انتشارات حکمت، ۱۳۵۶/۲۵۳۶)، ۲۰. این نوشته در تاریخ ۲۴ صفر ۱۳۹۶ (۲۷ فوریه ۱۹۷۶) نوشته شده بود.

می‌پردازم حاصل توجهی است که اخیراً به من دست داده است، توجه بسیار هیجان‌آمیزی که از درگیری انگشت احساسم در نکته ای، به گشایش کلاف پیچیده سردرگمی راه‌نمونم شد.” این هیجان همان بازنگری هندسی به اسلام بود که “گسستی معرفتی” در افکارش را در پی داشت.^{۶۶} همان‌گونه که شریعتی در مقدمه اسلام‌شناسی یادآور شد، پس از این رویکرد هندسی نگرشش به اسلام دگرگون شد: “آنچه از حالا به بعد درباره اسلام‌شناسی می‌گویم بعنوان تکمیل کتاب اسلام‌شناسی خواهد بود، و اینکه می‌گویم “تکمیل” نه باین معنی است که آنچه را در کتاب اسلام‌شناسی طرح شده بیشتر توجیه و یا تفسیر خواهم کرد، بلکه اساساً اسلام‌شناسی‌ای که الان شروع می‌کنم، با آن کتاب هیچ شباهتی ندارد، آن کاری بود جدا و این کاری است، جدا. هم متدش فرق دارد و هم محتوایش.”^{۶۷} در این رویکرد بود که به ترسیم “شکل هندسی هیأت فکری” و شرح “زیربنا و روبنای اعتقادی” پرداخت.^{۶۸} در این بازنگری، شریعتی “مصلح” اسلام را بر طرحی برگرفته از مارکسیسم بنا نهاد که در آن توحید، جهان‌بینی، اسلام، ایدئولوژی، امت، جامعه ایده‌آل؛ و انسان ایده‌آل برابر امام معرفی شد. سعید حجاریان که به این جنبه اندیشه شریعتی توجه داشت، با تقسیم‌بندی مهندسانه نوشت: “... دو سر طیف اصلاح دینی یکی تجدید و دیگری تجدد است. اما راه‌های میانه هم وجود دارند، از جمله راه واسازندگانی مانند مرحوم دکتر شریعتی است که معتقد به حفظ مصالح دین و تغییر مهندسی آن بود. یعنی تجدید هندسه دین با مصالح قدیم؛ حفظ مصالح و تغییر معماری متناسب با مقتضیات زمان. واسازندگان بازسازی میکنند، اگر مصالح کم آوردند، از مکاتب دیگر می‌گیرند و مصالحی را هم که زیاد آمد، دور می‌ریزند.”^{۶۹}

۴. نظام توحیدی و سیستم شاهنشاهی

با اوج‌گیری جنبش انقلابی در دهه ۱۳۵۰، “نظام توحیدی” و “نظام اسلامی” که نخست در رویارویی با مارکسیسم در دوره جنگ سرد ارائه شده بود به بدیلی در برابر “نظام شاهنشاهی” تبدیل شد. ابوالحسن بنی‌صدر که از جمله منادان “روش شناخت بر پایه توحید” بود باور داشت “ما باید آینده را در وجود خودمان حال کنیم.” ایشان در سال ۱۳۵۴ با همین آینده‌نگری و “روش توحیدی” به طرح “اصول پایه و ضابطه‌های حکومت اسلامی” و “طرح یک نظام کلی اجتماعی” پرداخت.^{۷۰} علی تهرانی نیز، که از مجتهدان انقلابی بود، در همان سال “طرح کلی نظام اسلامی” را ارائه داد و به شرح “اعضای پیکره این نظام اجتماعی و تعیین موضع و تاثیر هریک از آن اعضاء در این نظام” پرداخت.^{۷۱} مهندس محمدحسین بنی‌اسدی نیز با به



م. شیرزاد [محمدحسین بنی اسدی]، توحید و تفکر سیستمیک (تهران: کانون نشر حنیف، ۱۳۵۷).

زنجان (ت. ۱۳۱۳)، متولی مدرسه حقانی، نیز باور داشت که "بازسازی جامعه در این مرحله حساس تاریخ بدون یک نظام سالم اخلاقی امکان پذیر نیست." ایشان برای پیشبرد این امر در خرداد ۱۳۵۸ خواهان "روح تکانی" شد: "بر همه ملت مسلمان است که شدیداً به اندرون خویش و افکار و روحيات و خصلت های روحی خود مراجعه و یک نظام اخلاقی سالمی مطابق با جامعه توحیدی در

کارگیری مفاهیم مهندسی صنایع به "اثبات هماهنگی فلسفه توحید بطور کلی و قرآن به طور اخص با فلسفه و روش و تئوری عمومی سیستم ها" پرداخت.^{۷۲} ایشان باور داشت که روش سیستم ها "با فلسفه توحید هماهنگ تر است و از آنجا که قرآن نیز از جانب خداوند است و نتیجتاً یک منظومه وحدت یافته است، بنابراین با استفاده از روش سیستم ها (منظومه ها) میتوان نسبت به شناسایی آن به طور مؤثر اقدام کرد."^{۷۳} بنی اسدی با به کار گرفتن روش سیستمیک در بازشناسی قرآن ایشان امیدوار بود که بتواند "باعث هدایت از وضع موجود به وضع مطلوب" شود و بتوان "وضع نامطلوب را در جهت وضع مطلوب تغییر" دهد.^{۷۴} بنی اسدی، که از مشاوران مهندس بازرگان در دولت موقت بود، انقلاب اسلامی را دارای "هدف سیستمی" دانست و "طرح جهاد سازندگی با چنین هدف و نگرشی در اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ تهیه و به کنفرانس استانداران ارائه گردید و پس از ارائه و تصویب رهبری در ۲۶ خرداد ۱۳۵۸ به مرحله اجرا گذارده شد."^{۷۵} محمد جواد سهلانی (۱۳۱۶-۱۳۸۱)، مدیر مسئول مجله جهاد: ارگان جهاد سازندگی، نیز از جمله نمایان روش سیستم ها بود و چون بنی اسدی این بینش را برای تفسیر قرآن به کار گرفت.^{۷۶}

به منزله جایگزینی برای نظام شاهنشاهی، در سال های نخست انقلاب، پیاده کردن و ساختن "نظام توحیدی" و "سیستم الهی" اهداف بسیاری از انقلابیان اسلامی بود.^{۷۷} مثلاً در مکتب اسلام طی مقاله ای در اسفند ۱۳۵۷ "آرمان نهضت" جایگزین ساختن "نظام توحیدی" به جای "نظام طاغوتی" برشمرده شد.^{۷۸} محمد مفتاح (۱۳۰۷-۱۳۵۸) که از چهره های شاخص جنبش اسلامی و عضو شورای انقلاب بود، در بهار ۱۳۵۸ "تغییر نظام طاغوتی به نظام توحیدی" را از "دید قرآن" شرح داد.^{۷۹} حسین حقانی

راسل. ل. اکاف (Russell L. Ackoff, 1919-2009) می باشد: Redesigning the future: a systems approach to societal problems (New York: Wiley, 1974).

^{۷۷} در مورد تفکر سیستمی بنگرید، کیمورت پریانی (مترجم)، "تاریخچه اندیشه های سیستمی"، هدهد، سال ۳، شماره ۲ (تیر ۱۳۶۰)، ۱۲۱-۱۳۳. این مقاله ترجمه بخشی از کتاب زیر است:

I. V. Blauberg, V. N. Sadovsky, and E. G. Yudin, *Systems Theory: Philosophical and Methodological Problems* (Moscow: Progress Publishers, 1977).

^{۷۸} "چگونه کاخ های استبداد فرو ریخت"، مکتب اسلام، سال ۱۸، شماره ۱۲ (اسفند ۱۳۵۷)، ۷۵-۷۸، نقل بر ۷۶.

^{۷۹} محمد مفتاح، "فلسفه انقلاب و حکومت"، مقالات و بررسی ها: نشریه گروه تحقیقاتی دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دفتر ۳۳-۳۲ (بهار ۱۳۵۸)، ۱-۹، نقل بر ۱.

^{۸۰} حسین حقانی زنجان، "بسوی یک نظام سالم اخلاقی"، مکتب اسلام، سال ۱۹، شماره ۳ (خرداد ۱۳۵۸)، ۴۶-۵۰، نقل بر ۴۶ و ۴۷.

^{۸۱} مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره ۱، جلسه ۱۶۹، شماره ۱۰۶۲۹

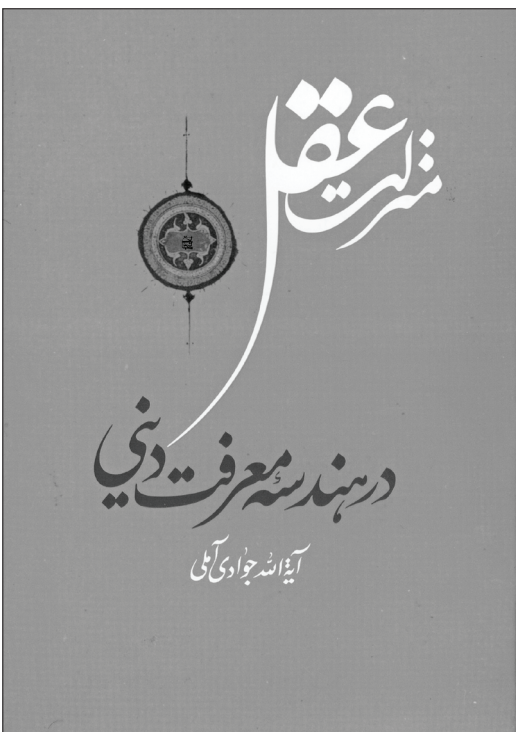
^{۷۲} محمد حسین بنی اسدی (م. شیرزاد)، توحید و تفکر سیستمیک (تهران: کانون نشر حنیف، ۱۳۵۷)، ۸۳. در این کتاب بنی اسدی به معرفی "روش سیستم ها" پرداخت و باورداشت که "این روش با فلسفه توحید هماهنگ تر است و از آنجا که قرآن نیز از جانب خداوند است و نتیجتاً یک منظومه وحدت یافته است، بنابراین با استفاده از روش سیستم ها (منظومه ها) می توان نسبت به شناسایی آن به طور مؤثر اقدام کرد."^{۷۶}.

^{۷۳} بنی اسدی، توحید و تفکر سیستمیک، ۶.

^{۷۴} بنی اسدی، توحید و تفکر سیستمیک، ۶.

^{۷۵} محمدحسین بنی اسدی، "گاهی به نگرش و روش سیستمی در حل مسائل سیستم های فرهنگی-اجتماعی"، چشم انداز ایران (تیر/مرداد ۱۳۸۵)، ۲۸-۳۶، نقل بر ۳۶.

^{۷۶} برخی از آثار سهلانی عبارتند: کاربرد روش سیستم ها به ضمیمه تعبیر قرآن آربری (تهران: بعثت، ۱۳۵۷؟)؛ "مشروعیت و حکومت دینی"، کیهان فرهنگی، شماره ۱۹۴ (آذر ۱۳۸۱)، ۴۲-۴۳؛ "معرفی کتاب: The Holy Qur'an"، نامه علوم انسانی، شماره ۲ (تابستان ۱۳۷۹)، ۱۸۹-۱۹۶؛ "اسلام و هنر تربیت"، کیهان فرهنگی، شماره ۱۹۶ (بهمن ۱۳۸۱)، ۶۰-۶۳. کاربرد روش سیستم ها ترجمه بخشی کتاب معروف



عبدالله جوادی آملی، منزلت عقل در هندسه معرفت دینی (قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۶).

حیات معنوی خود به وجود آورند. یعنی هر فردی موظف است که برای انطباق با وضع تازه برای به ثمر رساندن اهداف عالی اسلامی به اصطلاح 'روح تکانی' کند و از صفات، آنچه را که با هویت توحیدی جامعه ما منافات دارد دور بریزد و آنچه که موجب شرک و دوری از سعادت و آسایش و رفاه مسلمانان می‌باشد به مغز و روح خود راه ندهد.^{۸۴} حقانی در تیرماه ۱۳۶۰ نیز در مجلس

۱) تیر ۱۳۶۰،

^{۸۲}حائری فومنی در مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره ۱، جلسه ۱۹۸، شماره ۱۰۸۲۵ (۲۵ مرداد ۱۳۶۰)،

^{۸۳}محمد باقر صدر، مقدمه‌ای بر بینش اجتماعی اسلام، ترجمه کریم جعفری (تهران: انتشارات حکمت، ۱۳۵۶).

^{۸۴}علی حجتی کرمانی، "مبانی طرح و ویژگی‌های حکومت اسلامی"، در سهایی مکتب اسلام، سال ۲۲، شماره ۱ (فروردین ۱۳۶۱)، ۵۱-۵۴ و ۳۹؛ نقل به ترتیب بر ۵۴ و ۳۹.

^{۸۵}احمد بهشتی، "نظام توحید و نظام شرک: مرام نامه حزب الله و حزب شیطان"، مکتب اسلام، سال ۲۱، شماره ۷ (مهر ۱۳۶۰)، ۵۵-۶۰، ۵۰؛ نقل بر ۶۰. شعار "حزب فقط حزب الله" بیان چنین بینشی بود. برای تفسیری از این شعار در روزهای انقلاب بنگرید: پرویز اوصیاء، "حزب فقط حزب الله: تحلیلی کوتاه از شعار حزب فقط حزب الله"، آیندگان، شماره ۳۲۸۱ (۱۶ بهمن ۱۳۵۷)، ۸.

^{۸۶}عبدالکریم سروش، ایدئولوژی شیطانی (تهران: موسسه فرهنگی صراط، ۱۳۷۵)، ۷۱. این کتاب پیشتر با عنوان ایدئولوژی شیطانی (دگماتیسم نقابدار) دو سخنرانی دیگر (تهران: یاران، ۱۳۶۰) چاپ شده بود.

شورای اسلامی اعلام کرد، "ما با تمام شیره جانمان آماده‌ایم تا آنکه نظام اسلام در تمام ابعادش با همه قواعدش، با همه دستوراتش در جامعه ما پیاده شود...^{۸۱} با همه تفاوت‌ها،

اغلب انقلابیان اسلامی همچون مصطفی فومنی حائری (ت. ۱۳۲۹) "ایدئولوژی انقلاب" را "اسلام به عنوان یک مکتب، به عنوان یک سیستم در نظام" می‌دانستند.^{۸۲} علی حجتی کرمانی (۱۳۱۶-۱۳۷۹) به نقل از محمد باقر صدر (۱۳۱۳-۱۳۵۹)،^{۸۳} "اندیشه توحیدی و توحید اعتقادی" را شالوده حکومت دانست و گفت: "اسلام یک انقلاب و دگرگونی بنیادی و جامع‌الاطراف است که بر پایه توحید به عنوان جوهر ایدئولوژی اسلامی همه نواحی و شئون زندگی انسان را در برگرفته و هیچ گونه جدایی و فاصله‌ای میان اعتقاد و سایر ابعاد حیات قائل نیست و وجه اجتماعی و حکومتی اسلام در ارتباطی بنیادی نظام یافته و ارگانیک با محتوای عقیدتی و معنوی و اخلاقی آن دارد."^{۸۴} در این نگرش سیستمی، "نظام توحید و نظام شرک" دو نگرش ناسازگار پنداشته شدند که در اوج رقابت‌های سیاسی سال‌های آغازین انقلاب، به بیان احمد بهشتی (ز. ۱۳۱۴)، به "حزب الله و حزب شیطان" تقسیم شدند: "در برابر همه این احزاب و گروه‌های مشرک، یک حزب داریم که همان حزب الله است. افراد این حزب، در چارچوبه معیارهای اصیل توحیدی و اسلامی، می‌اندیشند و حرکت می‌کنند."^{۸۵}

عبدالکریم سروش نیز از منظری دیگر مارکسیسم را "ایدئولوژی شیطانی" خواند و بر این باور بود که "این اندیشه را به حقیقت می‌باید القای شیطان و کام اهریمن خواند...^{۸۶} از چنین نگاهی دانشگاه نیز که "همچون مسجد ضرار... پایگاه کفر و شرک و نفاق" پنداشته شده بود، به نام "انقلاب فرهنگی" در ۱۵ خرداد ۱۳۵۹ بسته شد.^{۸۷} این تعبیر دینی و سیاسی غالباً بر شناخت تک‌خردانه فنی و مهندسانه استوار بودند، شناختی که به نام توحید و

"دگماتیسم نقابدار" عنوان یک سخنرانی بود در دانشگاه تهران که ابتدا در مجله سروش و سپس به صورت دفتری جدا به طبع رسید. "مقدمه طبع

اول، "ایدئولوژی شیطانی، (۱۱)

^{۸۷}نقل از "سارت فرهنگی هدیه مخالفان با انقلاب فرهنگی"، دانشگاه

انقلاب، شماره ۱ (۲۳ خرداد ۱۳۶۰)، ۲۰-۲۳، نقل بر ۲۲. کی از اهداف

انقلاب فرهنگی از آغاز اسلامی کردن علوم انسانی و اجتماعی بود که "غربی‌شاهنشاهی" خوانده می‌شدند. مثلاً بنگرید: دانشگاه انقلاب: ارگان جهاد دانشگاهی نوشته‌های زیادی در نقد علوم انسانی به چاپ رساند. از جمله بنگرید: "نقدی بر ماهیت رشته‌های علوم انسانی دانشگاه‌های غربی - شاهنشاهی ایران" دانشگاه انقلاب، شماره ۲ (مرداد ۱۳۶۰)، ۱۹-۲۰، ۴۶،

۴۹؛ "ویژگی‌های دانشگاه استعماری"، دانشگاه انقلاب، شماره ۳ (شهریور ۱۳۶۰)، ۳۳، ۴۵؛ "علوم انسانی...؟" دانشگاه انقلاب، شماره ۶ (آبان ۱۳۶۰)،

۱۷-۵۶؛ "نقش و اهمیت علوم انسانی در انقلاب فرهنگی"، دانشگاه انقلاب، شماره ۶ (آبان ۱۳۶۰)، ۳۶-۳۸، ۶۲؛ "پیش تحقیقی بر مبانی کفر

در علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه‌ها"، دانشگاه انقلاب، شماره ۸ (بهمن ۱۳۶۰)، ۳۲-۵۸، ۵۹-۵۹؛ "بازهم علوم انسانی"، دانشگاه انقلاب، شماره ۹

(اسفند ۱۳۶۰)، ۱۲-۱۳، ۶۶.

یکتاپرستی و "جهان‌بینی خدا‌مرکزی" در سال‌های پس از انقلاب در شیراز تفکر دینی رسوخ کرد.

۵. از پاکسازی به بازسازی

اگرچه جنبش اسلامی طیف‌های متفاوتی داشت، اغلب آنها در آستانه انقلاب نگرشی سیستمی و تک‌خرد از توحید داشتند. این نگرش تک‌خرد پیامد کوشش روشنفکرانی بود که در دهه‌های پس از انقلاب مشروطیت در پی تقارن علم و دین بودند. در روند هماهنگی علم و دین، خرد علمی رفته‌رفته همان خرد الهی پنداشته شد و توحید نیز به سیستمی یگانه و قانونمند تحلیل یافت.^{۸۸} این دریافت تک‌خرد را مهندس مهدی بازرگان (۱۲۸۶-۱۳۷۳) در راه طی شده، که نخستین بار در سال ۱۳۲۷ به چاپ رسید، چنین شرح داد: "دانشمند عملاً معتقد است که هیچ چیز طبیعت بی اساس و منشأ نبوده و یک نظم واحد متقن ازلی در سراسر دنیا جریان دارد. خداپرست چه می‌گوید؟ او می‌گوید دنیا دارای مبدأ و اساس بوده یک نظم واحد ازلی قادری بنام خدا بر سراسر آن حکومت می‌کند. تنها تفاوت در این است که عالم صحبت از "نظم" می‌کند و موحد "ناظم" را اسم میبرد. قرآن هم غیر از این چیزی نمی‌گوید"^{۸۹} پیش از بازرگان، عطاءالله شهاب‌پور در "نظام آفرینش" پس از ذکر آن که "مواد تشکیل دهنده عالم در تمام کرات یکسان است"، نتیجه گرفت: "خوب پیش خود مجسم کنید که دانشمندان روشن فکر چه استفاده عظیمی از این کشف می‌کنند. خوب ببینید که این موضوع چه تأیید شگرفی نسبت به نظر توحیدی یک نفر موحد است. این عالم عظیم و این خلقت لایتنای با وجود تمام عظمتش دارای نقشه واحد و منظم و مرتبی است چرا که آفریننده و پدیدآورنده آن یکی ست و جز یکی نیست."^{۹۰} اگرچه بازرگان و هم‌تباران فکری‌اش نظم و خرد علمی را برای شناخت متجددانه دین به خدمت گرفتند،

در آستانه انقلاب اسلامی مهندسی سیستم‌ها و مدیریت صنعتی به خدمت ساختن "نظام توحیدی" درآمد. بدین سان، برداشت‌ها و نقشه‌های مهندسانه مکتبی طرح و نقشه الهی پنداشته شد. "اطاعت از عقل، اطاعت از حاکمیت خداست" مصداق این رویکرد ابزاری در خرد دینی بود.^{۹۱} این خرد ابزاری یقین‌پسند و یگانه‌خواه جایگزین انتقادات و تذکرات دینی‌ای شد که با بیان طبی از فساد و بیماری‌های اجتماعی، اقتصادی و اخلاقی و جنسی دوره پهلوی شکوه داشت.

پس از پیروزی انقلاب "تصفیه" و "پاکسازی" گسترده سازمان‌های دولتی و کارخانه‌ها آغاز شد. این کوشش‌ها که بر نگرش طبی جراحانه از هیأت اجتماع استوار بود، مثلاً در "لایحه قانونی مربوط به پاکسازی و ایجاد محیط مساعد برای رشد نهادهای انقلاب در وزارتخانه‌ها و دانشگاه‌ها و بانک‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی" به شورای انقلاب اجازه داد "با مراجعه به پرونده‌ها و سوابق کارکنان مؤسسه صورت آن عده از کارکنان را که با ساواک منحل همکاری داشته‌اند و یا عدم صلاحیت آنان به اثبات رسیده باشد و یا اشتباه به فساد اخلاق و نادرستی دارند و یا زائد تشخیص داده شوند" از خدمت برکنار و بازنشست کند.^{۹۲} لایحی این چنین نیز برای "تصفیه و پاکسازی سازمان اداری وزارت دادگستری"، کانون و کلاء و کانون‌های کارشناسان رسمی وزارت دادگستری، و "واحدهای تولیدی صنعتی-خدماتی و کشاورزی" تصویب شد. در "دستورالعمل پاکسازی در واحدهای تولیدی" علاوه بر اخراج کارکنانی که "با ساواک منحل همکاری داشته و یا مشهور به رشوه‌خواری و اختلاس بوده و یا اینکه با دستگاه ظلم و حزب رستخیز همکاری داشته و قلم و یا بیان و فکر آنان در تقویت دستگاه‌های ظلم" به کار رفته بود، اخراج کسانی که "باعث تعطیل و کم‌کاری و اخلال در تولید شوند" نیز گنجانده شد.^{۹۳} بدین ترتیب

^{۸۸} برای روایتی از کوشش برای "تقارن دانش و دین" بنگرید: توکلی طرقي، "تجدد روزمره و آمبول تدین"، بخصوص ۴۳۰-۴۴۰. چگونه سازگاری دانش و دین در سال‌های پس از انقلاب از جمله جدلهایی بود که به مبحث "اسلامی کردن علوم و دانشگاه‌ها" انجامیده است. شاید این گفته عبدالله جوادی آملی را که "علم از آن رو که علم است، الهام الهی است" و "علم اگر علم است نمی‌تواند غیراسلامی باشد" نتیجه بیش از یک قرن کوشش برای نزدیکی "دانش و دین" دانست (عبدالله جوادی آملی، منزلت عقل در هندسه معرفت دینی [چاپ ۳؛ قم: نشر اسراء، ۱۳۸۷]، ۱۴۴ و ۱۴۵).

^{۸۹} مهدی بازرگان، راه طی شده (چاپ ۵؛ تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۴۴)، ۷۲. بازرگان بدین نتیجه رسید که "پیشرفت علوم نه تنها عالم طبیعت‌شناس را به جایی آورده است که عملاً موحد می‌باشد، بلکه صفات ثبوتیه خدا را خیلی بهتر از فقها و مدرسین درک می‌کند. درست است که او الله اکبر به لفظ نمی‌گوید ولی بزرگی و وسعتی که از دنیا یعنی از مصنوع خدا فهمیده است و قدرتی که حتی در درون یک اتم سراغ دارد میلیون‌ها برابر آن چیزی است که در قرون سابق با هیئت یونانی فرض می‌نمودند. . . دانشمند میکروپشناس امروزی هم به مراتب بهتر از فقهای دین تصور ریزه‌کاری‌های طبیعت و لطافتی را که به دست خالق آن پرداخته شده است

می‌نماید." (بازرگان، راه طی شده، ۷۴-۷۵)

^{۹۰} عطاءالله شهاب‌پور، "نظام آفرینش"، آیین اسلام، شماره ۶۱ (۴ خرداد ۱۳۲۴)، ۳.

^{۹۱} احمد بهشتی، "حاکمیت و اطاعت: اطاعت خدا، مکتب اسلام، سال ۲۱، شماره ۱۲ (اسفند ۱۳۶۰)، ۲۰-۲۳. آیت‌الله خمینی نیز پیشتر در شرح جامعه توحیدی گفت: "در اسلام یک حکومت است و آن حکومت خدا، یک قانون است و آن قانون خدا، و همه موظفند به آن قانون عمل کنند. تخلف از آن قانون هیچ کس نباید بکند. قانون عدل است، عدالت است، جامعه عدل و جامعه‌ای که در آن عدالت اجرا بشود." بنگرید: روح‌الله خمینی، "برداشت‌های غلط از اصطلاح 'جامعه توحیدی' برای فریب جوانان"، ۱۰ مهر ۱۳۵۸، صحیفه امام خمینی، جلد ۱۱.

<http://www.jamran.ir/fa/BooksahifeBody.aspx?id=2173>

^{۹۲} "لایحه قانونی مربوط به پاکسازی و ایجاد محیط مساعد برای رشد نهادهای انقلاب در وزارتخانه‌ها و دانشگاه‌ها و بانک‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی" روزنامه رسمی، شماره ۱۰۰۷۴ (۲ مهر ۱۳۵۸).
^{۹۳} "شورای انقلاب جمهوری اسلامی، "لایحه قانونی مربوط به پاکسازی در واحدهای تولیدی صنعتی - خدماتی و کشاورزی،" روزنامه رسمی، شماره ۱۰۳۴۳ (۸ شهریور ۱۳۵۹).

۱۰. دوسطر به آخر صفحه یک کلمه اشتباه است «شرائط مذکور در ماده ۹» را خط بزیند بندهای «الف وب وج ود» ماده ۹.
دوم - صفحه دوسطر به آخر صفحه «درفصل ۳ ویا رعایت ماده ۳۸» یعنی «سواد» را خط بزیند «ماده» کنید و «۳۹» را «۳۸» کنید. ۴۰ و ۴۱ هم خط میخورد. یعنی اینطور می شود.
«درفصل ۳ ویا رعایت ماده ۳۷ به جرائم زیر رسیدگی خواهند کرد».
تکته دیگر که جناب آقای شبستری تذکر میدادند در یادداشتها بود ولی دقیق کنترل نکردم در صفحه ۴ هشت سطر به آخر صفحه بند ۴ جرائم مربوط به بعد از انقلاب (دوتا بند چهار داریم یکی بند ۴ و در جرائم سیاسی و نظامی داریم یکی بند ۴ و جرائم مربوط به بعد از انقلاب داریم).
۴- فعالیت به نفع گروههایی که فعالیت آنها ممنوع اعلام گردیده در محیط اداره.

عبارت «مخالف نظام جمهوری اسلامی ایران» را خط زدیم (یکی از نمایندگان این پیشنهاد اصلاحی است) خیر، پیشنهاد اصلاحی نیست معذرت می خواهم تست سوم را با استاندارد بفراشید آقای شبستری تذکر می دهم شاید دررای گیری به نتیجه قطعی برسیم من الان خودم صد درصد مطمئن ندارم.
نایب رئیس- آقای دری چیزیکه گزارش را تغییر بدهد که نمیشود.
یکی از نمایندگان- نظر آقای شبستری را که نمیشود شما جزو گزارش قرار دهید.

دری- مسأله نظر نیست.
نایب رئیس- آقای دری شما گزارشتان را شروع کنید.
دری- اجازه بفرمایید مسأله نظر شخصی نیست حتی پیشنهاد ایشان در یادداشتهای بنده هم بود صد درصد من مطمئن ندارم کدامیک تصویب شده اگر اشتباه ازمن هم هست بگوئید ازبنده است.

نایب رئیس- خوب دیگر تمام شد.
دری- بسم الله الرحمن الرحیم، گزارش از کمیسیون کار و امور اداری و استخدامی به مجلس شورای اسلامی.

لایحه بازسازی نیروی انسانی که در تاریخ ۱۳۹۴/۱۰/۲۱ با تقدیم مجلس شورای اسلامی و به کمیسیون مشترک کار و امور اداری و استخدامی ارجاع شد در جلسات متعدد این کمیسیون با حضور نمایندگان نخست وزیر و توجه به نظرات کمیسیونهای فرعی مورد بحث و بررسی و دقت قرار گرفت و با تغییرات و اصلاحاتی پس از تقریب ۳۰ جلسه تصویب و اینک برای تصویب نهائی گزارش آن ضمن ۲۰ ماده با ۱۷ تبصره تقدیم مجلس شورای اسلامی می گردد و السلام.

بسم الله الرحمن الرحیم، لایحه قانونی بازسازی نیروی انسانی وزارتخانه ها و موسسات دولتی و وابسته به دولت.
مقدمه. ان الله یامرکم ان تؤدوا الامانات الی اهلها و اذا حکمت بین الناس ان تحکموا بالعدل.

از آنجا که تداوم انقلاب اسلامی ایران جز با تغییرات بنیادی در تمام شؤون جامعه میسر نیست نتیجتاً انقلاب و دگرگونی در سیستم و بهره های اداری که یکی از مهم ترین ارکان سلطه رژیم طاغوت بوده اند ضرورتی اجتناب ناپذیر خواهد بود.

بدین منظور بازسازی نیروی انسانی ادارات و مؤسسات آموزشی و دیگر نهادها از وجود افرادی که بنحوی از انحاء در گذشته و حال مانع استقرار رشد و گسترش انقلاب اسلامی ایران بوده و هستند و نیز افرادی که صلاحیت اشتغال در سراز کز دولتی و وابسته به دولت رادر جمهوری اسلامی ندارند بعنوان مقدمه ای بر حیاتی برای دگرگونی و اسلامی شدن نظام اداری ضروری نظر می رسد. زیرا تغییر نظام با وجود عوامل و افرادی که از ارزشهای منطقی رژیم گذشته تغذیه میشوند. امری غیر ممکن و محال میباشد. و نیز با این هدف که وزارتخانه ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت و همچنین سراز آموزش همچون یک موجود زنده و سالم به فعالیت سازنده مشغول شود و کارکنان و کارمندان متعهد و مؤمن و معتقد به نظام جمهوری اسلامی که از شکل کنونی ادارات در رنجند ضمن آنکه بتوانند مسؤولیت و وظیفه انسانی و اجتماعی خود را انجام دهند مورد حمایت قرار گرفته و با احساس امنیت شغلی و امید و نشاط به رشد و تعالی خود محیط کار خود نیز بپردازند و بالاخره به منظور جلوگیری از هرگونه تشتت و بی نظمی در این امر

کمیسیونها و در تجدید سازمان کمیسیونها که این خودش یک تجربه ای هم خواهد بود زمانی که ما کل آئین نامه را به مجلس خواهیم آورد ان شاء الله این تجربه خواهد بود که در آن موقع نمایندگان وقتی میخواهند رایج به مواد اظهار نظر بکنند این قسمت از آئین نامه باز تجربه هم رویش شده آزمایش هم رویش انجام شده اگر چنین چیزی را سواقت بفرمایید ما تصمصم گرفتیم که این تعداد از مواد را بصورت طرح دولتی به مجلس بیاوریم ولی نه به آن صورت که یکی، یکی این مواد رویش بحث بشود پیشنهاد بشود مخالف و سواقی که خودش چند روز طول میکشد ما میخواهیم هم وقت مجلس گرفته نشود و هم این سواد که یقیناً بهتر از سواد فعلی آئین نامه هست جایگزین بشود و ما بتوانیم بصورت قانونی کمیسیونها را تجدید سازمان بدهیم اگر چنین چیزی مورد تایید شما نمایندگان باشد و تعهد باشد که اینطوری برخورد کنیم ما با مسأله، ما تقاضا کنیم بصورت طرح، بازده نفرضا کنند برای هفته آینده در اولین جلسه مطرح کنیم. (انصاری - مخالف) آقای شبستری قبلا نوبت گرفتند.

محمد مجتهد شبستری - بسم الله الرحمن الرحیم، آقای موسوی من میخواهم عرض کنم اینکه آئین نامه به چه کیفیت باید به تصمصب برسد در مجلس قانون برایش وضع شده یادتان هست که چندی قبل اینجا یک قانونی وضع شده که آئین نامه جدید به چه کیفیت بایستی بتصویب برسد حالا سواقت اینجوری آقایان آن قانون را لغو نکنند آن قانون به قوت خودش باقی است و اگر آقایان اینجا همینجوری موافقت کنند و خلاف آن قانون عمل بشود آن تصمصب خلاف قانون خواهد بود بنابراین تنها راه این است که چون قانون موجود دارد آن چند ماده مربوط به کمیسیونها را بصورت طرح دو فوریتی بیاورید به مجلس اما طبق همان قانونی که چندی پیش اینجا در کیفیت تصمصب آئین نامه تصمصب شد طبق آن چند ماده به تصمصب برسد. والا یک چیزی میشود که تصمصب آن ارزش قانونی ندارد.

نایب رئیس - بله خوب تذکر به لحاظ رعایت آئین نامه درست است ولی توجه بفرمایید که ما هدفمان این است که هم وقت از مجلس گرفته نشود و هم آن کاری که کمیسیون آئین نامه کرده الان به درد ما بخورد شما میفرمایید اشکال آئین نامه ای دارد خوب خود مجلس میتواند بگوید این مقدار از مواد آئین نامه از آن قانونی که در آئین نامه روش خاصی را بیان کرده مستثنی از آن باشد خود آقای شبستری قبلا در یک مورد دیگر همین پیشنهاد را میکردند که ما بگوئیم این آئین نامه جدید منهای آن ماده مربوط در آئین نامه که میگوید روش تصمصب آئین نامه چیست منهای آن تصمصب میکنیم این راه دارد یعنی مجلس میتواند در مورد آئین نامه خودش هرگونه تصمصب بگیرد فقط مسأله این است که دو سوم رای را میخواهد من تنها نظرم این است که ما اگر به این کیفیت عمل پیش برویم چه نتایجی خواهیم گرفت و آن زیانهای آئین نامه ای که احیاناً بعضی از سواد رعایت نمیشود آن چه مقدار است و خود مجلس هم در مورد آن میتواند تصمصب بگیرد حالا یک موافق هم صحبت کنند.

مجید انصاری - با عرض معذرت میخواستم یک اشکال آئین نامه بگویم اجازه بفرمایید من بعنوان مخالف با اصل مسأله صحبت کنم بعد موافق صحبت کند.

نایب رئیس - عرض شو که ادامه بحث در آئین نامه را میگذاریم برای یک وقت دیگر متأسفانه هنوز شورای نگهبان نرسیده ما تا رسیدن شورای نگهبان یک دقایق را تنفس میدهم و بعد ان شاء الله شروع میکنم.

(جلسه ساعت ۹/۱۵ بعنوان تنفس تعطیل و در ساعت ۱۰ صبح مجدداً تشکیل شد)

۷ - طرح لایحه قانونی بازسازی نیروی انسانی وزارتخانه ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت

نایب رئیس - لایحه بازسازی مطرح است مخبر کمیسیون کار و استخدامی تشریف بیاورند من قبلا هم اگر لازمه ای که از شورای نگهبان کردیم عذر خواهی میکنم چون اداره قوانین غفلت کرده بود که دیروز نامه کتبی را به شورای نگهبان برساند و دیر رسانده و لذا آقایان قصوری نداشتند آقای دری گزارش کمیسیون در مورد لایحه را مطرح بفرمایید.

دری (مخبر کمیسیون) - بسم الله الرحمن الرحیم، قبل از اینکه شروع کنم یکی دوتا اشتباه جایی هست عرض میکنم اصلاح بفرمایید یکی صفحه ۴ ماده

پاکسازی به "وابستگیان رژیم سابق" محدود نشده بلکه شمار بسیاری از مبارزانی را در بر گرفت که آینده متفاوتی را پس از پیروزی انقلاب انتظار داشتند. این دگرگونی موقعیت طیف وسیع انقلابیان دگراندیش نشان دهنده دگردیسی گفتمان قدرت بود. "دستورالعمل پاکسازی در واحدهای تولیدی-صنعتی-خدماتی و کشاورزی،" مصوب ۲۳ تیر ۱۳۵۹، جلوه‌ای از این دگرگونی شرایط و گفتمان قدرت بود: "از آنجا که دشمنان انقلاب اسلامی ایران از خارج ما را در محاصره اقتصادی گذارده‌اند و از داخل هم به کمک جیره‌خواران خود به عناوین مختلف دست به خرابکاری و ایجاد اغتشاش در واحدهای تولیدی زده‌اند و از آنجا که پیروزی انقلاب اسلامی ایران علیه سازش سران کفر با پیشبرد امر تولید و اسلامی شدن محیط کار رابطه نزدیک دارد، لذا پاکسازی اسلامی در واحدهای تولیدی، صنعتی، خدماتی و کشاورزی ضروری به نظر می‌رسد، لذا هرچه زودتر می‌بایستی به این امر مهم رسیدگی نموده تا محیط واحد تولیدی از توطئه‌های عوامل وابسته به جهان‌خواران غرب و شرق و رژیم سرنگون‌شده پهلوی تصفیه گردد."۹۴ با این منطق انقلابی هرآن‌کس که با "اسلامی‌کردن" موافق نبود وابسته به جهان‌خواران و "رژیم سرنگون شده" برشمرده شد.

با هدف بنیان‌گذاری حکومت اسلامی، به تدریج مفهوم معمارانه "بازسازی" جایگزین مفاهیم بهداشتی "تصفیه"، "پاکسازی" و "سالم‌سازی" شد.۹۵ این جایگزینی در "قانون بازسازی نیروی انسانی وزارت‌خانه‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت"، که در ۵ مهر ۱۳۶۰ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید، آشکار بود. در این قانون از جرائمی نام برده شد که بسیاری از آنها در شمار

"جرائم مربوط به بعد از انقلاب اسلامی" بودند، از جمله "عدم رعایت حجاب اسلامی" و "عضویت فرق ضاله". . . و یا عضویت در سازمان‌هایی که مرام‌نامه و اساس‌نامه آنها بر نفی ادیان الهی مبتنی باشد.۹۶ قربان‌علی دری نجف‌آبادی (ت. ۱۳۲۴) مخبر "کمسیون کار و امور اداری و استخدامی" درباره ضرورت تصویب این قانون که نخست در تاریخ ۲۱ بهمن ۱۳۵۹ به مجلس تقدیم شده بود گفت:

از آنجا که تداوم انقلاب اسلامی ایران جز با تغییرات بنیادی در تمام شئون جامعه میسر نیست نتیجتاً انقلاب و دگرگونی در سیستم و مهره‌های اداری که یکی از مهمترین ارکان سلطه رژیم طاغوت بوده‌اند ضرورتی اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. بدین منظور بازسازی نیروی انسانی ادارات و مؤسسات آموزشی و دیگر نهادها از وجود افرادی که بنحوی از انحاء در گذشته و حال مانع استقرار و رشد و گسترش انقلاب اسلامی ایران بوده و هستند و نیز افرادی که صلاحیت اشتغال در مراکز دولتی و وابسته به دولت را در جمهوری اسلامی ندارند بعنوان مقدمه‌ای بس حیاتی برای دگرگونی و اسلامی شدن نظام اداری ضروری به نظر می‌رسد.۹۷

در این قانون، برای نخستین بار از "بازسازی" بجای "پاکسازی" و "تصفیه" استفاده شده است. در هنگام بررسی این لایحه "که قبلاً به صورت پاکسازی مطرح شده بود [و] حالا بازسازی نیروی انسانی نام‌گذاری شده،"۹۸ نمایندگان مجلس، چون علی موحدی ساوجی (۱۳۲۲-۱۳۸۰)، "تصفیه و بازسازی و یا پاکسازی" را مترادف یکدیگر استفاده می‌کردند.۹۹ جایگزینی "پاکسازی" با "بازسازی" بر نگرشی استوار بود که

۹۴ در این خصوص همچنین بنگرید: شورای انقلاب جمهوری اسلامی، "دستورالعمل پاکسازی در واحدهای تولیدی-صنعتی-خدماتی و کشاورزی،" مصوب ۲۳ تیر ۱۳۵۹.

۹۵ حزب توده ایران در ۲۴ مهر ۱۳۵۸ "طرح اجمالی برای نوسازی ارتش" را عرضه کرد. در این طرح پیشنهادی، "در مرحله نخستین، ارتش باید از وابستگی آزاد و از عناصر ضد خلقی پاکسازی شود." (مردم، شماره ۶۷، ۲۴ مهر ۱۳۵۸)؛ همچنین بنگرید: طرح‌های پیشنهادی حزب توده ایران درباره دگرگونی و نوسازی جوانب گوناگون جامعه ایران [تهران: انتشارات حزب توده ایران، ۱۳۵۸، ۱۴-۲۱].

۹۶ "قانون بازسازی کارشناسان رسمی دادگستری" که در ۱۳ خرداد ۱۳۶۵ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید نمونه دیگری از به کارگیری عاملانه مفهوم مهندسانه "بازسازی" به جای مفهوم پزشکی "پاکسازی" بود. بنگرید: مجلس شورای اسلامی، "قانون بازسازی کارشناسان رسمی دادگستری،" مصوب ۲۴ خرداد ۱۳۶۵. ۹۷ مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره ۱، جلسه ۱۹۷، شماره ۱۰۷۹۸ (۲۲ مرداد ۱۳۶۰)، ۲۰.

۹۸ نقل از محمدعلی رجایی (۱۳۱۲-۱۳۶۰)، نخست وزیر وقت، در مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره ۱، جلسه ۹۷، شماره ۱۱۸۶۵ (۲۸ دی ۱۳۵۹)، ۳۱.

۹۹ نقل از علی موحدی ساوجی (۱۳۲۲-۱۳۸۰) در مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره ۱، جلسه ۱۹۷، شماره ۱۰۷۹۸ (۲۲ مرداد ۱۳۶۰)، ۲۲. ۱۰۰ نقل از مقدمه "قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران" که در ۲۴ آبان

۱۳۵۸ به تصویب مجلس بررسی نهایی قانون اساسی رسید.

۱۰۱ نقل از علی موحدی ساوجی در مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره ۱، جلسه ۱۹۷، شماره ۱۰۷۹۸ (۲۲ مرداد ۱۳۶۰)، ۲۲.

۱۰۲ تفسیرهای تک‌خردانه از "توحید" فراوانند. برای مثال، احمد حامد مقدم، در شرح نظام اسلامی نوشت: "با توجه به آنچه در مورد تعریف و خواص سیستم" گفته شد، درباره سیستم اسلامی باید گفت آنچه در تمامی عناصر این سیستم مشترک بوده و تمامی این عناصر و به بیان دیگر تمامی سیستم بر مبنای آن پایه‌ریزی شده و تشکیل یافته "توحید" است، یعنی عناصر تشکیل دهنده نظام اجتماعی اسلام هر کدام به عنوان یک خرده-سیستم و همچنین تمامی عناصر این خرده-سیستم‌ها به عنوان یک سیستم، همگی بر مبنای توحید استوار گشته است، نظام خانوادگی، نظام قشربندی اجتماعی، نظام اقتصادی، نظام سیاسی و بالاخره تمامی سیستم اسلامی بر مبنای توحید قرار دارد." بنگرید: احمد حامد مقدم، "طرح زیر بنا و پایه‌های اساسی جامعه اسلامی"، مشکو، شماره ۹ (زمستان ۱۳۶۴)، ۱۳۵-۱۵۲، نقل بر ۱۳۷-۱۳۸. ۱۰۳ محمدحسین بنی‌اسدی (م. شیرزاد)، توحید و تفکر سیستمیک (تهران:

جمهوری اسلامی را از آغاز "نظام الهی" و جانشین "نظام شاهنشاهی" و قانون اساسی جدید را "راهگشای تحکیم پایه‌های حکومت اسلامی و ارائه‌دهنده طرح نوین نظام حکومتی بر ویرانه‌های نظام طاغوتی" می‌دانست.^{۱۰} در این دیدگاه "سیستم اداری و کل نظام جمهوری اسلامی" سیستم یگانه، منسجم و تک‌خردی پنداشته می‌شد.^{۱۱} این انسجام و خرد یگانه بر میل و خیالی ایدئولوژیک و مکتبی تکیه داشت که آینده ایران را همچون طرح کنترل‌پذیر مهندسی و معماری می‌پنداشت. با این پیش‌فرض که منطق و خرد چندگانه نافی یگانگی خداست، "توحید" یگانه دستاویز مکتبی برای مونتاژ و عرضه سیستم‌های تک‌خرد به نام اسلام بود.^{۱۲}

اهمیت روزافزون بازسازی و نوسازی و بهسازی نشان از جایگاه ویژه مهندسان در بافت قدرت در سال‌های پس از انقلاب دارد. این جایگاه در شمار مهندسانی که به مقام وزارت رسیدند آشکار بود. در کنار مهدی بازرگان (۱۲۸۶-۱۳۷۳)، نخست‌وزیر موقت جمهوری اسلامی، یدالله سبحانی (۱۲۸۴-۱۳۸۱)، عباس امیرانتظام، مصطفی چمران ساوجب (۱۳۱۱-۱۳۶۰)، علی‌اکبر معین‌فر (ت. ۱۳۰۷)، مصطفی کتیرایی، عباس تاج، محسن یحوی (ت. ۱۳۲۱)، محمدحسین بنی‌اسدی از جمله وزیران و مشاوران مهندس بازرگان در نخستین کابینه جمهوری اسلامی بودند.^{۱۳} یدالله سبحانی-مهندس زمین‌شناسی-وزیر طرح‌ها و برنامه‌ها در دوره وزارت مهدی بازرگان بود. عبدالله جاسبی، که مهندس صنایع و مدیریت فنی بود، در دوره نخست وزیری محمدعلی رجایی (۱۳۱۲-۱۳۶۰) "معاونت نخست‌وزیر در امور طرح‌ها و برنامه‌ها" را

بر عهده داشت. با افزایش مشکلات ناشی از انقلاب و جنگ و تحریم اقتصادی، مهندسان در کابینه‌های دوران جنگ نقش مؤثرتری یافتند.^{۱۴}

با براندازی "نظام طاغوتی"، جهاد سازندگی از نخستین نهادهای مهندسی پس از انقلاب بود که برای سرعت بخشیدن به "یجاد نظام توحیدی" تشکیل شد.^{۱۵} جهاد سازندگی در اصل جایگزین سازمان‌ها و نهادهایی چون "سپاه ترویج و آبادانی" شد که پیش از انقلاب اسلامی برای پیشبرد "انقلاب سفید" در نوسازی و بهسازی روستاها کوشا بودند. با آغاز جنگ هشت ساله ایران و عراق، جهاد سازندگی در کنار پروژه‌های عمران روستایی در "مهندسی رزمی" نیز مشارکت داشت. با نظارت ستاد مرکزی بازسازی و نوسازی مناطق جنگ‌زده،^{۱۶} شرکت‌های مهندسی مشاور و پیمانکار وابسته به جهاد سازندگی از امکانات اعتباری بی‌نظیری برای کارآفرینی و استخدام مهندسان برخوردار شدند.

دو دوره ریاست‌جمهوری اکبر هاشمی رفسنجانی به علت اهمیت بازسازی و نوسازی در آن سال‌ها، همچون دوره پس از انقلاب سفید، "دوران سازندگی" نامیده شد.^{۱۷} مهندسان در کابینه‌های رفسنجانی، محمد خاتمی و محمود احمدی‌نژاد نقش مهم‌تری در بافت قدرت یافتند.^{۱۸} اغلب وزرای مهندس هم در نهادهای انقلابی و هم در شرکت‌های مشاور و پیمان‌کاری که در اجرای پروژه‌های بازسازی سهم بودند مشارکت داشتند. با آمیزش از خودگذشتگی مجاهدانه و کارآفرینی و کارفرمایی مهندسان، وزرای انقلابی و شرکت‌هایشان به اجرای بیش از ۴۸۰ لایحه و مصوبه‌ای پرداختند که

^{۱۰} روش و تشکیلات اجرایی بازسازی و نوسازی مناطق جنگ‌زده، مصوبه هیئت وزیران، ۲۲ اردیبهشت ۱۳۶۱.
^{۱۱} در این باره بنگرید: سیمای سازندگی، زیرساخت تمدن اسلامی ۱۴۰۰؛ روایتی از هشت سال سازندگی در دوران ریاست جمهوری آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، ۱۳۶۶-۱۳۶۸ (تهران: نشر کلید، ۱۳۷۶).
^{۱۲} از جمله وزرای مهندس کابینه نخست احمدی‌نژاد عبارت‌اند از: علیرضا علی‌احمدی (متالورژی)، حمید بهبهانی (عمران)، محمد سلیمانی (مخابرات)، پرویز کاظمی (صنایع)، عبدالرضا مصری (زمین‌شناسی)، علیرضا طهماسبی (مکانیک)، علی‌اکبر محرابیان (عمران)، داوود دانش‌جعفری (عمران)، محمدمهدی زاهدی (ریاضی)، محمدحسین صفارهرندی (راه و ساختمان)، محمود فرشیدی (شیمی)، مسعود میرکاظمی (صنایع)، صادق محصولی (عمران)، مصطفی محمدنجار (مکانیک)، محمدناظمی اردکانی (مخابرات)، محمد سعیدی‌کیا (راه و ساختمان)، حمدرضا اسکندری (مهندسی کشاورزی)، کاظم وزیری و همامه (مکانیک)، غلامحسین نوزری (نفث)، پرویز فتاح (عمران). در این کابینه تنها کامران باقری‌لنکرانی در پزشکی تخصص داشت. بجز چند نفری که در حقوق و مدیریت تخصص داشتند، منوچهر متکی تنها متخصص علوم اجتماعی و بین‌الملل بود در این کابینه بود.

کانون نشر حنیف، ۱۳۵۷.
^{۱۴} وزرای مهندس دوره جنگ در کابینه مهندس میرحسین موسوی عبارت بودند از: سید محمد غرضی (الکترونیک)، محمد تقی بانکی (عمران)، مصطفی هاشمی طباطبائی (نساجی)، مرتضی نبوی (فنی)، محمدهادی‌نژادحسینیان (راه و ساختمان)، محمد علی نجفی (ریاضی و علوم کامپیوتری)، کمال الدین یادآور نیک‌روش (برق)، شهاب‌گنابادی (راه و ساختمان)، حسن غفوری‌فرد (برق)، بهزاد نبوی (برق)، بیژن زنگنه (عمران)، سراج‌الدین کازرونی (۱۳۲۵-۱۳۸۴، معماری)، محمدسعیدی‌کیا (راه و ساختمان).
^{۱۵} اساس نامه طرح جهاد سازندگی روستاها، مصوب شورای وزیران در ۲۷ شهریور ۱۳۵۸. اهداف جهاد سازندگی شباهت بسیاری به سپاه ترویج و آبادانی داشت که "به منظور بالا بردن سطح زندگی و تأمین رفاه روستاییان و آشنا ساختن آنان به اصول جدید کشاورزی و طرق ازدیاد تولیدات زراعی و دامی و ارشاد و توسعه و بهبود و ترویج صنایع روستایی و راهنمایی در امور مربوط به آبادانی و نوسازی روستاها سپاه ترویج و آبادانی به ترتیب مقرر در این قانون تشکیل و سپاهیان مزبور برای اجرای مفاد این قانون در اختیار وزارت کشاورزی گذارده می‌شوند. وظائف سپاه ترویج و آبادانی به موجب آیین‌نامه‌های که از طرف وزارت‌خانه‌های کشاورزی و آبادانی و مسکن و اقتصاد تنظیم و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید تعیین می‌گردد." تصویب مجلس ۲۲ دی ۱۳۴۳.

از ۱۳۵۸ تا ۱۳۸۵ برای "بازسازی" مناطق زلزله زده و جنگ زده و کارخانه‌های نابسامان تأمین اعتبار شدند. چگونگی پیوستگی دولت و دولت‌مهندسان با نهادهای انقلابی و شرکت‌های مهندسی از پیامدهای ناشناخته شبکه‌های قدرت و دانش مهندسی در دهه‌های پس از انقلاب اسلامی است که موضوع بحث این نوشتار نیست. پیوند دولت‌مهندسان با دانشکده‌های فنی و مهندسی و نهادهای انقلابی و پیمانکار زمینه مادی چیرگی خرد و خیال مهندسی بر فرهنگ سیاسی و دینی را فراهم آورد. پیوند حوزه و دانشکده‌های فنی و مهندسی نیز به پیدایش شماری مجتهدس (مهندس مجتهد و مجتهد مهندس) و دکتر مجتهد انجامید که "حجت‌الاسلام مهندس" و "حجت‌الاسلام دکتر" نام دارند.^{۱۹} چگونگی آمیزش تخصصی دانش مهندسی و حوزوی و روند مجتهدسازی به بررسی مستقلی نیاز دارد.

۶. ولایت فقیه، جایگاه مهندسی نظام

جایگزینی تدریجی گفتمان پزشکی با مهندسی در سخنرانی‌های رهبر جمهوری اسلامی، علی خامنه‌ای (ت. ۱۳۱۸/۱۹۳۹)، آشکار است. پس از کسب مقام رهبری جمهوری اسلامی در خرداد ۱۳۶۸، ایشان به شکل روزافزونی به جای مفاهیم پزشکی و درمانی به مفاهیم مهندسی عمران و معماری چون "هندسه معیوب"،^{۱۱۰} "نقشه و هندسه کار"،^{۱۱۱} "هندسه انقلاب"،^{۱۱۲} "بنای حکومت"، و "بنای هندسه اقتصاد کشور"^{۱۱۳} روی آورد. پس از دوره کوتاه به کارگیری توأمان تعابیر پزشکی و مهندسی، خرد و خیال مهندسی شیرازه نگرش دینی، فرهنگی و سیاسی رهبر جمهوری اسلامی را فراهم آورد. مثلاً در دیداری با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی در ۱۹ آذر ۱۳۶۹ پس از ذکر آن که "نظام جمهوری اسلامی، از آغاز بر یک مبنای فرهنگی بنیان شد و رهبر و پدیدآورنده این نظام،

یک عنصر بیش از همه چیز فرهنگی بود و مسئولان این نظام هم در طول این مدت، تقریباً همیشه همین‌طور بوده‌اند،" از عیوب و نقایصی یاد کرد که نیاز به "خودنگری و بازنگری" دارند:^{۱۱۴} "باید عیوب را پیدا کنیم و آنها را درمان نماییم."^{۱۱۵} به همراهی با احمد خمینی، در دیدار ۱۴ دی ۱۳۶۹ با کارگزاران جمهوری اسلامی "از غفلت و بی‌هوشی" در "زمینه اداره فرهنگ اسلامی این جامعه" سخن گفت و تأکید کرد که "بایستی سریع و هشیارانه، آن را علاج کنیم."^{۱۱۶} در نشست دیگری با مسئولان وزارت فرهنگ و آموزش عالی در بهمن ۱۳۶۹ از انزوای تبلیغاتی آموزش عالی سخن گفت و اشاره کرد که "باید این را علاج کنید." در همین دیدار گفت: "باید روح تحقیق پارسایانه بی‌عوض را تزریق کنیم، تا برای تحقیق، دنبال پاداش نباشند، چون اصلاً تحقیق، پاداش واقعی ندارد. مثلاً اگر آدم بخواهد به پاستور، به خاطر کشف میکروب پول بدهد، به نظرتان چه قدر باید بدهد؟ آیا اصلاً می‌شود برای او پولی معین کرد؟ آیا قابل مقایسه است؟ بنابرین، امثال پاستور هم هیچ وقت برای پول تحقیق نکردند."^{۱۱۷} در این موارد رهبر نوپا، طیبانه در پی "تزریق"، "درمان" و "علاج" بیماری‌های فرهنگی بود.

عناصر نوعی گفتمان هندسی سیاسی در دیدار ۱ خرداد ۱۳۶۹ خامنه‌ای با اعضای ستاد برگزاری مراسم اولین سالگرد "ارتحال امام خمینی" آشکار شد. در آن سخنرانی، رهبر جدید جمهوری اسلامی پس از ذکر آنکه "امام واقعا ابعاد خیلی گوناگونی داشت و جامع‌الاطراف و جامع‌الجهات بود،"^{۱۱۸} در شرحی شبیه "نظریه ریسمان" (string theory) افزود:

اگر هر کدام از ما بخواهیم در هر کار و نوشته و گفته و سخنرانی‌بی و از جمله در این مراسم و در آینده نظام کوشش کنیم، باید بتوانیم مجموعه را کامل کنیم؛ چون هر کدام از ما در این مجموعه، یک قطره و یک

دی ۱۳۷۰، <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2546>

^{۱۱۰} علی خامنه‌ای، "سخنرانی در دیدار با روحانیون و مبلغان در آستانه ماه محرم"، ۲۰ تیر ۱۳۷۰، <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2472>

^{۱۱۱} علی خامنه‌ای، "دیدار خواهران و برادران بسیجی و سپاهی"، ۳۰ بهمن ۱۳۷۶، <http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=11402>

^{۱۱۲} علی خامنه‌ای، "بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مردم مشهد و زائران حضرت علی بن موسی الرضا (ع) در صحن حضرت امام خمینی"، ۱ فروردین ۱۳۷۸، <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2936>

^{۱۱۳} علی خامنه‌ای، "بیانات در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی"، ۱۹ آذر ۱۳۶۹، <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2391>

^{۱۱۴} علی خامنه‌ای، "سخنرانی در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، به همراه حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سید احمد خمینی، ۱۴ دی ۱۳۶۹،

^{۱۱۵} برخی از دانش‌آموختگان حوزه و رشته‌های مهندسی عبارت‌اند از حجت‌الاسلام مهندس قدسی‌پور، حجت‌الاسلام مهندس سید رفیع موسوی چالوسی، حجت‌الاسلام مهندس محسن عباس‌نژاد، حجت‌الاسلام مهندس احمد منتظری، حجت‌الاسلام مهندس حاج احمد احمدی، حجت‌الاسلام مهندس میرمحمدیان، حجت‌الاسلام مهندس محمدهادی مفتاح، حجت‌الاسلام مهدی نجاریان، حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر ترابی، حجت‌الاسلام مهندس دکتر ذوقی، حجت‌الاسلام مهندس ابراهیم فیاضی، حجت‌الاسلام مهندس عبدالحمید آکوچکیان، حجت‌الاسلام مهندس شیخ حسن طارمی، حجت‌الاسلام سید محمد نجاتی، حجت‌الاسلام مهندس سید مجتبی حسینی، حجت‌الاسلام مهندس مجتبی همدانی، و حجت‌الاسلام مهندس مغربی. البته شماری از مجتهدسنان چون معمم نیستند، "حجت‌الاسلام" خوانده نمی‌شوند.

^{۱۱۶} علی خامنه‌ای، "بیانات در جمع اعضای شورای اداری استان بوشهر"، ۱۲

جزء به حساب می‌آییم. مجموعه‌ی ما، شکل هندسی پیچیده‌یی با هزاران خط موازی و عمود بر هم و متمایل با هم را تشکیل می‌دهد. هرکدام از ما، یکی از این خطوطیم. من یک خطم، شما یک خطید، دیگران یک خطند. مجموع ما باید بتواند آن شکل هندسی را به طور کامل حفظ کند؛ عمده این است. در تمام این جهات، باید آن کمال و تمام امام و آن حالت جمعی او، مورد توجه قرار بگیرد.^{۱۱۸}

در همان سال، در دیدار با اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی و مسئولان ستاد برگزاری دهه فجر در ۱۱ دی ۱۳۶۹، از «هندسه معیوب» نظام پیش از انقلاب یاد کرد و گفت: «دهه فجر آمد و این سلسله غلط، این هندسه معیوب و این رشته بیمار را قطع کرد و تمام شد. ایشان پس از یادکردن از روح‌الله خمینی به عنوان «مظهر قدرت مردم» نتیجه گرفت که «این بنای حکومت جمهوری اسلامی است. این برکات، این انتقال مهم و این تغییر خط، در نقطه دهه فجر انجام گرفته است. این لحظه تاریخی، لحظه مهمی است.»^{۱۱۹} در نشست دیگری در ۱۲ دی ۱۳۷۰ با اعضای شورای اداری استان بوشهر از «هندسه معیوب» نظام‌های «باطل و فاسد» یاد کرد.^{۱۲۰} اگرچه ایشان در اینجا و در مواردی دیگر همچنان از «رشته بیمار» و دیگر مفاهیم پزشکی یاد کرده است، اما تعبیری چون «هندسه معیوب» «بنای حکومت» و «تغییر خط» بیانگر گفتمانی مجتهدسانه است که مفاهیم اسلامی را بر شیرازه‌ی هندسی و مهندسی استوار ساخته است.

در همین روند مهندسانه‌اندیشی، در نماز جمعه ۹ مهر ۱۳۷۸، خامنه‌ای به «کاوش» شخصیت خمینی از «یک برش دیگر» و «از یک دیدگاه دیگر» پرداخت. پس از ذکر «حالت عارضی» که ایران پیش از انقلاب داشت، ایشان نقش خمینی را در روایتی معمارانه چنین ذکر کرد:

حالا امام می‌خواهد این جامعه را به شکل مطلوب و آرمانی بسازد؛ چه کار باید بکند؟ ببینید چقدر این مهم است؛ شوخی نیست. شما مثلاً به نقطه‌ای رفته‌اید که مصالح هست، امکانات هست، فضا هست، اما ساختمان ویرانه و درهم ریخته است؛ می‌خواهید از این مصالح و از این فضا، یک بنای شامخ و با عظمت و ماندگار درست کنید؛ هر مهندسی نمی‌تواند این کار را بکند. این جاست که آن هویت و شخصیت عظیم، خودش را نشان می‌دهد. امام به این ملت و به این کشور و به این صحنه و به این مصالح نگاه کرد. او اسلام را می‌شناخت، آرمان‌های اسلامی و احکام اسلامی را هم می‌دانست و می‌خواست با مصالح اسلامی و به دست این مردم، بنای شامخ یک حکومت عظیم، مستقل، سربلند، خوشبخت‌کننده، پیش‌رونده و جبران‌کننده ضعف‌های گذشته را به‌وجود آورد.^{۱۲۱}

خامنه‌ای در پاسخ به پرسش یکی از دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر در اسفند ۱۳۷۹ در باره «دعاهای انقلاب» از همین «برش» و «دیدگاه» معمارانه توجه را به چگونگی ساختن «نظام» جلب کرد:

به طور پیوسته و دائم بایستی مهندسی و معماری کرد و مراقب بود که هیچ نقطه‌ای از این بنا برخلاف جهت صحیح ساخته نشود. البته ممکن است گاهی اختلاف نظر و کمبود مصالح و کمبود نیروی کار پیش بیاید و دشمن این بنا را به منجیق ببندد و گوشه‌ای از آن را ویران کند. گاهی ممکن است فلان بنا یا عمله، در گوشه‌ی این بنا، کاری را نادرست انجام دهد، که باید رفت و آن را ترمیم کرد. گاهی ممکن است در کسانی که خودشان معمار و سازنده‌ی بنا هستند، ضعف‌ها و تنبلی‌هایی وجود داشته باشد. همه‌اش هم اینطور نیست که بگوییم ضعف‌ها تحمیلی و از ناحیه دیگران است. بنابراین در این راه، مشکلات فراوانی وجود دارد. کمبود مصالح، رفیق نیمه‌راه و آدم‌های طماع و قدرت‌طلب، بخشی از این مشکلات است. ما باید این نظام را بسازیم و ذره ذره و قدم به قدم پیش برویم.^{۱۲۲}

معیوب آن نظام، موجب محرومیت آن نقطه می‌شود؛ یعنی در نظام‌های باطل و فاسد، هرکسی یا هر دستگاهی که به مرکز قدرت نزدیک‌تر است، بهره‌مندتر است؛ و هر دستگاهی که از مرکز قدرت دورتر است، به‌طور عادی محروم‌تر است؛ مگر این که بتواند با چنگ و دندان خودش را به‌نجوی سرپا نگهدارد! این یک هندس معیوبی است که همیشه در نظام‌های باطل وجود داشته است و در ایران پادشاهی هم این معنا وجود داشت. «بیانات در جمع اعضای شورای اداری استان بوشهر، ۱۲ دی ۱۳۷۰، <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2546>»^{۱۲۱} خامنه‌ای، «بیانات مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۹ مهر ۱۳۷۸، <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2974>»

^{۱۲۲} خامنه‌ای، «بیانات در جلسه پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ۲۲ اسفند ۱۳۷۹، <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=7585>

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2390>

^{۱۱۶} علی خامنه‌ای، «بیانات در دیدار با وزیر و مسئولان وزارت فرهنگ و آموزش عالی و چند تن از رؤسای دانشگاه‌های کشور»، ۴ بهمن ۱۳۶۹، <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2398>

^{۱۱۷} خامنه‌ای، «بیانات در دیدار اعضای ستاد برگزاری مراسم اولین سالگرد ارتحال امام خمینی(ره)»، ۱ خرداد ۱۳۶۹، <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2311>

^{۱۱۸} علی خامنه‌ای، «بیانات در دیدار اعضای ستاد برگزاری مراسم اولین سالگرد ارتحال امام»، <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2401>

^{۱۱۹} علی خامنه‌ای، «بیانات در دیدار با اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی و مسئولان ستاد برگزاری دهه فجر»، ۱۱ دی ۱۳۶۹، <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2401>

^{۱۲۰} «شما به مردم محروم خدمت می‌کنید... در نظام‌های باطل و فاسد، هر نقطه‌ای که از مرکز دور باشد چه مرکز سیاسی، چه مرکز انسانی-هندسه

از همین منظر معمارانه در شرح "شخصیت امام" در خرداد ۱۳۸۰ گفت: "امام در ساخت و مهندسی نظام جمهوری اسلامی، همه عناصر و اجزایی را که می‌توانست این نظام را استوار و ماندگار کند مورد ملاحظه قرار داد و با مهارت تمام این عناصر اصلی را در درون این بنای شامخ و مستحکم کار گذاشت." در این روایت و گفتمان مهندسانه، شخصیت خمینی با الهیاتی همساز شد که "خدا" را نیز "مهندس بی نظیر و غیرقابل توصیف" [۱۳۳] می‌پنداشت که "در بنای جهان و مهندسی عظیم عالم وجود" همه‌کاره بود.^{۱۲۴}

با چیرگی آرام گفتمان و الهیات مهندسانه بر تمامی گستره‌های زندگی حکومتی، رهبر جمهوری اسلامی در خرداد ۱۳۸۳ تعبیر جدیدی را از نهاد "ولایت فقیه" عرضه کرد: "ولایت فقیه، جایگاه مهندسی نظام و حفظ خط و جهت نظام و جلوگیری از انحراف به چپ و راست است؛ این اساسی‌ترین و محوری‌ترین مفهوم و معنای ولایت فقیه است."^{۱۲۵} ایشان در شرح این نگرش مهندسانه به "ولایت فقیه" افزود:

بنابراین ولایت فقیه نه یک امر نمادین و تشریفاتی محض و احياناً نصیحت‌کننده است، آن‌طوری که بعضی از اول

انقلاب این را می‌خواستند و ترویج می‌کردند، نه نقش حاکمیت اجرایی در ارکان حکومت دارد؛ چون کشور مسئولان اجرایی، قضایی و تقنینی دارد و همه باید بر اساس مسئولیت خود کارهای‌شان را انجام دهند و پاسخ‌گوی مسئولیت‌های خود باشند. نقش ولایت فقیه این است که در این مجموعه پیچیده و درهم تنیده تلاش‌های گوناگون نباید حرکت نظام، انحراف از هدف‌ها و ارزش‌ها باشد؛ نباید به چپ و راست انحراف پیدا شود. پاسداری و دیده‌بانی حرکت کلی نظام به سمت هدف‌های آرمانی و عالی‌اش، مهم‌ترین و اساسی‌ترین نقش ولایت فقیه است.^{۱۲۶}

اگرچه جنبش اسلامی با هدف حفظ و نگهداری فرهنگ اصیل و فطرت اسلامی به عرصه مبارزات سیاسی وارد شد، در گفتمان مهندسانه حکومتی "دین" و "فرهنگ" ابزار و مصالحی "برای ساختن انسان باب اسلام و انقلاب"^{۱۲۷} و "انسان باب هدف‌های جمهوری اسلامی" قلمداد شدند.^{۱۲۸} همان‌گونه که ولایت فقیه بعنوان "جایگاه مهندسی نظام" رویگردانی از مفاهیم عرفانی و باطنی "ولایت" بود، "روحانیت"، "مجتهد"، "اجتهاد"، "مرجع تقلید"، و "حوزه" نیز با دگرگونی‌هایی سنت‌شکن از نهادهایی خودمختار و

مهدی آصفی، علی عابدی شاهرودی، "کیهان اندیشه، شماره ۲۲ (بهمن - اسفند ۱۳۶۷)، ۵-۳۲؛ علی حجتی کرمانی، "لزوم بازنگری در فقه،" کیهان اندیشه، شماره ۲۴ (خرداد-تیر ۱۳۶۸)، ۴۱-۶. ۱.

^{۱۲۳} عبدالکریم سروش، "بسط و قبض تنویرک شریعت"، کیهان فرهنگی، شماره ۵۰ (اردیبهشت ۱۳۶۷)، ۱۲-۱۸؛ همو، "بسط و قبض تنویرک شریعت (۲): نظریه تکامل معرفت دینی"، کیهان فرهنگی، شماره ۵۲ (تیر ۱۳۶۷)، ۱۲-۱۸؛ همو، "قبض و بست تنویرک شریعت (۳): نظریه تکامل معرفت دینی"، سال ۵، شماره ۱۲ (۱)، ۱۱-۵؛

^{۱۲۴} عبدالکریم سروش در این باب نوشت: "فهم و معرفت در هر عصری هندسه‌ای دارد و فهم دینی هم همیشه عصری است. ... نمی‌گوییم وحی که بر پیامبران می‌آید به دست بشر تکمیل می‌شود، می‌گوییم فهم بشر از مفاد وحی کمال می‌پذیرد. ... مدعی بزرگ ما نیز همین است که سرّ عوض شدن معرفت دینی (عوض شدنی که یک واقعیت است و تفسیر می‌طلبد) جز این نیست که آگاهی تازه‌ای، از اعم مثبت یا مبطل یا بی طرف، که در جای دیگر حاصل می‌شود، آگاهی‌های پیشین را به حال خود نمی‌گذارد، و اگر آنها را نشکند و بر نیندازد، باری هندسه آنها رو عوض می‌کند و چهره دیگری به آنها می‌بخشد و طبقه و مقوله آنها را دگرگون می‌سازد و رنگ تازه‌ای به آنها می‌زند." ۱۷۸، ۲۰۳، ۲۱۲.

^{۱۲۵} "من این بیش را که معتقد است تمام تدبیرات و اطلاعات و قواعد لازم و کافی برای اقتصاد، حکومت، تجارت، قانون، اخلاق، خدانشناسی و غیره برای هر نوع ذهن و زندگی اعم از ساده و پیچیده، در شرع وارد شده است و لذا مومنان به هیچ منبع دیگری (برای سعادت دنیا و آخرت) غیر از دین نیاز ندارند، بیش اکثری" یا "انتظار اکثری" می‌نامم. در مقابل این بیش، "بیش اقلی" یا "انتظار اقلی" قرار دارد که معتقد است شرع در این موارد (یعنی در مواردی که داخل در دایره رسالت شرع است) حداقل لازم را به ما آموخته است نه بیش از آن را." بنگرید: عبدالکریم سروش، بسط تجربه نبوی (تهران: موسسه فرهنگی صراط، ۱۳۷۸)، ۸۴. در نقد نظریه اقلی، بنگرید: ولی‌الله عباسی، "نقد مبانی نظریه دین حداقلی"، رواق اندیشه، شماره ۳۲ (مرداد ۱۳۸۳)، ۱۰۱-۱۱۸؛ حسن

^{۱۲۳} علی خامنه‌ای، "بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران"، ۱۲ دی ۱۳۷۹، <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3039>

^{۱۲۴} علی خامنه‌ای، "بیانات مقام معظم رهبری در دیدار گروه کثیری از جوانان استان اردبیل"، ۵ مرداد ۱۳۷۹، <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3018>

^{۱۲۵} علی خامنه‌ای، "بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در مراسم پانزدهمین سالگرد ارتحال امام خمینی (ره)"، ۱۴ خرداد ۱۳۸۰، <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3233>

^{۱۲۶} خامنه‌ای، "بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در مراسم پانزدهمین سالگرد ارتحال."

^{۱۲۷} "بیانات در دیدار با اعضای گروه تاریخ، صدای جمهوری اسلامی ایران"، ۸ بهمن ۱۳۷۰، <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2566>

^{۱۲۸} علی خامنه‌ای، "بیانات در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، به مناسبت هفتمین سالگرد تشکیل این شورا"، ۲۰ آذر ۱۳۷۰، <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2531>

^{۱۲۹} به نقل از علی سروش کیا، "ملاحظات پیرامون مسئله تهاجم فرهنگی"، کیهان، سال ۲، شماره ۶ (خرداد ۱۳۷۱)، ۲۴-۲۸، نقل بر ۲۵.

^{۱۳۰} در این باره بنگرید: مصطفی میرسلیم، جریان‌شناسی فرهنگی بعد از انقلاب اسلامی ایران، ۱۳۵۷-۱۳۸۰ (تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران، انتشارات باز، ۱۳۸۹)؛ معصومه راهداری، "نقدی بر جریان‌شناسی فرهنگی بعد از انقلاب"، پگاه حوزه، شماره ۲۵۰ (اسفند ۱۳۸۷).

^{۱۳۱} مصطفی رخ‌صفت، "هجوم، حادثه، ریشه‌ها"، کیهان اندیشه، شماره ۷۵ (خرداد ۱۳۶۹)، ۱-۲؛ نقل بر

^{۱۳۲} ن. م، "فقه سنتی و غیر سنتی"، مکتب اسلام، سال ۲۷، شماره ۳ (مرداد ۱۳۶۶)، ۱۶-۱۸؛ ن. م، "فقه سنتی و فقه پویا یا فقه اصلی و فقه التقاطی"، مکتب اسلام، سال ۲۷، شماره ۴ (شهریور ۱۳۶۶)، ۱۷-۱۹؛ "نقد متدهای فقهی و آموزشی حوزه: یوسف صانعی، محمد ابراهیم جناتی، محمد

دولت پرهیز به نهادهایی دولتی و حکومتی تبدیل شدند. در این روند دگر دیسی، مفاهیم تاریخی 'اجتهاد' و 'مرجعیت' نیز از مجتهدان و مراجع تقلید به نهادهای ولایت فقیه و رهبری، 'مجلس خبرگان رهبری' و 'مجمع تشخیص مصلحت نظام' منتقل شدند. در این روند، حوزه‌های علمیه از نهادی دینی-مدنی به مدارس عالی آموزش مسلکی و مدیریت دولتی تبدیل شدند.

۷. تنازع علوم و خرد ابزاری

پس از ناکامی انقلاب فرهنگی، مهندسی فرهنگی پیامد چاره‌جویی جدیدی برای مقابله با پدیده‌هایی بود که با ارزش‌های دین‌سالار و حکومت دینی ناسازگار شناخته شدند. با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت در تیر ۱۳۶۷، پایان جنگ هشت ساله ایران و عراق (شهریور ۱۳۵۹-مرداد ۱۳۶۷) و کشتار زندانیان دگراندیش در تابستان ۱۳۶۷، جمهوری اسلامی با 'تزیق اندکی فضای شاد' و 'ممکن‌تر شدن طرح آزادانه آراء و عقاید' دوره گشایش اقتصادی و سیاسی را آغاز کرد. دگرگونی‌های پرشتاب دوره گشایش و گسترش جامعه مدنی شکوفایی جریان‌ها و نگرش‌های فکری و فرهنگی بدیعی به همراه داشت که در سال‌های

انقلاب و جنگ شکل گرفته بودند.^{۱۳۰} در خرداد ۱۳۶۹، مصطفی رخ‌صفت، سردبیر کیهان فرهنگی روایت کرد که 'تغییرات عمیق و بنیادی در فضا و جو کشور' شامل 'برگزاری نمایشگاه‌ها و تب و تاب بازار کتاب، رونق گالری‌ها و نمایشگاه‌های عکس و هنرهای تجسمی، و یا برگزاری سمینارها و کنگره‌ها و جشنواره‌های فیلم و تئاتر و موسیقی... [و] میزان درگیری‌های فکری و مناقشات و مباحثات ادبی-هنری'^{۱۳۱} بود. این فعالیت‌ها و کوشش‌های فرامکتبی که به کیاست چهره‌های شاخص دهه اول انقلاب تبلور یافته بود، بازنگری اسلام انقلابی و ایدئولوژیک و فقه‌مدار را به همراه داشت. 'فقه پویا و سستی'^{۱۳۲} 'بسط و قبض' تئوریک شریعت^{۱۳۳} 'تفکیک دین از معرفت دینی،'^{۱۳۴} 'دین حداقلی،'^{۱۳۵} 'هدف بعثت انبیا،'^{۱۳۶} 'ولایت و وکالت،'^{۱۳۷} 'پلورالیسم دینی،'^{۱۳۸} 'سکولاریزم' و 'قمنیسم اسلامی'^{۱۳۹} از جمله مباحث جلد‌های پویای محفلی و مطبوعاتی دهه پس از جنگ بودند. این بازنگری‌ها، که غالباً بر روش‌شناسی علوم انسانی و اجتماعی استوار بودند و به روند دگرگونی تاریخی فهم و دانش دینی توجه داشتند، با مخالفت سرسختانه مدافعان اسلام تک‌خطی روبرو شدند.^{۱۴۰} در ادامه چنین هم‌آوردی بود

رحیم پورازغدی، 'دین در حاشیه' و دین در 'صحنه'؟! کتاب نقد، سال ۱، شماره ۳-۲ (بهار و تابستان ۱۳۷۶)، ۱۲۱-۲۱۶؛ 'فهم حداقلی از دین، سامان دهی حداکثری ممکن نیست'، بازتاب اندیشه، شماره ۲۱ (آذر ۱۳۸۰)، ۷۹-۸۰؛ علی ربانی گلپایگانی، 'نقد نظریه حداقلی در قلمرو فقه اسلامی'، قیسات، شماره ۲۸ (تابستان ۱۳۸۲)، ۴-۱۸.
^{۱۳۰} مهدی بازرگان، 'آخرت و خدا هدف بعثت انبیا'، کبان، سال ۵، شماره ۲۸ (آذر-بهمن ۱۳۷۴)، ۴۶-۶۱. این مقاله متن خلاصه شده سخنرانی مهدی بازرگان (۱۳۸۶-۱۳۷۳)، 'آخرت و خدا تنها برنامه بعثت انبیا،' در ۱ بهمن ۱۳۷۱ بمناسبت 'جشن مبعث انجمن اسلامی مهندسین' می‌باشد. برای متن بازنگری شده و نهایی این سخنرانی به همراه نقد و نظر 'عده‌ای از صاحب نظران' بنگرید: مهدی بازرگان، 'آخرت و خدا هدف رسالت انبیا' (تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۷).
^{۱۳۱} عبدالله جاسبی و ابوتراب علی رضایی، 'دو نظریه عمده در زمینه ولایت فقیه'، مطالعات مدیریت، شماره ۱۹/۱۸ (بهار و تابستان ۱۳۷۴)، ۲۶-۱؛ عبدالله جوادی آملی، 'سیری در مبانی ولایت فقیه'، حکومت اسلامی، شماره ۱ (پاییز ۱۳۷۵)، ۵۰-۸۰؛ مهدی حائری یزدی، 'نقد و نظر نقادی بر مقاله 'سیری در مبانی ولایت فقیه' حکومت اسلامی، شماره ۲ (زمستان ۱۳۷۵)، ۲۲۳-۲۳۳؛ محسن کدیور، حکومت ولایتی (تهران: نشر نی، ۱۳۷۷)؛ محسن کدیور، دغدغه‌های حکومت دینی (تهران: نشر نی، ۱۳۷۹).

^{۱۳۲} عبدالکریم سروش، 'معنا و مبنای سکولاریزم'، کبان، سال ۵، شماره ۲۶ (مرداد و شهریور ۱۳۷۳)، ۴-۱۳؛ مراد فرهادپور، 'نگاتی پیرامون سکولاریزم'، کبان، سال ۵، شماره ۲۶ (مرداد و شهریور ۱۳۷۳)، ۱۴-۲۱؛ حسین کچویان، 'اسلام، تشیع و فرایند عرفی شدن'، کبان، سال ۵، شماره ۲۶ (مرداد و شهریور ۱۳۷۳)، ۴۰-۴۵؛ همایون همتی، 'ناکامی در تبیین معنا و مبنای سکولاریزم'، کتاب نقد، شماره ۱ (زمستان ۱۳۷۵)، ۱۹۵-۲۲۳.

^{۱۳۳} پیام هاجر (۱۳۶۱)، زنان (۱۳۷۰) و فرزانه (۱۳۷۲) از جمله نشریاتی بودند که برابری زن و مرد را با آیات قرآنی و احادیث تطبیق می‌دادند.

صاحب امتیازان و مدیران مسئول این نشریات به ترتیب اعظم علانی طالقانی، شهاب شرکت، و معصومه ابتکار بودند.
^{۱۴۰} از جمله بنگرید: محمدصادق لاریجانی، 'نقدی بر مقاله 'بسط و قبض' تئوریک شریعت'، کیهان فرهنگی، شماره ۵۵ (مهر ۱۳۶۷)، ۹-۱۴؛ محمدصادق لاریجانی، 'نقد نقد، عیار نقد'، کیهان فرهنگی، سال ۶، شماره ۱ (اردیبهشت ۱۳۶۸)، ۱۲-۲۶؛ جعفر سبحانی تبریزی، 'تحلیلی از: بسط و قبض تئوریک شریعت یا نظریه تکامل معرفت دینی'، کیهان فرهنگی، شماره ۵۷ (آذر ۱۳۶۷)، ۱۰-۱۵؛ ناصر مکارم شیرازی، 'فقه و معارف اسلامی در کشاکش افراط و تفریط‌ها'، کیهان فرهنگی، شماره ۵۹ (بهمن ۱۳۶۷)، ۷-۸؛ در 'نقدی بر مقاله 'بسط و قبض' لاریجانی نتیجه گرفت: "به گمان ما لازمه کلمات نویسنده مقاله جز شکایت تمام‌عیار در همه معارف و من جمله معارف دینی هیچ نیست، اگر چه وی از این تعبیر جدا احتراز نموده است... نویسنده مقاله در این مطلب تبعیت تام از نظریات کارل پوپر نموده است که بر مطلعین کلام وی مخفی نخواهد ماند، و لکن شکایت تمام عیار نه فقط با آنچه که از مجموع آیات قرآنی و روایات کثیره در باب ایمان و اعتقادات مؤمن استفاده می‌شود منافات صریح دارد، از نظر فلسفی نیز بازاری بسیار کساد دارد که اینک در مباحث شناخت منفع است (من جمله به اصول فلسفه و روش رئالیسم مرحوم طباطبایی مراجعه شود). و عجب این است که نویسنده مقاله با این شکایت و در تحول دائم دانستن همه معارف باز هم ندای کامل در معارف دینی و غیره سر می‌دهد و قائل می‌شود که هر روز معرفتی نو برای بشر حاصل می‌شود که اینک معارف دینی جدیدی مکشوف می‌شوند. از ایشان باید پرسید اگر همه چیز در تحول است با چه معیاری معتقد شده‌اید که فهم دینی و سایر معارف به طور کلی در تکامل است. و از کجا دریافته‌اید که به حقیقت نزدیک می‌شوید و از آن دور نمی‌گردید.' (نقل بر ۱۳) در نقد 'نقدی بر مقاله 'بسط و قبض' بنگرید: حمید نیری، 'قبض اندیشه و ادعای خلوص شریعت'، کیهان فرهنگی، شماره ۵۷ (آذر ۱۳۶۷)، ۱۶-۲۰؛ در 'قبض اندیشه' نیری هشدار داد: 'نقدی سخنان آقای لاریجانی در این مقام از آن جهت حائز اهمیت است که نمایانگر یک گرایش ذهنی استقرار یافته و کاملاً نهادی شده است. گرایشی

که "دفتر مرکزی نمایندگان رهبری در دانشگاه‌ها" در پیانه‌ای به مناسبت سالروز وحدت حوزه و دانشگاه در ۲۷ دی ۱۳۷۰ "ترویج افکاری را که می‌کوشند دین را تابعی از متغیر دیگر دانش‌های بشری معرفی کنند، خطرناک و به معنای نفی حکومت دینی و اسلامی" معرفی کرد.^{۱۴۱} مهندسی فرهنگی کوششی حکومتی برای رویارویی با خطرهایی این گونه بود که دانش و "حکومت دینی و اسلامی" را براساس معیارهای زمانمند و مکانمند علوم انسانی و اجتماعی می‌سنجید. برخلاف علمی که به روند تاریخی و ارتباط تنگاتنگ دانش دینی با هنجارهای متغیر علمی و اجتماعی و سیاسی توجه داشت، مهندسی فرهنگی با به کارگیری "عقلانیت فنی" در پی "هدایت اعمال اختیاری انسان" بود.^{۱۴۲} در چنین تنازع بومی علوم، علوم انسانی غربی و عقلانیت اسلامی "از لحاظ ساختار شبیه عقلانیت فنی"^{۱۴۳} فرض شد. علوم انسانی با شکاکیت و انکارگرایی، نسبت ادراکات با الحاد همدم و علوم فنی و مهندسی و مدیتریتی با "محکمتات"، "اصول مسلمة"، "مسایل یقینی" و "جاودانگی قوانین و تعالیم اسلام" همساز شناخته شدند.

۸. تهاجم فرهنگی و مهندسی فرهنگی

اگر چه "تهاجم فرهنگی" در آغاز برای نقد "غربزدگی" و "تحقیر فرهنگ سنتی" در دوره پهلوی به کار گرفته شده بود،^{۱۴۴} در سال‌های پس از انقلاب به شکل روزافزون برجسیبی برای دسته‌بندی پدیده‌های ناسازگار با ارزش‌های حکومتی شد.^{۱۴۵} مثلاً رئیس‌جمهور علی خامنه‌ای طی پیامی در ۱۳۶۲ هشدار داد که "امروز شیطان بزرگ و دیگر شاخه‌های درخت پلید استکبار هماهنگ با رویارویی مستقیم... خود با انقلاب اسلامی ما دست به یک تلاش وسیع فرهنگی نیز زده‌اند، این تلاش برنامه‌ریزی شده که از ابزارهای و شیوه‌های هنری نیز مدد می‌گیرد، ادامه تهاجم دیرین فرهنگی و اخلاقی گذشته است."^{۱۴۶} در مقابله با این "تهاجم دیرین فرهنگی"، که در برداشت ایشان در سال‌های پیش از انقلاب آغاز شده بود، نوید داد که "امروز شاعران و هنرمندان متعهد از ذوق و مهارت هنری سنگری در برابر تهاجم فرهنگی گسترده جبهه دشمن ساخته و با خلق آثاری که در آن انگیزه و ایمان و صداقت و اخلاص موج می‌زند به شالوده‌ریزی هنر مستقل انقلابی و اسلامی پرداخته است."^{۱۴۷} اما با رویکرد فرامکتبی نویسندگان و هنرمندان در دهه‌های دوم و سوم انقلاب، نگرانی‌ها و هشدارهای امنیتی به شکل روزافزونی جایگزین نوید چیرگی ارزش‌های دینی شد. آنچه به این نگرانی‌ها افزود، گرایش‌های "پادفرهنگی"^{۱۴۸} "تهال‌های انقلاب" و آموختگان "انقلاب فرهنگی" بود که برخلاف جوانان

که باعث می‌شود تا هر سخنی را که از آن رایحه سنت‌شکنی استشمام می‌شود از مقوله بدعت و کفر و الحاد خوانده و کوششی را که جهت گشودن افق‌های تازه ناچار است خطر کرده و یک گام از پیشینیان فراتر رود، تحت این عنوان که ممکن است خطا کند تخطئه و تکفیر نمایند.^{۱۴۹} همچنین بنگرید: محمود نفیسی، "تأییداتی بر مقاله قبض و بسط تئوریک شریعت"، کیهان فرهنگی، شماره ۵۷ (آذر ۱۳۳۷)، ۲۱-۲۵. در پایان تأییداتی بر مقاله قبض، "نفیسی نتیجه گرفت: "واقعیت اجتماعی جامعه ما این است که این آقایان علاوه بر اینکه نظر فقهی‌شان بریده از واقعیت‌های موجود جامعه است و گریه از گره‌های کور رفتار مردم را باز نمی‌کند، با تمام همت و تلاش و تبلیغ می‌خواهند بگویند اسلام همین است که ما می‌فهمیم، دین خدا همین است که ما می‌گوییم" (نقل بر ۲۵)

^{۱۴۱} نقل از معصومه راهداری، "تقدیر بر جریان شناسی فرهنگی بعد از انقلاب"، پگاه حوزه، شماره ۲۵۰ (۳ اسفند ۱۳۸۷).
^{۱۴۲} نقل از محمد جواد لاریجانی، "حکومت دینی کارآمد یا دموکراسی مشروع: گفت و گوی کیهان با دکتر محمد جواد لاریجانی"، کیهان، سال ۶، شماره ۳۰ (اردیبهشت و خرداد ۱۳۷۵)، ۱۶-۲۳. نقل بر ۲۰.
^{۱۴۳} لاریجانی، "حکومت دینی کارآمد یا دموکراسی مشروع"، ۲۰. در این گفتگو آقای لاریجانی در شرح عقلانیت اسلامی گفت: "جامعه‌ای اسلامی است که ساختار اجتماعی آن در عقلانیت اسلامی شکل گرفته باشد. عقلانیت اسلامی، از لحاظ ساختار شبیه عقلانیت فنی است، اما ویژگی خاص خود را دارد. در عقلانیت اسلامی، فقه دخیل است، قرآن دخیل است، فلسفه دخیل است و هزار و یک چیز دیگر. همه اینها در دیگ جوشی ریخته می‌شوند و عقلانیت اسلامی را تشکیل می‌دهند." در این مصاحبه ایشان از "ماهیت مهندسی" سیستم حکومتی براساس عقلانیت اسلامی سخن گفت و افزود: شاید اگر روزی از کسی سوالی می‌کردیم که حکومت اسلامی یعنی چه، پاسخ می‌داد که "و امرهم شوری بینهم"، این حکومت را نمی‌رساند. ما باید در فضای عقلانیت اسلامی بنشینیم و موضوع را از پایه بسازیم و بالا ببریم. تمام معارف هم در این زمینه دخیل است. نه تنها معارف اسلامی یا فهم ما از دین، بلکه بخش عمده‌ای از معارف بشری هم که به فن مملکت‌داری مربوط می‌شود. (به ترتیب بر ۲۰ و ۲۱).

^{۱۴۴} محمود حکیمی، "وظیفه اصلی نهادهای فرهنگی"، ماهنامه آموزش و پرورش، دوره ۴۸، شماره ۸۵ (اردیبهشت ۱۳۵۹)، ۴۹-۵۱. نقل بر ۴۵. محمد مجتهدی شبستری از جمله کسانی است که از پیش از انقلاب از "حملات فکری و فرهنگی هجوم تملدن غربی" سخن گفته بود. در این مورد به محمد مجتهدی شبستری، "استقلال فکری"، مکتب اسلام، سال ۵، شماره ۶ (بهمن ۱۳۴۲)، ۳۶-۳۷. نقل بر ۳۶.
^{۱۴۵} در "طلیعه" کیهان فرهنگی که به همت کمال حاج سید جواد، مصطفی رخ‌صفت و حسن منتظر قائم در فروردین ۱۳۳۳ منتشر شد از "هجوم تبلیغی، فرهنگی" چنین یاد شد: "زهر هجوم تبلیغاتی، فرهنگی، هنری دشمن تیرهانی نبود که چون شلیک‌های نظامی تروریست‌ها بتوان جراحی کرد یا حتی اگر به شهادت نیانجامد، بر جای خونی که از آن زخم می‌چکد، لاله‌های سرخ، سراسیمه سر برکشند و ببالند و بوبیند و جان‌ها را معطر کنند و بصیرت‌ها را نور بخشند، تیر زهر آکین فرهنگ و ادب و هنر آلوده بر هر کجا بنشینند، آماس می‌کند، عفونت می‌آورد، و فضا را مردابی می‌کند و مرداب، سفره گسترده پلشتی‌ها و پلیدی‌هاست." "طلیعه: کلمه اول"، "کیهان فرهنگی"، شماره ۱ (فروردین ۱۳۳۳)، ۱ و ۴۶. نقل بر ۱. در این "طلیعه" از دیدگاه کسانی یاد شد که معتقد بودند، "فرهنگ، مهندسی نیست که بتوان از تخصص‌های دیگران استفاده کرد." اما بانیان کیهان فرهنگی بر این باور بودند که "انقلاب الهی برای وصل کردن آمده است نی برای فصل کردن. تنها آن بخش را که مانع وصل است قطع می‌کند، مثل بریدن سیم پوسیده‌ای تا جریان برق ادامه یابد." (۴۶)
^{۱۴۶} اعلی خامنه‌ای، "پیام ریاست جمهور به سومین کنگره شعر و ادب و هنر"، هنر، شماره ۵ (زمستان ۱۳۶۲-۱۳۶۳)، ۳۶۴-۳۶۵. نقل بر ۳۶۵.
^{۱۴۷} خامنه‌ای، "پیام ریاست جمهور به سومین کنگره شعر و ادب و هنر"، ۳۶۴.
^{۱۴۸} منظور از "پادفرهنگی" روند فرهنگ‌ورزی است که فرهنگ حاکم به چالش کشیده شده و در مقابلش هنجارها و ارزش‌های اخلاقی و رفتاری متفاوتی ارائه می‌شود.
^{۱۴۹} در این مورد بنگرید: "دین‌داری در ایران کنونی و چشم‌انداز

پیش از انقلاب، گویا “دین‌گریز” شده و از ارزش‌های اسلام انقلابی می‌پرهیزتند.^{۱۴۹} عبدالرحیم قنوت، مثلاً، در دی ۱۳۶۷ از “بروز مجدد فساد و منکرات دینی در جامعه” گزارش داد:

فساد و منکراتی که امروز در میان قشر وسیعی از افراد جامعه ما ریشه دوانیده و شیوع دارد مسأله‌ای نیست که بتوان از آن چشم‌پوشی نمود و یا به راحتی از کنار آن گذشت، بخش مهمی از جامعه ما که عمدتاً سنین نوجوانی و جوانی را طی می‌کنند امروز گرفتار مسأله‌ای هستند که در صورت علاج نشدن آن آینده آنان و نیز جامعه و انقلاب را به صورت جدی تهدید می‌کند. رشد روز افزون پانکسیسم و تبعات آن باعث بی‌بندوباری، هرزگی، بی‌عفتی، رواج مدهای مختلف و بسیاری دیگر امراض اجتماعی شده است، به خصوص به دلیل این که عمدتاً جوانان و نوجوانان را در بر گرفته ایجاب می‌کند که ما هرچه سریعتر در پی رفع این مسأله برآئیم.^{۱۵۰}

قنوت در ادامه این هشدار “طبیانه” افزود: “حجابی که یک روز به عنوان ارزش مطرح می‌شود و زن جامعه ما آن را آگاهانه پذیرا می‌شود و انتخاب می‌نماید، اکنون حداقل در ذهن جمع نه چندان کمی از دختران جوان ما تبدیل به ضدارزش شده.”^{۱۵۱} رهبر جمهوری اسلامی نیز که سخت‌نگران پدیده‌های فرهنگی در بین جوانان و دانشجویان بود در ۱۴ آذر ۱۳۶۹ هشدار داد: “امروز از همه خطرناک‌تر، روش‌های فرهنگی دشمن است. امروز به نظر من، از همه خطرناک‌تر در داخل، روش‌های فرهنگی است.”^{۱۵۲} در تعبیر ایشان که پیش‌تر نیز از “تهاجم فرهنگی عظیم علیه اسلام” سخن گفته بود،^{۱۵۳} “تهاجم فرهنگی، به مقصود بی‌اعتقاد کردن نسل نو انجام می‌گیرد؛ هم بی‌اعتقاد کردن به دین، هم بی‌اعتقاد کردن به اصول انقلابی و آن تفکر فعالی که امروز استکبار از آن می‌ترسد و قلمرو قدرت‌های استکباری را به خطر می‌اندازد.”^{۱۵۴}

در دوره پر شتاب “جهانگیری” (globalization) که مرزهای جغرافیایی مانع گفتگو و خبرپراکنی نمی‌شد،^{۱۵۵} تهاجم فرهنگی به مفهومی مرزی تبدیل شد و به مرزبانی فرهنگی انجامید.^{۱۵۶} با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، که نتیجه گشایش سیاسی دوره گورباچف پنداشته می‌شد، نگرانی‌های فرهنگی به شکل روزافزونی جنبه امنیتی و نظامی یافتند. با امنیتی‌نظامی شدن نگرانی‌ها، رهبر جمهوری اسلامی در ۲۲ تیر ۱۳۷۱ ضمن نشستی با نیروهای انتظامی و بسیج مجدداً هشدار داد که “دشمن از راه اشاعه فرهنگ غلط فرهنگ فساد و فحشا سعی می‌کند جوان‌های ما را از ما بگیرد. کاری که دشمن از لحاظ فرهنگی می‌کند، یک “تهاجم فرهنگی” بلکه باید گفت یک “شیخون فرهنگی” یک “غارت فرهنگی” و یک “قتل عام فرهنگی” است.”^{۱۵۷}



مهندسی فرهنگی: ماهنامه شورای عالی انقلاب فرهنگی، شماره ۱۰ و ۱۱ (تیر و مرداد ۱۳۸۶).

آن،” بازتاب اندیشه، شماره ۱۹ (مهر ۱۳۸۰)، ۵۷-۶۱.
^{۱۵۰} عبدالرحیم قنوت، “عوامل بروز فساد و منکرات اخلاقی در جامعه”، دانشگاه انقلاب، شماره ۶۱ (۱۵ دی ۱۳۶۷)، ۶-۹، نقل بر ۶.
^{۱۵۱} قنوت، “عوامل بروز فساد و منکرات اخلاقی در جامعه”، ۷.
^{۱۵۲} علی خامنه‌ای، “سخنرانی در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، به همراه حجه‌الاسلام والمسلمین حاج سید احمد خمینی”، ۱۳۶۹/۹/۱۴، <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2390>.
^{۱۵۳} به نقل از نور علم، شمار ۳۴ (اسفند ۱۳۶۸)، [۳].
^{۱۵۴} علی خامنه‌ای، “بیانات در دیدار با وزیر، معاونان، مشاوران و مدیران کل وزارت آموزش و پرورش”، ۲۵ دی ۱۳۷۰، <http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?id=2557&nt=2&year=1370#14592>.
^{۱۵۵} در برابر globalization، “جهانگیری” و “جهانگشایی” مفاهیمی شیواتر و گویاتر از “جهانی شدن” هستند.
^{۱۵۶} به قول امیرحسین فرزانه، “زمینه‌های اجتماعی ناهنجاری‌زای، هم ناهنجاری می‌زاید و هم ناهنجاری می‌پذیرد و ما این اثرپذیری را که علت ساختاری دارد تهاجم فرهنگی نامیده‌ایم و بر سر آنیم که با قانون و طرد و نهی راه رسوخ آن را به بندیم و خواهیم دید که این شدنی نیست.” امیرحسین فرزانه، “تهاجم فرهنگی یا تهاجم ناهنجاری‌های اجتماعی؟” گزارش، شماره ۷۶ (خرداد ۱۳۷۶)، ۲۰-۲۸.
^{۱۵۷} علی خامنه‌ای، “بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار فرماندهان گردان‌ها، گروهان‌ها و دسته‌های عاشورای نیروهای مقاومت بسیج سراسر کشور، در سالروز شهادت امام سجاد(ع)”， ۲۲ تیر ۱۳۷۱، <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2627>

پدیده‌های پادفرهنگی که در دهه‌های پیش از انقلاب پیامد سیاست‌های دولت پهلوی انگاشته می‌شدند.^{۱۵۸} در دهه‌ای پس از حکومتی شدن ارزش‌های اسلامی و انقلابی، پیامد سیاست‌های امریکا و اروپا خوانده شدند.

چگونگی مقابله با گرایش‌های پویای فکری و فرهنگی پس از جنگ ایران و عراق،^{۱۵۹} که با پروسترویکا و گلاس‌نوست در اتحاد جماهیر شوروی هم‌زمان بود، به موضوع جنجال‌برانگیز استراتژیکی تبدیل شد. برخی تهاجم فرهنگی را "همچون بیماری‌هایی که مدت‌ها در مرحله کمون می‌مانند و بی‌مداوا پیشرفت می‌کنند" دانستند و "بهترین راه مصونیت از عوارض این تهاجم یا دست‌کم تخفیف آثار سوء آن استفاده از تدابیر 'بهداشتی' و پیشگیری" ارزیابی کردند. بر اساس چنین تشخیصی، "یا بهتر نیست که ما نسل جوان خود را در برابر آفات تهاجم فرهنگی واکسینه کنیم، یعنی کاری کنیم که در وجود خود آنان سرم محافظ و مدافع پدید آید؟"^{۱۶۰} آموخته‌های تجربه شوروی از چنین 'مداوایی'، نشان داد "نزوی فرهنگی" معالجه مناسبی برای "آفت" تهاجم فرهنگی نیست.^{۱۶۱} برخی دیگر کوشش‌های مطبوعاتی "روشنفکران غیر مذهبی" را جلوه‌ای از "تهاجم فرهنگی" دانستند که "با ظرافت کامل سعی در تشکیک در مبانی اعتقادی و بنیان این نظام" دارد. این گروه "جدل احسن" شدند: "ما نمی‌خواهیم بگوییم که این گونه نشریات را تعطیل کنند، اما دانشوران ما وظیفه دارند که با این شبهات و تشکیکات مقابله کنند و با مهاجمین به 'جدل احسن' بپردازند."^{۱۶۲} مثلاً نور دانش: نشریه مدرسین حوزه علمیه قم در بررسی "تهاجم فرهنگی غرب" به پدیده‌های درونی توجه کرد و هشدار داد: "از اشکالات عمده در برابر ما، نفوذ عناصر فرهنگی غرب در میان خودی هاست؛ در رنگ مذهب، و بازسازی اندیشه مذهبی، در قالب هنر و داستان و رمان و جز آنها." روی سخن در این ارزیابی‌ها عبدالکریم سروش و نوآندیشان دینی بود: "خطر اصلی و اساسی امروز ما تفکری است که برای قبض روح شریعت به وجود آمده و به نام دین و خدا در دانشگاه‌های ما فعال است."^{۱۶۳} اسماعیل سروستانی نیز از جمله نظریه پردازان تهاجم فرهنگی بود که باور داشت در این "جنگ جدید فرهنگی... خصم پرتوانتر از همیشه این ملت را به نبردی بزرگ‌تر از جنگ ۸ ساله فرا خوانده است." در این برداشت، "به واسطه دید کمی حاکم بر علوم جدید و حتی علوم انسانی، به تدریج جوانان این دیار را مہیای نمازگزاران بر قبله‌گاه غرب می‌نمایند و در مقابل وجهی از علم و تکنولوژی دست دوم، اخلاق و فرهنگی لمپنی و مبتذل را نصیب آنان می‌سازند."^{۱۶۴} پیش از ایشان نیز دانشگاه انقلاب، نشریه جهاد دانشگاهی، که از "اسلام‌گریزی دانشگاه" سخن گفته بود، "جنگ ارزش‌ها [را] خطرناک‌ترین جنگ‌ها" شناخت: "به دلایلی که همه گناه آن را نمی‌توان

متوجه دانشجویان نمود برخی از ارزش‌های غربی در ضمیر اخلاقی و باورهای علمی آنها وجود دارد. همین ارزش‌هاست که در صورت تثبیت و رشد یافتن می‌تواند آینده دانشگاه‌ها و در نتیجه جامعه را برای ما مبهم و برای امپریالیسم جهانی روشن سازد." در چنین شرایطی، جهاد دانشگاهی رسالت حقیقی هر دانشگاهی را "تصفیه و تزکیه نظام فکری، اخلاقی و علمی جامعه از ارزش‌های غربی" دانست و قطع "ریشه‌های استعمارنرو را که بر پایه مغزها

^{۱۵۸} مثلاً ناصر صادق از اعضای مجاهدین خلق در "آخرین دفاع" در بهمن ۱۳۵۰ گفت: "به موازات اوج گیری مبارزات و پیدایش گروه‌های مبارز، رژیم نیز شدیداً در تقویت خویش کوشیده است، این امر ایجاب می‌کند که... با ترویج فرهنگ فاسد غرب و اشاعه فساد و هرزگی از طریق انتشار مطبوعات کثیف، ایجاد کاخ جوانان و سایر امکانات 'تفریحی' جوانان ما را از شناخت مسائل اصلی و در نتیجه از مبارزه دور نگه می‌دارد." مسعود رجوی نیز در دادگاه از "ترویج فساد سرمایه‌داری غرب و اشاعه افکار لائالی‌گری از طریق انتشار مطبوعات کثیف مانند زن روز و اطلاعات هفتگی" نام برد. قسمت‌هایی از دفاعیات مجاهدین خلق ایران (ب.م.): سازمان مجاهدین خلق ایران، خرداد ۱۳۵۱)، به ترتیب بر ۸ و ۲۲-۲۳.
^{۱۵۹} برای تفسیری از این پدیده‌ها که پیامد "فرهنگ شهادت" و "عرفان جبهه‌ای" بود بنگرید:

Mohamad Tavakoli-Targhi, "Frontline Mysticism and Eastern Spirituality," *ISIM Newsletter* (Leiden, The Netherlands), 9 (2002), 13 and 38.

^{۱۶۰} "مسئله تهاجم فرهنگی." نشر دانش، سال ۱۱، شماره ۶ (مهر و آبان ۱۳۷۰)، ۲-۳، نقل بر ۲.

^{۱۶۱} "مسئله تهاجم فرهنگی"، ۲. در ادامه این بررسی در نشر دانش آمده است: "چگونه است که حریف می‌تواند مواد غیر فرهنگی خود را در قالب خوش ظاهر و مطبوع فرهنگی نما به خورده جوانان ما و جوانان کشورهای دیگر بدهد و ما نمی‌توانیم مواد اصیل فرهنگی را که با رگ و ریشه ما پیوند دارد به صورتی جذاب در دسترس آنان قرار دهیم؟" (۲) مهدی گلشنی، "تبادل یا تهاجم فرهنگی؟ اولویت‌های ما در عصر حاضر"، کیهان فرهنگی، سال ۸، شماره ۷ (دی ۱۳۷۰)، ۲۴-۲۷، نقل بر ۲۷.
^{۱۶۲} "تهاجم فرهنگی غرب"، نور علم، دوره ۴، شماره ۴ (شهریور ۱۳۷۰)، ۴-۱۰، نقل به ترتیب بر ۸ و ۹.

^{۱۶۳} اسماعیل شفیع سروستانی، تهاجم فرهنگی و نقش تاریخی روشنفکران (چاپ ۲؛ تهران: سازمان انتشارات کیهان، ۱۳۷۴)، به ترتیب در ۹ و ۸ این کتاب نخستین بار در ۱۳۷۲ چاپ شد.
^{۱۶۴} "جنگ ارزش‌ها و رسالت دانشگاهی در مبارزه با شیطان"، دانشگاه انقلاب، شماره ۷۲ (اسفند ۱۳۷۸)، ۵-۷؛ نقل بر ۷.

^{۱۶۵} اخنامه‌ای، "بیانات در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، به مناسبت هفتمین سالگرد تشکیل این شورا."
^{۱۶۶} [علی‌خامنه‌ای]، "تهاجم فرهنگی." سوره، دوره ۳، شماره ۷ [۳۱] (مهر ۱۳۷۰)، ۴-۵. نقل بر ۴. خامنه‌ای در این سخنرانی تکاپوی روشنفکران را "بسیار خطرناک" دانسته، افزود: "البته خطرناک که می‌گویم نه اینکه بی‌علاج و یا صعب‌العلاج باشد. نه، بسیار سهل‌العلاج است به شرط آنکه بیمار و هم چنین طبیب احساس کنند که بیماری وجود دارد. اگر احساس کردند که بیماری وجود دارد دیگر صعب‌العلاج نیست و خیلی سهل‌العلاج است. خطر آنجاست که من و شما نفهمیم که چنین چیزی وجود دارد." چند سال پیش‌تر نیز ایشان از "بیماری‌های مزمن" دانشگاه‌ها یاد کرده بود: "... خیلی بیماری‌های مخرب و مزمن در دانشگاه‌ها بوده و ولادت دانشگاه‌ها در کشور ما اساساً یک ولادت سالمی نبوده و مثل ولادت بسیاری از پدیده‌های

طراحی شده" از جمله وظایف دانشگاهیان برشمرد.^{۱۶۵} رهبر جمهوری اسلامی نیز که دانشگاه را "دستگاه انسان‌سازی" می‌دانست، معتقد بود: "دین را باید در دانشگاه‌ها زنده کرد... بنای دانشگاه، یک بنای غیردینی، بلکه ضددینی بوده است؛ مثل روشنفکری کشور ما، که از ابتدای دین متولد شده است.^{۱۶۶} ایشان که "روشنفکر جماعت" را "اهل خطر" و "اهل واردشدن در صحنه‌های سخت و دشوار و خطرناک" نمی‌دانست، باور داشت که "طبیعت این جماعت

نو دیگر، در این مملکت اصلاً ولادت روشنفکری ناسالم بود... بنگرید:

"سخنان ریاست محترم جمهوری حجه‌الاسلام والمسلمین سید علی خامنه‌ای." دانشگاه انقلاب، شماره ۵۵ (۱۵ تیر ۱۳۶۷)، ۶-۹ و ۵۴؛ نقل بر ۷.^{۱۶۸} برای طرح اولیه "برخورد تمدن‌ها" بنگرید:

Samuel P. Huntington, "The Clash of Civilizations?" *Foreign Affairs*, 72:3 (Summer 1993), 22-49.

"پایان تاریخ و آخرین انسان" عنوان کتاب معروف فرانسوی فوکویاما است که نخستین بار در ۱۳۷۱/۱۹۹۲ به چاپ رسید:

Francis Fukuyama, *The End of History and the Last Man* (New York: Free Press, 1992).

^{۱۶۹} گفت‌گوی تمدن‌ها" موضوع همایشی در تهران در سال ۱۳۷۷/۱۳۵۶ بود. برای سخنرانی‌های ارائه شده در این همایش بنگرید: اندیشه غربی و گفت‌وگوی تمدن‌ها: مجموعه سخنرانی‌های همایش ۲۰-۲۹ اکتبر ۱۹۹۷، تهران (تهران: نشر و پژوهش فرزاد روز، ۱۳۷۹). در سال برگزاری همایش در تهران، روزه گارودی نیز کتابی درباره گفت‌گوی تمدن‌ها نوشت:

Roger Garaudy, *Pour un dialogue des civilisations: l'Occident est un accident* (Paris : Denoël, 1977).

^{۱۷۰} به نقل از مهندسی فرهنگی، شماره ۱ (مهر ۱۳۸۵)، ۱. خامنه‌ای از آغاز تشکیل شورای عالی انقلاب فرهنگی در ۱۹ دی ۱۳۶۳ که ریاست آنرا به عهده داشت، به تصمیمات این شورا توجه خاصی داشت. ^{۱۷۱} اهداف و وظائف شورای عالی انقلاب فرهنگی، "مصوب جلسات ۴، ۵، ۹ و ۱۲ شورای عالی انقلاب فرهنگی، روزنامه رسمی، شماره ۱۲۱۸۹ (۱۱ دی ۱۳۶۵).

^{۱۷۲} اعلی‌خامنه‌ای، "بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۴. خامنه‌ای در خرداد ۱۹۹۰ درباره آمیزش ترفندهای مهندسی و نظامی برای ایجاد امنیت فرهنگی گفت "در آن زمان برای برخی سؤال و یا ابهام بوجود آمده بود که چرا یک اصطلاح نظامی برای مسائل فرهنگی استفاده می‌شود در حالی که اگر به شرایط کنونی فرهنگی دنیا دقت شود مشاهده می‌شود که یک تهاجم عظیم و پیچیده در عرصه فرهنگ در جریان است." (دیدار رئیس و اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۲۳ خرداد ۱۳۹۰، <http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=12693>).

عالی انقلاب فرهنگی نیز در گزارشی بازنگرانه در خرداد ۱۳۹۰ درباره "مهندسی فرهنگی" گفت: "البته همین بحث هم به علت وجود افراد موافق و موافق محل چالش‌های جدی بود. حتی در بعضی نشست‌ها و در مراکز دانشگاهی و علمی، عنوان می‌شد که اصلاً مگر می‌شود فرهنگ را مدیریت کرد؟ مگر موضوع مهندسی فرهنگی قاعده‌پذیر است که آن را مطرح می‌کنید؟ شاید بخشی از علت فاصله سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۶ در انجام فعالیت‌ها به خاطر همین تضارب‌ها یا به خاطر لزوم شکل‌گیری ستادی به عنوان متولی کار بود." ("هنوز" قرارگاه فرهنگی" کشور نشده‌ایم؛ گفت‌وگو با دکتر محمدرضا مخبر دزفولی، دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۷ خرداد ۱۳۹۰، <http://farsi.khamenei.ir/others-dialog?id=1261>).

که عرض کردم طبیعتی است که اگر یک اشاره بکنی، عقب نشینی می‌کنند." با این شناخت، ایشان بر دو راهکار مکمل تأکید کرد: "یک کار سلبی و یک کار ایجابی. کار سلبی، مقابله با آنهاست. کار ایجابی، کار فرهنگی صحیح است.^{۱۷۳} مهندسی فرهنگی برآیند جست‌وجو برای "کار ایجابی" در مقابله با دانشگاه و روشنفکران بود.

پس از انتخابات ریاست جمهوری خرداد ۱۳۷۶، دولت و حکومت روش دوگانه‌ای برای مقابله با "تهاجم فرهنگی" در پیش گرفتند. از سویی در مقابل نظریه "برخورد تمدن‌ها" که ساموئل هانتینگتون در ۱۳۷۲/۱۹۹۳ عرضه کرد،^{۱۶۸} رئیس‌جمهور محمد خاتمی منادی گفت‌گوی تمدن‌ها" شد و در بهمن ۱۳۷۷ "مرکز بین‌المللی گفت‌وگوی تمدن‌ها" را تأسیس کرد.^{۱۶۹} از سوی دیگر، رهبر جمهوری اسلامی که به "امنیت فرهنگی" توجه خاصی داشت و نگران پیدایش جریان‌های پادفرهنگی و ضدآرزشی ناهمساز با حکومت اسلامی بود، به تعجیل خواهان "مهندسی فرهنگی" شد. ایشان در دیداری با اعضای مجلس خبرگان در ۲۷ بهمن ۱۳۷۹ "علاج نگرانی" را "مبارزه در خور و شایسته، ورود در میدان، فکر کردن. مطالعه کردن، کار خبره‌وار انجام دادن، به موقع وارد میدان شدن، دشمن را کاملاً شناختن و روش‌های او را سنجیدن" قلمداد کرد. برای مقابله با "تهاجم فرهنگی" و سنجشگری "دشمن"، ایشان به تدریج مهندسی رزمی را جایگزین علاج‌اندیشی طبیعیانه کرد. این جایگزینی در نشست در ۲۶ آذر ۱۳۸۱ با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی متجلی شد. در آن نشست، ایشان این شورا را "اتاق فرمان فرهنگی کشور یا ستاد عالی فرهنگی و علمی دستگاه‌های کشور اعم از دستگاه‌های فرهنگی و سایر دستگاه‌ها و مرکز مهندسی فرهنگی کشور به حساب آورد."^{۱۷۰} خامنه‌ای همین رأی را در نشست‌های سال‌های بعد تکرار کرد و خواهان تهیه "نقشه مهندسی فرهنگی ایران" شد. بدین سان نهادی که در ۱۹ آذر ۱۳۶۳ با هدف "تزکیه محیط‌های علمی و فرهنگی از افکار مادی و نفی مظاهر و آثار غرب‌زدگی از فضای فرهنگی جامعه" تشکیل شده بود،^{۱۷۱} برای پیش‌گیری از پدیده‌های فکری و فرهنگی‌ای که پیامد حکومت دینی بود "اتاق فرمان فرهنگی کشور"، "قرارگاه مقدم فرماندهی"، "قرارگاه اصلی مسائل فرهنگی و کارزار فرهنگی" و "مرکز مهندسی فرهنگی کشور" خوانده شد.^{۱۷۲}

مهندسی فرهنگی تجربه مهندسی اجتماعی را در دهه ۱۹۳۰ در شوروی تداعی می‌کند و پیامد "ویکرد سیستمی" و خردآب‌آرانه به فرهنگ و دانش است. در دیداری با شورای عالی انقلاب فرهنگی در ۱۳۸۳ رهبر جمهوری اسلامی "مهندسی فرهنگی" را چنین تعریف کرد: "مهندسی کلان فرهنگ کشور یعنی ترسیم راه‌های صیوررت و تکامل

فرهنگ ملی، درک اشکالات و نواقص فرهنگ جامعه، تعیین راه‌حل‌های کلی رفع این نواقص، زمینه‌سازی و جهت‌دهی به حرکت صحیح و پرشتاب فرهنگی و صیانت و مراقبت صحیح از فرهنگ ملی...^{۱۷۳} در شرح این وظیفه افزود: مهندسی فرهنگ این است که با رویکرد سیستمی اجزاء فرهنگ اعم از فرهنگ ملی، فرهنگ عمومی، فرهنگ تخصصی، فرهنگ سازمانی، در مجموعه فرهنگ جانمایی شده و روابط آنها بخوبی تنظیم شود. ضعف‌های اجزاء و روابط آنها برطرف شود. یکی از مهمترین تکالیف ما در درجه اول مهندسی فرهنگ کشور است؛ یعنی مشخص کنیم که فرهنگ ملی، فرهنگ عمومی و حرکت عظیم درونی و سیورورت بخش و کیفیت بخشی که اسمش فرهنگ است و در درون انسان‌ها و جامعه بوجود می‌آید، چگونه باید باشد؟ فرهنگ هدف کدام است؟ اشکالات و نواقصش چیست؟ چگونه باید رفع شود؟ فرهنگ موجود کدام است؟ کندی‌ها و معارضاتش کجاست؟ مجموعه‌ای لازم است که اینها را تصویر کند و بعد مثل دست محافظی هوای این فرهنگ را داشته باشد.^{۱۷۴}

خامنه‌ای خطاب به نمایندگان مجلس شورای اسلامی در ۸ خرداد ۱۳۸۴ این نگرش معمارانه را چنین شرح داد:

شما به عنوان مسئولان کشور و نظام موظفید مهندسی کلی کشور را دایما در نظر داشته باشید چون بدون یک مهندسی کلان نمی‌شود جزئیات را ترتیب داد؛ شما باید اول طرح را در نظر داشته باشید، نقشه را بدانید و مهندسی صحیح کرده باشید تا بتوانید این دیوار را این‌جا بالا ببرید، آن خشت را آنجا بگذارید، آن گودال را آنجا بکنید. دشمن شما هم به کشور و نظام شما عیناً یک نگاه کلان و یک مهندسی کلی دارد. این مهندسی هم اجزایی دارد.^{۱۷۵}

نشریه مهندسی فرهنگی شورای عالی انقلاب فرهنگی، که شماره نخستین آن در مهر ۱۳۸۵ منتشر شد، نمونه از مهندسانه‌اندیشی حکومتی است. در سرمقاله شماره نخست مهندسی فرهنگی، غلامرضا بصیرنیا، عضو شورای سردبیری مجله، از کاربرد «تمثیل‌های حوزه» مهندسی و پزشکی برای نظریه‌پردازی در علوم اجتماعی و علوم انسانی یاد کرد و افزود: «طرح مهندسی فرهنگی در چند سال اخیر نیز از این دسته از مفاهیم است.» پس از ذکر آنکه کشورهای غربی برای پیشبرد منافع خویش تهاجم فرهنگی را جایگزین تهاجم نظامی کرده‌اند، بصیرنیا نوشت: «مهندسی فرهنگی که در چند سال اخیر از طرف مقام معظم رهبری در دیدارهای سالانه ایشان با اعضاء شورای عالی انقلاب فرهنگی مکرر مورد تأکید قرار گرفته است در حقیقت تلاش در جهت تقویت عناصر و مؤلفه‌های اصلی فرهنگ اسلامی و ملی کشور و پاسداشت آن در برابر نفوذ و تاثیر فرهنگ مخرب غربی در پرتو چینش مناسب و تعیین جایگاه صحیح تمامی ابعاد، مؤلفه‌ها و ویژگی‌های فرهنگی جامعه ما است و دستیابی به نتیجه در خور این تلاش‌ها، نیازمند طرح

مهندسی فرهنگی است...^{۱۷۳} ایشان ترسیم آرمان‌ها و اهداف، «رصد فرهنگی» و «درک درست از میزان جمعیت کشور»، را پیش‌زمینه مهندسی فرهنگی برشمرد. علی‌اکبر فرهنگی، استاد مدیریت و ارتباطات دانشگاه تهران، نیز در همین زمینه خاطر نشان کرد که «واژه مهندسی را از این جهت به کار می‌بریم تا از آن اندازه‌گیری، معیار و قابلیت کنترل را تلقی کنیم.»^{۱۷۴} مهندس عزت‌الله ضرغامی، رئیس سازمان صدا و سیما و عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی، در همایش ملی مهندسی فرهنگی پس از «تعریف جامع» فرهنگ به شرح این باور پرداخت که «فرهنگ و تحولات آن تابع نظم و قواعد خاص است. این نظم و قاعده قابل کشف، شناسایی و پیش‌بینی است. لذا آینده فرهنگی قابل پیش‌بینی است و در مورد فرهنگی که قرار است در آینده بر جامعه حاکم شود می‌توان تاثیرگذاری داشت. به عبارت دیگر مهندسی فرهنگی دارای رویکردی آینده‌نگرانه در جستجو و تکاپوی تحقیق آینده فرهنگی مطلوب در میان آینده‌های فرهنگی فراوری یک جامعه است.»^{۱۷۵} در همان همایش، حسن حبیبی، رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی، نیز فرهنگ را «به معنای روش زندگی؛ شیوه رفتار و نظایر آن» فرض کرد و گفت «مهندسی فرهنگی عبارت خواهد بود از طراحی، محاسبه، اجرا و الگو سازی. بنابراین اگر مهندسی فرهنگی را به معنای طراحی، تعیین اصول و ضوابط و تنظیم نقشه‌ها بگیریم یک معنای نسبتاً قابل قبولی خواهد بود.»^{۱۷۶} عباس کاردان، کارشناس مطالعات منطقه‌ای، که به نقش دولت توجه داشت گفت: «می‌توان مهندسی فرهنگی را به معنای مهندسی وظایف فرهنگی حکومت مورد توجه قرار داد و برای آن مدل طراحی کرد. در این مدل حکومت وظایفی برعهده دارد و برای ایفای آن سیستم طراحی می‌کند و در ضمن برای فعالیت سایر سیستم‌های فرهنگی چهارچوب رابطه این سیستم با سایر سیستم‌های فرهنگی را تنظیم می‌کند.»^{۱۸۰}

^{۱۷۳} دیدار رئیس و اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی با رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۸ دی ۱۳۸۳،

<http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=1225>

^{۱۷۴} مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۸ دی ۱۳۸۳.

^{۱۷۵} علی خامنه‌ای، «بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی»، ۸ خرداد ۱۳۸۴،

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3293>

^{۱۷۶} غلامرضا بصیرنیا، «سرمقاله»، مهندسی فرهنگی، شماره ۱ (مهر ۱۳۸۵)، ۳.

^{۱۷۷} میزگرد: مهندسی فرهنگی در عصر جهانی شدن، مهندسی فرهنگی،

شماره ۱۰-۱۱ (تیر و مرداد ۱۳۸۶)، ۷۸-۸۹، نقل بر ۸۴.

^{۱۷۸} «دستگاه‌های فرهنگی باید در حوزه فرهنگ عمومی تاثیر گذار باشند»،

مهندسی فرهنگی، شماره ۶-۷ (بهمن و اسفند ۱۳۸۵)، ۱۱-۱۲، نقل بر ۱۱.

^{۱۷۹} «مهندسی فرهنگی به معنای طراحی، تعیین اصول، ضوابط و تنظیم نقشه‌ها

است»، مهندسی فرهنگی، شماره ۶-۷ (بهمن و اسفند ۱۳۸۵)، ۱۳-۱۴، نقل بر ۱۴.

^{۱۸۰} عباس کاردان، «فرهنگ ملی و محلی در عصر جهانی شدن»، مهندسی

فرهنگی، شماره ۱۰-۱۱ (تیر و مرداد ۱۳۸۶)، ۶۲-۶۹، نقل بر ۶۸.

همایش منطقه‌ای هویت‌سازی فزینی از منظر قرآن و عترت



مخبرهای همایش:

- استلال فرهنگی از منظر قرآن و عترت
- تربیت قرآنی برای هویت‌سازی فرهنگی
- تربیت در چارچوب عزت برای هویت‌سازی فرهنگی
- الگوهای اسلامی هویت‌سازی فرهنگی
- مهندسی فرهنگی در چارچوب قرآن و عترت
- آموزه‌های قرآنی برای کاهش آسیب‌ها
- آراء و افکار منتقدان اسلامی درباره هویت‌سازی فرهنگی
- آسیب‌های فرهنگی، اجتماعی، اخلاقی و روانی از دیدگاه قرآن و عترت
- سایر مباحث مرتبط با هویت‌سازی فرهنگی در چارچوب قرآن و عترت

تقویم:

برگزاری همایش: ۱۳۹۱/۲/۱۱
محل: ارسال محلات، ۱۳۹۱/۲/۲۰
اعلام نتیجه: دایره ۱۳۹۱/۲/۲۵



آدرس: پستی کرمان، زرنده - جاده سرواغ - دانشگاه آزاد اسلامی واحد زرنده، دبیر خانه همایش

فارس اینترنتی: www.farsnet.ac.ir

وب لاگ همایش: www.cim.zarand.blogfa.com

کد پستی: ۷۷۶۱۱-۴۴۵۹۵

همایش منطقه‌ای هویت‌سازی فرهنگی، زرنده، کرمان، ۱۳۹۱

عمیق، درون‌گرا و راهبردی در عرصه فرهنگ. ^{۱۸۲۴} فرهنگ در این نگاه "عمیق" ابزاری راهبردی برای تحکیم حکومت پنداشته شد. از این منظر خردابزار، حجت‌الاسلام صدرالدین شریعتی، رئیس دانشگاه علامه طباطبائی، از "هندسه انسان‌ساز قرآن" و "هدایت تکوینی و تشریعی" خداوند "برای مهندسی و بهره‌برداری صحیح انسان" یاد کرد و در تفسیری معمارانه از آیه ۳۱ سورة النحل گفت: ^{۱۸۳} "می‌گوید ما برای هر ملتی یک معمار فرهنگی و یا مهندس فرهنگی فرستاده‌ایم که در تمام شئون آنها کار فرهنگی می‌کند. کار او دو محور کلی دارد. ان اعبدوا الله و جتنبوا الطاغوت یعنی تسلیم در مقابل حق و مخالفت با طاغوت. اگر اصل معماری فرهنگی ما بر این دو محور سامان داده شود با تکنیک‌ها و ابزار علمی که در اختیار داریم می‌توانیم دل‌ها را تصاحب کنیم." ^{۱۸۴} در این تفسیر امنیتی، "تصاحب دل‌ها" بخش مهمی از "نظارت همگانی" در "هندسه انسان‌ساز قرآن" پنداشته شد که "شامل قانون، نیروهای پلیس، دادگاه‌ها و بازرسی‌ها می‌گردد." ^{۱۸۵} این نکته را حجت‌الاسلام علی‌اکبر صادقی رشاد، عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی و رئیس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، بدین سان توصیف کرد: "برای مهندسی فرهنگی باید فرهنگ‌پژوهی کنیم. فرهنگ‌پژوهی باید در خدمت مهندسی فرهنگ درآید و فرهنگ مهندسی شده بر شئون جامعه حاکم شود." ^{۱۸۶}

با پیگیری رهبر جمهوری اسلامی، شورای عالی انقلاب فرهنگی به مجلس توانمندی برای سیاست‌گذاری و مهندسی فرهنگی تبدیل شد. به روایت محمدرضا مخبر درفولی در خرداد ۱۳۹۰، "شورای عالی انقلاب فرهنگی موضوعات بسیاری را در این چند سال تصویب کرده است که اگرچه به اسم مهندسی فرهنگی تصویب نشده، اما از اجزای اصلی آن محسوب می‌شود." ^{۱۸۷} شماری از این مصوبات بدین قرارند: "طرح جامع توسعه فرهنگ اقامه نماز" (۴ مرداد ۱۳۸۴)، "اساس‌نامه بنیاد بازی‌های رایانه‌ای" (۹ خرداد ۱۳۸۵)، "اساس‌نامه بنیاد ملی نخبگان کشور" (۱۰ خرداد ۱۳۸۴)، "لزم پیش‌بینی پیوست فرهنگی برای طرح‌های اقتصادی و عمرانی" (۲ بهمن ۱۳۸۶)، "اصول حاکم بر سیاست‌های کلی، برنامه‌ها و فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی برنامه پنجم توسعه" (۲۴ اردیبهشت ۱۳۸۷)، "اعتبار و نحوه اعطای امتیاز علمی به مجلات" (۲۱ خرداد ۱۳۸۷)، "تأسیس انجمن‌های علمی، قطب‌های علمی، واحدهای پژوهشی و کرسی‌های نظریه‌پردازی، نقد و مناظره و آزاداندیشی در حوزه علمیه قم" (۲۱ خرداد ۱۳۸۷)، "ضوابط مربوط به گسترش بومی‌گزینی در آزمون سراسری دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی" (۱۱ مرداد ۱۳۸۷)، "سیاست‌ها و ضوابط تأسیس پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (۲ دی ۱۳۸۷)،

با توجه به هدایت حکومتی پدیده‌های فرهنگی، حجت الاسلام علیرضا پیروزمند به "بازمهندسی دینی" توجه کرد و شرح داد که "با رویکرد مهندسی فرهنگی می‌خواهیم فرهنگ تخصص، بنیادی و عمومی جامعه بر محور تعالیم اسلامی بازمهندسی دینی شود." ^{۱۸۸} در این نگرش کاربردی از دین و فرهنگ، "مهندسی فرهنگی با منطقی مشابه این منطقی، نقطه عطفی است برای خروج از نگاه تجربه‌ای، روایتی و روزمرگی به فرهنگ و تبدیل کردن آن به یک نگاه

^{۱۸۱} علیرضا پیروزمند و مصطفی جمالی، "الگوی طبقه‌بندی موضوعات فرهنگی در فرهنگ کشور"، مهندسی فرهنگی، شماره ۷-۶ (بهمن و اسفند ۱۳۸۵)، ۴۴-۴۵؛ نقل بر ۴۵.

^{۱۸۲} رصد فرهنگی، ابعاد و راهکارها، مهندسی فرهنگی، شماره ۷-۶ (بهمن و اسفند ۱۳۸۵)، ۴۲-۴۳؛ نقل بر ۴۳.

^{۱۸۳} این ترجمه معمارانه آیه ۳۶ سورة النحل است: وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَّنْ هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَّنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ فَبِئَرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ.

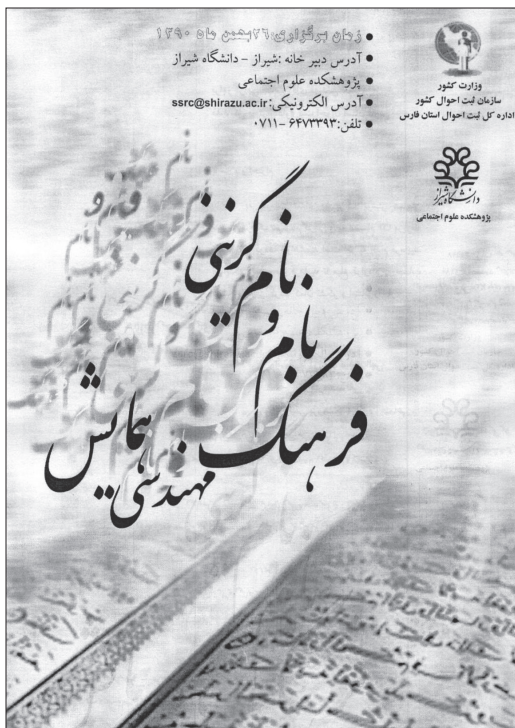
^{۱۸۴} سخنرانی رئیس دانشگاه علامه طباطبائی در افتتاحیه همایش ملی مهندسی فرهنگی، مهندسی فرهنگی، شماره ۷-۶ (بهمن و اسفند ۱۳۸۵)، ۲۴.

^{۱۸۵} سخنرانی رئیس دانشگاه علامه طباطبائی، ۲۴.

^{۱۸۶} سخنرانی حجت‌الاسلام و المسلمین علی‌اکبر صادقی رشاد، مهندسی فرهنگی، شماره ۷-۶ (بهمن و اسفند ۱۳۸۵)، ۱۸-۱۹؛ نقل بر ۱۹.

^{۱۸۷} هنوز "قرارگاه فرهنگی" کشور نشده‌ایم؛ گفت و گو با دکتر محمدرضا مخبر دزفولی، دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی،

<<http://farsi.khamenei.ir/others-dialog?id=12617>>



همایش مهندسی فرهنگ نام و نام‌گزینی، سازمان ثبت احوال، دانشگاه شیراز، ۱۳۹۰

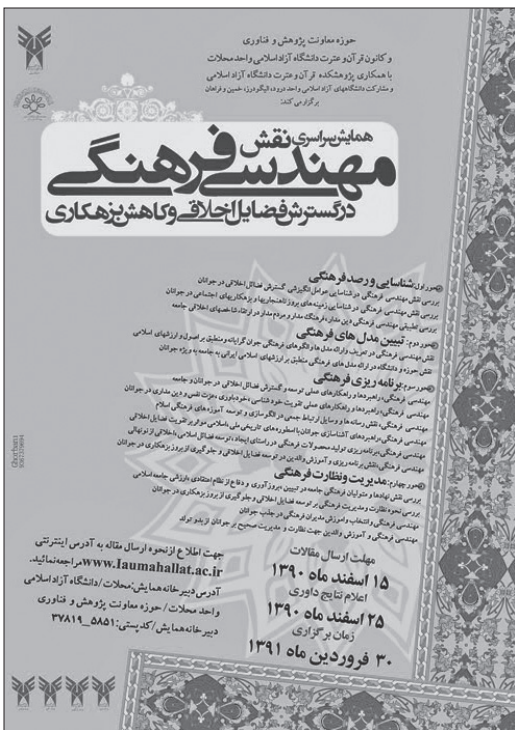
پیشنهادی از جمله "وظایف رصد" برشمرده شد.^{۱۸۸} بدین وصف، "رصد فرهنگی" نوعی "تعبیه" فرهنگی در خدمت سیاست‌های "پایشی" و امنیتی دولت فرض شد. برخلاف علوم انسانی و اجتماعی، که با به‌کارگیری خرد چندانکه و چندنگرشی به بررسی چگونگی تجلی و دگرگونی نیازها و خواسته‌های شهروندان می‌پردازد، این شیوه‌نامه رصد فرهنگی بر نگرشی آمرانه و کارفرمایانه استوار است. رویکردهای کاربردی سال‌های اخیر پیامد چنین "رصد" پیامدسنج و پایشی است.^{۱۸۹}

فسایی و زهرا میرحسینی، "تحلیل جامعه‌شناختی ترس از جرم در میان زنان شهر تهران"، نامه علوم اجتماعی، شماره ۳۶ (بهار ۱۳۸۸)، ۱۴۵-۱۶۸؛ فاطمه هرنی، زهرا فیروزی حاجی و مریم جوادی، "نگاهی به جوانان علاف در ایران"، نامه علوم اجتماعی، شماره ۳۵ (زمستان ۱۳۸۷)، ۱-۲۲؛ بهرام بیات، "تبیین جامعه‌شناختی احساس امنیت در بین شهروندان تهرانی با تأکید بر نقش پرداخت رسانه‌ای و سرمایه اجتماعی"، نامه علوم اجتماعی، شماره ۳۵ (زمستان ۱۳۸۷)، ۱۱۵-۱۳۲؛ ابراهیم ابراهیمی ثانی، "اثربخشی مشاوره شغلی و حرفه‌ای در کاهش آسیب‌های زنان"، اصلاح و تربیت، شماره ۸۶ (تیر ۱۳۸۸)، ۴-۱۰؛ الهام رحمت آبادی و حبیب آقا بخشی، "سبک زندگی و هویت اجتماعی جوانان"، رفاه اجتماعی، شماره ۲۰ (بهار ۱۳۸۵)، ۲۳۵-۲۵۴؛ حمد سعید ذکایی، "خرده فرهنگ، سبک زندگی و هویت" رشد آموزش علوم اجتماعی، شماره ۲۰-۲۱ (پاییز ۱۳۸۱)، ۲۷-۲۰؛ حسن چاوشیان و یوسف اباذری، "از 'طبقه اجتماعی' تا 'سبک زندگی'؟ رویکردهای نوین در تحلیل جامعه‌شناختی هویت

"آیین‌نامه تشکیل شورای تخصصی تحول و ارتقاء علوم انسانی" (۲۱ مهر ۱۳۸۸)، "سیاست‌ها و ضوابط حاکم بر تبلیغات محیطی" (۲۷ بهمن ۱۳۸۸)، "اهداف، سیاست‌ها و ضوابط نشر کتاب" (۲۴ فروردین ۱۳۸۹)، "آیین‌نامه تشکیل هیأت عالی جذب اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی" (۱۹ تیر ۱۳۸۹)، و "آیین‌نامه جامع مدیریت دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، پژوهشی و فناوری" (۱۰ اسفند ۱۳۸۹). با تعیین ضوابط، آیین‌نامه‌ها، و اصول حاکم بر آموزش و فرهنگ کشور این مصوبات زمینه قانونی مهندسی فرهنگی را فراهم آوردند. "شیوه‌نامه رصد فرهنگی کشور"، که در ۲۰ دی ۱۳۸۴ به تصویب رسید، نمونه بارز چنین ضوابطی است.

در شیوه‌نامه رصد فرهنگی "شناسایی و تحلیل جریان‌ها و مسایل عمده فرهنگی" از "مقدمات تعیین‌کننده در آینده‌نگری فرهنگی" مقرر شد. این شیوه‌نامه که راهنمای فرهنگ‌شناسان علوم انسانی است بر مهندسی رزمی (تعبیه) و "پایشی" استوار است: "رصد فرهنگی عبارت است از تعبیه و پیش‌بینی سازوکار و ارکان معین برای مطالعه، بررسی و تحلیل ارزش‌ها و رفتارهای موجود در سطح فرهنگ عمومی و خرده‌فرهنگ‌ها به منظور مسئله‌شناسی فرهنگی در سطح توده عام مردم و پایش جریان‌های فرهنگی تولیدشده از سوی نخبگان." هدف رصد فرهنگی در این شیوه‌نامه "آینده‌نگری فرهنگی و شناسایی به‌موقع جریان‌ها و مسائل فرهنگی جامعه و ارائه راهبردهای مواجهه صحیح و هدف‌مند با آنها" ذکر شد. "شناسایی جریان‌های فرهنگی"، "ارزیابی و تحلیل مسائل فرهنگی"، "پیش‌بینی وضعیت آینده"، "پیشنهاد سیاست‌های مناسب در قبال جریان‌ها و مسائل فرهنگی نوظهور"، "پیشنهاد ابزارها و راهکارهای مناسب فرهنگی برای اعمال این سیاست‌ها"، و "پیامدسنجی سیاست‌ها و راهبردهای

^{۱۸۸} "شیوه‌نامه رصد فرهنگی کشور"، شورای عالی انقلاب فرهنگی، مصوب جلسه ۵۷۶ مورخ ۲۰ دی ۱۳۸۴، <http://www.dastour.ir/221524>
^{۱۸۹} برای نمونه‌هایی از این گرایش کارکردی، بنگرید: احمد رجب‌زاده و مسعود کوثری، "انومی سیاسی در ایران با تکیه بر نظر شهروندان تهرانی"، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۱ (مهر ۱۳۸۲)، ۳۱۹-۳۴۸؛ بهمن کارگر، "فضا، جامعه و امنیت اجتماعی در حاشیه جنوبی کلان شهر تهران: شهرستان اسلامشهر"، مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۲۲ (تابستان ۱۳۸۹)، ۱۳-۴۲؛ فریاد پرهیز، ابوالفضل مشکینی، علیرضا غلامی، سجاد مرادی‌نیا، "بررسی جغرافیایی الگوهای فضایی بزهکاری در منطقه اسکان غیررسمی اسلام‌آباد: مورد مطالعه جرایم خرید و فروش اموال مسروقه"، مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۲۵ (بهار ۱۳۹۰)، ۵۵-۸۱؛ محمدمهدی محمودی، "پیاده رو، عرصه‌ای برای تعاملات اجتماعی: مطالعه موردی خیابان ولی عصر تهران، حد فاصل چهارراه ولی عصر (ع) تا تقاطع خیابان دکتر فاطمی"، نامه علوم اجتماعی، شماره ۳۷ (زمستان ۱۳۸۸)، ۱۴۵-۱۶۸؛ سهیلا صادقی



همایش سراسری نقش مهندسی فرهنگ در گسترش فضایل اخلاقی و کاهش بزهکاری، ۱۳۹۰.

“اطاعت خطی” از نقشه و هندسه حکومت “مسئله بالاتری” از عبادات شناخته شد. رهبر جمهوری اسلامی پس از انتخابات ۱۳۸۸ در این خصوص چنین گفت: اطاعت از خدای متعال، چند مرتبه دارد، چند مرحله دارد: یک اطاعت، اطاعت موردی است. در مواردی خدای متعال می‌فرماید که این عمل را انجام دهید و لو این مسئله، مسئله شخصی است مثلاً نماز بخوانید، یا فرض کنید که صوم و زکات و بقیه امور. این یک جور اطاعت است که انسان امر الهی را اطاعت می‌کند، نهی الهی را اطاعت می‌کند. از این مهم‌تر، اطاعت خطی است. یعنی روش و راه و نقشه‌هایی که خدای متعال برای زندگی معین می‌کند؛ این را یک مجموعه‌ای از مردم اطاعت کنند تا این نقشه تحقق پیدا کند. این نقشه با اعمال فردی حاصل نمی‌شود؛ این یک حالت دیگری است، یک مسئله دیگری است، مسئله بالاتری است؛ یک کار جمعی نیاز دارد تا اینکه نقشه الهی، هندسه الهی در وضع جامعه اسلامی تحقق پیدا کند. فرض به فرمائید که در مکه مسلمان‌ها اعمال خودشان را انجام می‌دادند؛ اما جامعه اسلامی در مکه با جامعه اسلامی در مدینه که حکومت اسلامی در آن تشکیل شد، متفاوت است. یک کار جدید، یک حرکت فراتر از حرکات فردی به وجود آمد و لازم است؛ که اگر این تحقق پیدا کرد، آن وقت “لأكلوا من فوقهم و من تحت أرجلهم”^{۱۳} زندگی، زندگی خوبی خواهد شد؛ زندگی سعادتمندانه‌ای خواهد شد؛ آثار و برکات و نتایج مطلوبی که بر اطاعت امر الهی مترتب است، بر زندگی مترتب خواهد شد.^{۱۴}

در این نگرش مهندسانه، جمهوری اسلامی یگانه “جامعه‌ای که بر شکل و هندسه الهی تشکیل شده” فرض و فرمانبرداری از حکومت و دولت “اطاعت کلان” برای حفظ “هندسه کلی نظام” و “نقشه جامع نظام” شناخته شد. رهبر جمهوری اسلامی در شرح

مهندسی فرهنگی در نهایت رویگردانی از “اصالت فرهنگی”، “سنت‌های اصیل دینی”، و “قطری بودن مذهب” است. در این رویگردانی، اراده دولت و ولی جایگزین اراده و خواسته‌های شهروندان شده است. وقتی هدف غایی ساختن “انسان باب هدف‌های جمهوری اسلامی”^{۱۵}، و “انسان طراز مکتب”^{۱۶} قرار گرفت، تشیع از “مذهب اعتراض”^{۱۷} و آئینی دولت‌پرهیز به مسلکی حکومتی و “اطاعت خطی” تبدیل شد. اگر چه “اساس نظام اسلامی بر اطاعت از خداوند” انگاشته می‌شود،

دادند. از خود و از نخستین گرویدگان به خود، انسان‌های طراز نوین ساختند و بر دوش آنان پایه‌های نظام مطلوب خود را استوار کردند. و چنین بود که مکتب پیامبران زنده ماند و از طرح نقشه آن اندیشمندان و فیلسوفان جز نقشی بر صفحه کتاب باقی نماند. نمازگزار برای محمد و آل محمد که زبده ترین نمودارها و تبلورهای این مکتب‌اند، صمیمانه دعا می‌کند. بر آنان که یک عمر به شکل این مکتب زندگی کرده و “انسان طراز اسلام” را به تاریخ نشان داده‌اند، درود می‌فرستد و از خدا برای آنان درخواست درود و رحمت می‌کند و پیوند روحی خود را با آنان که می‌تواند همچون جاذبه‌ای نیرومند او را به راه خود و به هدفی که در تکاپوی آن بوده‌اند به کشاند مستحکم‌تر و عمیق‌تر می‌سازد. “(علی خامنه‌ای، از ژرفای نماز [تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۲، ۱۹].

^{۱۲} اعلی شریعتی، انتظار: مذهب اعتراض [بی‌جا: ابوذر، ۱۳۵۶].

^{۱۳} قرآن، مانند، ۶۶.

^{۱۴} علی خامنه‌ای، “بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۶ اسفند ۱۳۸۸، <<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8988>>.

اجتماعی،” نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۰ (پاییز-زمستان ۱۳۸۱)، ۳-۲۸؛ مریم رفعت جاهد، “هویت انسانی زن در چالش آرایش و مد،” مطالعات راهبردی زنان، شماره ۳۸ (زمستان ۱۳۸۶)، ۱۳۵-۱۷۹.
^{۱۵} اعلی خامنه‌ای، “بیانات در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی به مناسبت شصتین سالگرد تشکیل این شورا،” ۲۰ دی ۱۳۷۰، <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2531>
^{۱۶} “انسان طراز مکتب” در برابر “انسان طراز نوین” سوسیالیست پرداخته شد. علی خامنه‌ای در این باب نوشت: “پروان هر مکتبی اگر نمودارهای عینی آن مکتب را در برابر خود ننهند قویا ممکن است راه را عوضی ببینایند و گمراه شوند. همین ارائه دادن نمودارهای عینی است که پایداری مکتب‌های انبیاء را در مسیر زمان تأمین کرده است. تاریخ اندیشمندان بسیاری را به یاد دارد که برای تأمین زندگی والا و سعادتمندانه انسان طرح‌ها و نقشه‌ها پدید آورده، مدینه‌های فاصله ترسیم کرده، و کتاب‌ها و نوشته‌ها از خود به جا نهاده اند. ولی پیامبران بی آنکه به بحث و جدال‌های فیلسوف‌مانه بپردازند، طرح خود را در عمل نشان



فراخوان ششمین همایش بین‌المللی دکترین مهندی، ۱۳۸۹.

۹. باز مهندسی دینی و ظهور صغری همان‌گونه که مهندسی فرهنگی پیامد گفتگو و جدل در باب "تهاجم فرهنگی" بود، گفت‌گوی گسترده پیرامون "جهانی‌شدن"، "برخورد تمدن‌ها"، و "پایان تاریخ" شرایط گفتگمانی "بازمهندسی" مهدی و "انتظار" را نیز فراهم آورد.^{۱۸۸} با چنین پیشینه‌ای، "آرامش‌شهر مهدی"، "دولت مهدوی"، "جامعه مهدوی"، و "انسان طراز

این بیش از افزود: "آن کسانی که این نقشه کلی را که متبلور است در قانون اساسی و حکمیت قانون و داوری قانون، قبول دارند، جزو مجموعه نظام اسلامی هستند. آن کسانی که این‌ها را رد می‌کنند، کسانی‌اند که خودشان به دست خودشان صلاحیت حضور در نظام اسلامی را دارند از دست می‌دهند و صلاحیت ندارند." در تعیین مرزهای اطاعت کلان و نافرمانی، ایشان افزود: "آنچه که وظیفه‌ی امروز ماست، حفظ این هندسه عظیم است؛ این را باید حفظ کرد. باید در حفظ این هندسه، مرزبندی کرد. . . . آنچه که مهم است، اساس نظام، هندسه کلی نظام، نقشه جامع نظام است؛ این را باید در نظر داشت و نسبت به این باید حساس بود. باید دید حرفی که زده می‌شود و کاری که دارد انجام می‌گیرد، در مقایسه با این نقشه کلی، در چه وضعیتی قرار دارد."^{۱۹۰} با پیوند راهبردی "امنیت فرهنگی" با "طرح کلان مهندسی فرهنگی"، "اسلام مهدوی" و "اطاعت خطی" رفته‌رفته جایگزین "شیعه علوی" و "مذهب اعتراض" شد. نمونه این جایگزینی در "مدح محرم" حاج محمود کریمی آشکار است:

کربلا یعنی اطاعت از امام
که به حکم او نشستن گه قیام
کربلا یعنی که یار رهبری

از حسین عصر خود فرمانبری.^{۱۹۶}

"چشم من و امر ولی" میثم مطیعی نیز نمونه دیگر باز دگردیسی مدح شیعی به مداحی حکومتی است:

ای حسرت جان و تنم
تنها دلیل بودنم
چشم من و امر ولی

جان من و سید علی
آه ای شهادت، العجل.^{۱۹۷}

^{۱۹۰} علی خامنه‌ای، "بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری"، ۶ اسفند ۱۳۸۸. این گفته شباهت بسیار به سخنان محمدرضا شاه پهلوی در هنگام تأسیس حزب رستاخیز در ۱۱ اسفند ۱۳۵۳ دارد. شاه در آن سخنرانی گفت: "ما باید صفوف ایرانیان را به خوبی بشناسیم و صفوف را از هم جدا کنیم. کسانی که به قانون اساسی و نظام شاهنشاهی و انقلاب ششم بهمن عقیده دارند و کسانی که ندارند..." "فرمایشات اعلیحضرت شاهنشاه آریامهر درباره تشکیل حزب رستاخیز ملی ایران (تهران: اداره کل انتشارات وزارت اطلاعات و جهانگردی، ۱۳۵۳)، ۱۳.

^{۱۹۶} حاج محمود کریمی، "مدح محرم"،

<http://www.youtube.com/watch?v=qPOOLiWvRaM>

^{۱۹۷} میثم مطیعی، "چشم من و امر ولی"،

<http://www.youtube.com/watch?v=nRyohPQ90wU>

^{۱۹۸} رهبر جمهوری اسلام درباره جهانی‌شدن گفت: "گفتن جهانی‌شدن گفتن واقع‌بینی نیستن به نظم نوین جهانی یعنی سیاهی لشکر امریکا شدن این جهانی‌شدن اسمش جهانی‌شدن است اما باطنش امریکایی‌شدن است معنایش این است که ملت ایران علی‌رغم

مجاهدت‌هایی که کرده علی‌رغم پرچم‌هایی که بر قله‌های پیروزی کوبیده علی‌رغم بیداری عظیمی که در ملت‌های مسلمان به وجود آورده باید دوباره مثل دوران قبل از انقلاب سیاهی لشکر و عمله و ابزار تأمین منافع امریکایی‌ها شود. هدف به صورت لخت و پوست‌کنده جز این چیز دیگری نیست. اما می‌خواهند در زیر نام‌های زیبا جهانی‌شدن و تحول و پیشرفت این هدف را پنهان کنند." ("بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر"، ۹ اسفند ۱۳۷۹، <http://www.leader.ir/langs/fa/?p=bayanat&id=2088>). برای چکیده‌ای از روایت‌های متفاوت ایرانی در باره "جهانی‌شدن" بنگرید: محمدرضا دھشیری، "ایران و جهانی‌شدن، تهدیدها و فرصت‌ها"، مصباح، شماره ۳۷ (فروردین ۱۳۸۰)، ۵-۱۷. همچنین، بنگرید: غلامرضا بهروز لک، "جهانی‌شدن و چشم انداز فرج: تأملی در ظرفیت‌های جهانی‌شدن در فهم آموزه فرج"، قیسات، شماره ۳۳ (پاییز ۱۳۸۳)، ۸۱-۱۰۶؛ سید عبدالقیوم سجادی، "جهانی‌شدن و مهدویت، دو نگاه به آینده"، قیسات، شماره ۳۳ (پاییز ۱۳۸۳)، ۱۲۹-۱۴۲.
^{۱۹۹} گفت‌وگو با استاد محسن قرائتی، "انتظار، شماره ۱ (پاییز ۱۳۸۰)،

مکتب“ هدف و آینده حکومتی مهندسی فرهنگی شد. حجت الاسلام محسن قرائتی که “بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود“ را با حمایت رهبر جمهوری اسلامی بنا گذاشت در این باره گفت: “در مقابل این طرح‌ها و طرح‌هایی که فیلسوف‌ها و پروفیسورها برای آینده جهان و دهکده جهانی می‌دهند، باید ما هم طرح و حرف داشته باشیم و حرف، به وحی وصل شود. به منطق وصل باشد. نمونه‌های عملی را به گویم که چه طور می‌شود یک ولی خدا حاکم شود.”^{۱۹۹} این بنیاد که در آغاز دهه ۱۳۸۰ با انتشار نشریه‌های انتظار و امان نقش مهمی در اشاعه فرهنگ مهدوی داشت،^{۲۰۰} به جای بحث‌های تخصصی، به ترویج فرهنگ مهدویت “برای عوام عوام یعنی از خمیرگیر و جگرفروش گرفته تا استاد دانشگاه“ پرداخت.^{۲۰۱} قرائتی افزود: “ما الآن اصل، برایمان تحقیق نیست. اصل، برایمان تزیین است؛ یعنی تحقیقات را تلخیص کنیم، روان‌نویسی کنیم و شیک چاپ کنیم. ارزان، بروشوری، جیبی و شیرین. هدف این بنیاد، تزیینات است.” در تداوم چنین کوشش‌های “تزییناتی” و “شناخ و شانه کش[ی]” برای امام زمان،^{۲۰۲} رئیس‌جمهور محمود احمدی نژاد در نخستین همایش مهندسی فرهنگی در ۱۳۸۵ گفت: “ما امروز اگر بخواهیم فرهنگ‌مان را مهندسی کنیم و مهندسی فرهنگی داشته باشیم چاره‌ای نداریم و راهی بهتر از این نیست که به فرهنگ انتظار برگردیم، یعنی تلاش برای تحقق بهترین‌ها در زمین.”^{۲۰۳}

هم‌زمان با کوشش فراگیر برای درگیر کردن “عوام”، بحث گذر از “غیبت کبری” به “ظهور صغری” مهدویت را به پدیده‌ای جنجالی در دهه ۱۳۸۰ تبدیل کرد. آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی در پائیز ۱۳۸۱ در

شرح مفهوم نوتافته “ظهور صغری” گفت: “همان‌طور که برای حضرت مهدی علیه السلام، یک غیبت صغرا و یک غیبت کبرا است... برای ظهورش هم یک ظهور صغرا و یک ظهور کبرا است، ... ما، تصور می‌کنیم که در این عصر و زمان، ما انشاءالله، در بین الطلوعین ظهور حضرت مهدی علیه السلام قرار داریم.”^{۲۰۴} با این تفسیر که ظهور چون طلوع تدریجی پنداشته شد، ظهور مهدی در “این عصر و زمان” متجلی فرض شد. در ادامه این “نوآوری مهدوی” محمدعلی معلی، سردبیر کیهان فرهنگی، با اشاره به مقام رهبری گفت: “امروز اگر نائب امام عصر بر مسند حکومت نشسته است به خاطر انتظار واقعی و آمادگی مردم برای ظهور آن حضرت است. اگر زمان انتخاب نواب خاص را که واسطه مستقیم علم و هدایت حضرت حجت (عج) بوده‌اند، زمان غیبت صغری به نامیم، عصر حکومت و ولایت نائب عام آن حضرت را می‌بایست دوران ظهور صغرای آن حضرت به خوانیم.”^{۲۰۵} بدین ترتیب، ظهور مهدی در ولایت “نائب امام” و حکومت جمهوری اسلامی متجلی پنداشته شد.

با آمیزش گفتمانی مباحث جهانی‌شدن، مهدویت و مهندسی فرهنگی، “ظهور” از بازآمدن شخصی “امام زمان” به فرایند “جامعه‌سازی” و ساختن “دولت مهدوی” تبدیل شد. مثلاً محمد مددپور که “پایان تاریخ” و “وضعیت برزخی چالش تمدن اسلامی و شرق با غرب” را “عصر زمستان فرهنگی غرب” می‌دانست، باورداشت که بازگشت به معنویت “می‌تواند به صورت انقلاب اسلامی آماده‌گر ظهور بقیه‌الله باشد.”^{۲۰۶} مصطفی آخوندی نیز از منظری امنیتی “بدیهی” دانست که “در زمان انتظار و در نظام

<<http://www.entizar.ir/page.php?page=newspaper&id=1>>.

^{۲۰۰} برای شرح این کوشش‌ها بنگرید: <http://mahdi313.org>

^{۲۰۱} گفت‌وگو با استاد محسن قرائتی.

^{۲۰۲} گفت‌وگو با استاد محسن قرائتی.

^{۲۰۳} گفت‌وگو با استاد محسن قرائتی.

^{۲۰۴} نیازمند مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی جامعه هستیم.

مهندسی فرهنگی، شماره ۶-۷ (بهمین و اسفند ۱۳۸۵)، ۶-۷، نقل بر ۷.

^{۲۰۵} در محضر حضرت آیه‌الله العظمی مکارم شیرازی، “انتظار، شماره ۵

(پاییز ۱۳۸۱).

<http://www.hawzah.net/fa/magart.html?MagazineID=3301&MagazineNumberID=3306&MagazineArticleID=15273>

ایشان این موضوع را چندی بعد دوباره بدین شکل شرح داد: “همان‌طور

که در غیبت دو مرحله وجود داشت؛ مرحله غیبت صغری و غیبت کبری،

در ظهور هم، بنظر می‌رسد دو مرحله وجود داشته باشد؛ ظهور صغری و

ظهور کبری. اگر وجود ایشان را به اقیان شبیه کنیم که در احادیث زیادی

تشبیه شده‌در موقع غیبت یک بین‌الغروبین وجود داشت بعد یک شب

تاریک، در هنگام ظهور هم بین‌الطلوعین خواهد بود و یک طلوع آفتاب.

در بین‌الطلوعین که ظهور صغری باشد نام و آوازه امام زمان، علیه‌السلام، همه‌جا پخش می‌شود کوچک و بزرگ لااقل در محیط‌های متعلق به امام زمان، علیه‌السلام، یک اشتیاق و شوق و علاقه‌ای و خلاصه ارتباط تازه‌ای پیدا می‌کنند، کتاب‌ها، مجالس، مساجد، برنامه‌های مرتبط با آن حضرت زیاد می‌شود. من کمتر یاد می‌آید در سایه مسجد یا حسینیه‌ای به نام حضرت مهدی، علیه‌السلام، نامیده بشود حالا الی ماشاءالله مؤسسات مختلف، خیابان‌ها و تشکیلات زیادی به نام حضرت وجود دارد که اینها همه‌اش نشان می‌دهد که بالاخره عنایت و ان‌شاءالله اراده الهی تعلق گرفته است که ظهور نزدیک باشد و ما در بین‌الطلوعین قرار داشته باشیم که ان‌شاءالله توفیق خداوند عنایت کند در طلوع کامل هم ان‌شاءالله حیاتی داشته باشیم.” بنگرید: “سخن حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی در جمع جشنواره ستاد برترین‌های فرهنگ مهدویت، “موعود، شماره ۲۶ (۱۶ بهمن ۱۳۸۳)،

<http://old.mouood.org/content/view/655/3/>

^{۲۰۶} محمدعلی معلی، “ظهور صغری، “کیهان فرهنگی، شماره ۲۵۴ (مهر ۱۳۸۶)، ۴.

^{۲۰۷} محمد مددپور، “پایان تاریخ، واپسین انسان و عدالت ولایی مهدوی،”

۱۳۸۴،

<http://www.icari.ir/Default.aspx?page=740§ion=litem&id=11832>

جمهوری اسلامی نیز به هر میزان عوامل زمینه‌ساز امنیت فراهم آیند، جامعه ما به جامعه زمان ظهور حضرت ولی عصر، شباهت بیشتری پیدا خواهد کرد و چه بسا در سرعت بخشیدن به ظهور نیز موثر باشد.^{۲۰۷} معصومه صمدی نیز در خوانشی بدیع از "انتظار پویا" پیشنهاد کرد: "از آن جایی که امروزه تئوری‌های مختلفی در مورد پایان تاریخ مطرح است و تنور بحث 'جهانی شدن' داغ می‌باشد، بایستی حکومت جهانی امام زمان (علیه السلام) را با عنوان بهترین تئوری و کارآمدترین گزینه برای پایان تاریخ، در کتاب‌های درسی به فراگیران معرفی کرد."^{۲۰۸} بدین سان، جهانی شدن با ظهور مهدی و "ولایت‌مداری و اطاعت‌پذیری" درآمیخت و به نگرشی مهندسانه و "فنی و کاربردی مبتنی بر واقع‌گرایی" تبدیل شد.^{۲۰۹} در روایت‌های واقع‌گرا و بازمهندسی شده از دولت مهدوی، "نظام مقدس جمهوری اسلامی و خدمتگزاران به مردم مطابق با شاخصه‌های حکومت مهدوی می‌توانند مدعی باشند که طلیعه آن ظهوراند و پیشگامان آن 'دولت طلیعه' به شمار می‌روند."^{۲۱۰} بدین تدبیر، "نظام مقدس جمهوری اسلامی" و "دولت طلیعه" دولت 'ظهور صغری' فرض شد. به قول نشریه انتظار، "خانواده مهدوی، محله مهدوی، مدرسه مهدوی، دانشگاه مهدوی، اداره مهدوی، شهر مهدوی، نظام مهدوی و... الگوها و نمادهایی هستند که توان بالای تبلیغی و فرهنگ‌سازی در اصلاح و بهبود امور و تشکیل جامعه صالح و ایمانی قبل از ظهور را دارند. در واقع شبیه‌سازی جامعه منتظر به جامعه مطلوب و آرمانی و بیان انتظارات و خواسته‌های مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف از آن جامعه و حرکت به سمت وضع مطلوب و آرمانی، می‌تواند کمک شایانی به مهندسی فرهنگی جامعه بر اساس معارف قرآنی و رویکرد مهدوی داشته باشد و فضای معنوی اجتماع منتظران

را دگرگون سازد."^{۲۱۱} برخلاف قیام‌های اعتراضی و دولت‌پرهیز تاریخ تشیع، در این کاربردها 'ظهور' و 'مهدی' به ابزاری برای مهندسی فرهنگی و فرهنگ‌سازی دولتی تبدیل شد.

۸. حکمرانی مجتهدسانه

آمیزش و تعمیم دانش مهندسی و حکومت اسلامی به پیدایش حکمرانی مجتهدسانه انجامیده است. این آمیزش که با کوشش برای متقارن ساختن دین و دانش در اواخر قرن نوزدهم آغاز شد^{۲۱۲} الهیاتی مهندسانه را در پی داشت. مثلاً میرزا حسین طوطی مراغه‌ای، که از متجددان متدین مُتَقَدِّم بود، باور داشت "جهان هستی بدون طرح و هندسه صورت نبسته بلکه هر یکی از زوایای وجود قبل از خلقت طراحی و مهندسی شده است."^{۲۱۳} احمد کسروی و یارانش نیز باور داشتند که "یک نظام هندسی در جهان فرمانرواست" و "این جهان یک دستگاه بسامانست که از روی یک آیین استواری می‌گردد."^{۲۱۴} با پذیرفتن شدن چنین آرای، حجت‌الاسلام جعفر خندق‌آبادی نیز در ۱۳۳۴ از "نقشه دینی و هندسه الهی" ملت اسلام سخن گفت.^{۲۱۵} اگرچه در نیمه نخست قرن بیستم هماهنگی دانش و دین نخست توجه را به نظام و "رموز آفرینش" جلب کرد،^{۲۱۶} با شدت جنگ سرد و پیکار با کمونیسم در دهه‌های ۱۳۲۰/۱۹۴۰ به بعد، "اسلام بهترین نظام اجتماعی و عالم‌داری" معرفی شد.^{۲۱۷} با گزینش آرای مکاتب سیاسی و اجتماعی متفاوت و انطباق آنها با آیات و احادیث و روایات اسلامی "نظام اسلامی" و "نظام توحیدی" بعنوان بدیلی برتر از سرمایه داری و کمونیسم مطرح شد. اگرچه این نظریات در سال‌های پیش از انقلاب اغلب کلی و انتزاعی بودند، با پیروزی انقلاب اسلامی، به قول علی خامنه‌ای، "نظام اسلامی یعنی

^{۲۰۸} مصطفی آخوندی، "امنیت در عصر مهدوی (با تاکید بر چرایی و چگونگی آن)"، حصون، شماره ۱۲ (تابستان ۱۳۸۶)، ۱۳۳-۱۵۰، نقل بر ۱۴۹.

^{۲۰۹} معصومه صمدی، "مهدویت، رسالت نظام تعلیم و تربیت در شکل‌دهی جامعه مهدوی" مصباح، شماره ۶۶ (آذر و دی ۱۳۸۵)، ۴۷-۷۴؛ نقل بر ۶۹. به روایت صمدی، "انتظار پویا به معنای فراهم ساختن فعالانه زمینه ظهور است." (۵۹)

^{۲۱۰} به نقل از نجف‌علی غلامی، نکاتی درباره فرماندهی امام زمان (عج)، حصون، شماره ۱۲ (تابستان ۱۳۸۶)، ۱۶۶-۱۷۵؛ نقل بر ۱۶۶.

^{۲۱۱} جواد محدثی، "طلیعه سازان دولت مهدوی"، مبلغان، شماره ۱۳۹ (فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۰)، ۲۸-۳۹، نقل بر ۳۸. همچون 'ظهور صغری'، "دولت طلیعه" نیز مفهومی نوساخته است. برای توصیف "دولت طلیعه" بنگرید: جواد محدثی، "دولت طلیعه"، فرهنگ کوثر، شماره ۷۴، ۸۱-۸۷، برای بیان دیگری از "دولت مهدوی" بنگرید: بهروز محمدی منفرد، "انسان شناسی دولت

مهدوی، "مشرق موعود، شماره ۶ (تابستان ۱۳۸۷)، ۹۵-۱۱۶.
^{۲۱۲} "مهدویت، جهاد فرهنگی و راهبردهای ما"، انتظار، شماره ۳۴ (بهار ۱۳۹۰)، <http://entizar.ir/page.php?page=showarticles&id=453>

^{۲۱۳} امیرزاحسین طوطی مراغه‌ای، "جهان زنان: نامه یکی از حقیقت‌شناسان"، ایرانشهر، سال ۳، شماره ۴ [اسفند ۱۳۰۳]، ۲۲۹-۲۴۶، نقل بر ۲۳۲.

^{۲۱۴} احمد کسروی، خدا یا ماست (چاپ ۴؛ تهران: پایدار، ۱۳۳۹)، ۱ و ۴.

^{۲۱۵} جعفر خندق‌آبادی، "دعای میرزا علی محمد باب و میرزا حسینعلی بهاء"، جامعه جغرفیه، شماره ۱۴ (۱۳۳۴)، ۵۲. در نوشته‌های شوقی افندی (۱۸۹۷-۱۹۵۷) نیز عباراتی چون "نقشه ملوکوتی" و "مهندس نظم بدیع جهان آرا" و "مهندس و مبین" یافت می‌شود. بنگرید:

شوقی افندی، توقعات مبارکه حضرت ولی امرالله، اکبر - ۱۹۵۲ اکبر ۱۹۵۸ (بی‌مکان: موسسه ملی مطبوعات امری، ۱۱۹ بدیع)، به ترتیب بر ۲۷ و ۳۴. این موارد در مدیون مینا یزدانی می‌باشم.

^{۲۱۶} شیخ محمد مردوخ کردستانی، رموز آفرینش (تهران: چاپخانه دانش، ۱۳۳۳).

طرح مهندسی و شکل کلی اسلامی را در جایی پیاده کردن^{۲۱۷} فرض شد، و طرح‌های عملیاتی جایگزین نظریات انتزاعی شد. با در این رویکرد که هماهنگی حوزه‌های علوم دینی و دانشکده‌های فنی و مهندسی را در در پی داشت، "عقلانیت اسلامی از لحاظ ساختار شبیه عقلانیت فنی" پنداشته شد.^{۲۱۸} بدین سان روشی که در دهه‌های پیش از انقلاب بوروکراتیک فرض شده بود در سه دهه پس از انقلاب "عقلانیت اسلامی" شناخته شد و به خدمت پیاده کردن "نظام الهی" گماشته شد. در گسستگی معرفتی، تشیع از "مذهب اعتراض" به مکتبی دولتی و حکومتی تبدیل شد.

اگرچه جنبش اسلامی در دهه‌های پیش از انقلاب با هدف حفظ و نگهداری فرهنگ اصیل و فطرت اسلامی به عرصه مبارزات سیاسی وارد شد، در گفتمان جدید حکومتی "دین" و "فرهنگ" ابزار و مصالحی "برای ساختن انسان باب اسلام و انقلاب"^{۲۱۹} و "انسان باب هدف‌های جمهوری اسلامی" قلمداد شدند.^{۲۲۰} در این بینش تک‌خطی و تک‌خرد از "مهندسی دینی ساختارهای جامعه"، همچنان که در مدل حجت‌الاسلام علی کشوری "برای اداره جامعه دینی" آشکار است، اسلام و عقلانیت اسلامی "به معنای محاسبه نرخ شتاب طاعت در مقابل نرخ شتاب طغیان" تقلیل یافت.^{۲۲۱} آنچه که با نام ارزش‌های اسلامی نهادینه شد، حکمرانی مکانی و منطق حکومتی برگرفته از خرد و خیال مهندسی و معماری است. این خردابزاری، که در آستانه انقلاب اسلامی برای ساختن "سیستم توحیدی" به جای "نظام طاغوتی" به کار می‌رفت، همراه با طرح و نقشه مهندسان و معمارانی که از اعتبارات دولتی و حکومتی بهره‌ور شدند، "هندسه و ترسیم الهی" فرض شد. "شبکه قدرت و دانش مجتهدسانه" و حضور

روزافزون "حجت‌الاسلام مهندس‌ها" در صحنه زندگی سیاسی و اجتماعی پیامد برآمدن اسلامی مهندسانه و خردابزار است. مهندسی فرهنگی در پی آنست که تخصص و تعلق خاطر دوگانه مجتهدسان را به روندی همگانی برای توانمندی نظام جمهوری اسلامی تبدیل کند. با "مهندسی ولایی" و "نقشه و هندسه الهی" و واجب شدن "اطاعت خطی"، شهروندان جمهوری اسلامی، آنچنان که علی خامنه‌ای درباره دوره و نظام دیگری دریافته بود، "ما... شديم مثل يك کارگر ساده ساختمانی در اختیار یک معمار و یک مهندس. یک کارگر ساده ساختمانی چه کار می‌تواند بکند؟ بله، در ساختن خانه نقش دارد، اما صرفاً نقش جسمانی و غیرفکری؛ گل بده، آجر بده، گچ بده، یا اینها را روی هم بچین. دوره انحطاط ما از این جهت است."^{۲۲۲}

^{۲۲۲} علی کشوری "بررسی اجمالی ظرفیت عقلانیت شیعه برای مدل‌سازی اسلامی"، ۲ شهریور ۱۳۸۸،

<http://www.inn.ir/newsdetail.aspx?id=24492>

^{۲۲۳} خامنه‌ای، "بیانات در دیدار مهندسان و محققان فنی و صنعتی کشور"، ۵ اسفند ۱۳۸۳.

^{۲۱۷} اسلام سد پیشرفت علم و فرهنگ و دانش نیست، "آیین اسلام، شماره ۵۲ (۲۷ اسفند ۱۳۳۳)، ۳۲-۳۴، نقل بر ۳۲.

^{۲۱۸} علی خامنه‌ای، "بیانات مقام معظم رهبر در دیدار مسئولان و کارگزاران جمهوری اسلامی ایران"، ۱۲ دی ۱۳۷۹-۲ دسامبر ۲۰۰۰.

^{۲۱۹} حکومت دینی کارآمد با دموکراسی مشروع: گفتگوی کیان با محمدجواد لاریجانی، "کیان، سال ۶، شماره ۳۰ (اردیبهشت-خرداد ۱۳۷۵)، ۱۶-۲۳، نقل بر ۲۰.

^{۲۲۰} علی خامنه‌ای، "بیانات در دیدار با اعضای «گروه تاریخ» صدای جمهوری اسلامی ایران"، ۸ بهمن ۱۳۷۰،

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2566>

^{۲۲۱} علی خامنه‌ای، "بیانات در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی به مناسبت هفتمین سالگرد تشکیل این شورا"، ۲۰ دی ۱۳۷۰/۹، <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2531>